



نشر روزگار

اسلام پژوهی

بازخوانی تاریخ تشیع امامیه
غیبت اولاد

دکتر جاسم حسین
دکتر عبدالعزیز ساشائینا

ترجمہ: دکتر محمود رضا افتخارزادہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

باز خوانی تاریخ تشیع امامیه

غیبت و مهدویت

دکتر جاسم حسین، دکتر عبدالعزیز ساشادینا

ترجمه:

دکتر محمودرضا افتخارزاده

نشر روزگار

۱۳۹۰

سرشناسه :	حسین، جاسم
	Hussain, Jassim M
عنوان و نام پدیدآور :	بازخوانی تاریخ تشیع امامیه غیبت و مهدویت/تحلیل دیدگاه‌های جاسم حسین، ساشادینا، ترجمه، تحقیق و تالیف محمودرضا افتخارزاده
مشخصات نشر :	تهران: روزگار، ۱۳۸۲.
مشخصات ظاهری :	۲۴۳ ص.د
شابک :	978-964-374-122-8
پادداشت :	در چاپ اولی این کتاب که توسط محمودرضا افتخارزاده در سال ۱۳۴۹ منتشر شده است نام نویسنده نول عبدالعزیز عبدالعسین ساشادینا ذکر شده است.
پادداشت :	عنوان به انگلیسی: The doctrine of Mahdiism in Twelver shiism, as contemporary Muslim scholars presented by Nitwo
پادداشت :	کتابنامه: ص. [۲۳۱] - ۲۳۲، همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع :	مصدقین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۱۳۵۵.
موضوع :	مهدویت.
تذکره افزوده :	ساشادینا، عبدالعزیز عبدالعسین، ۱۹۵۲-م.
تذکره افزوده :	Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein
تذکره افزوده :	افتخارزاده، محمود، ۱۳۳۳ - مترجم
رده بندی کنگره :	۲۴۴/۲۵۱:۱۷ ۱۳۸۰
رده بندی دیویی :	۲۹۷/۴۴۲
شماره کتابشناسی ملی :	۸۰-۱۵۵۷۴م



نشر روزگار

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Doctrine of Mahdiism in Twelver Shiism,
as: Presented by: Two Contemporary Muslim Scholars.
Department of Religious studies
university of virginia, U.S.A. May 1983

غیبت و مهدویت در تشیع امامیه

دکتر جاسم حسین، دکتر عبدالعزیز ساشادینا

ترجمه، مقدمه و نقد: دکتر محمودرضا افتخارزاده
ناشر: روزگار

حروفچینی و صفحه‌آرایی: عارف سلطان‌آبادی

طرح جلد: سیدامین موسوی‌زاده

لیتوگرافی و چاپ: روزگار

چاپ: اول - ۱۳۹۰

تیراژ: ۲۲۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۱۲۲-۳۷۴-۹۶۴-۹۷۸

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست موضوعات

یادداشت مترجم ۹

مقدمه مترجم

- اسلام؛ عقیدت جامع و مانع انسانی ۱۳
- جایگاه عقیدتی تشیع در اسلام ۱۴
- معنای لغوی و اصطلاحی تشیع ۱۵
- پیشینه تاریخی تشیع ۱۶
- تشیع در تاریخ اسلام ۱۶
- فلسفه غیبت امام علیه السلام ۳۴
- سرنوشت منابع و مصادر اولیه مهدویت ۴۱
- مبانی عقیدتی غیبت و مهدویت در قرآن و سنت ۴۶
- احادیث نبوی تعیین هویت مهدی موعود ۵۴
- پیشینه تاریخی مهدویت در متن نوبختی ۶۶
- مواضع و عقاید شیعه علویه بر اساس متن نوبختی ۷۷



غیبت و مهدویت در تشیع امامیه

مقدمه مؤلف ۸۱

تسلسل تاریخی طبقه‌بندی منابع اصلی تشیع امامیه ۸۷

پاورقی‌ها ۱۱۷

۱

دیدگاه دکتر جاسم حسین

نقش احادیث در تنظیم ایده مهدی ۱۲۵

سیستم نمایندگان ۱۴۶

چهار نایب امام دوازدهم علیه السلام ۱۴۷

نتیجه‌گیری ۱۶۱

پاورقی‌ها ۱۶۳

۲

دیدگاه دکتر ساشادینا

تحول تدریجی عقیده به مهدی ۱۷۴

مقایسه تفاسیر نوبختی و مفید ۱۸۵

عقیده به دو نوع غیبت امام دوازدهم علیه السلام ۱۸۷

تحول عقیده به غیبت ۱۸۸

دوران ورود به مباحث کلامی ۱۹۲

نتیجه‌گیری ۱۹۷

پاورقی‌ها ۱۹۹



تحلیل این دو دیدگاه

۲۰۵ نقش احادیث در تحول عقیده به امام غایب <small>علیه السلام</small>
۲۱۰ تنظیم و تبیین عقیده مهدویت
۲۱۹ فرضیه ناسازگاری شناخته شده
۲۲۵ ترویج ایده غیبت
۲۲۸ خلاصه
۲۳۵ نتیجه گیری
۲۳۷ پاورقی ها

کتاب نامه

۲۴۳ منابع مورد استناد مؤلف
۲۴۷ گزیده منابع مترجم در تحریر مقدمه و پاورقی های متن

فهرست اعلام

۲۵۳ ۱- اشخاص
۲۶۱ ۲- ادیان، مذاهب، قبایل، اقوام، خاندان ها و فرقه ها
۲۶۳ ۳- کتب
۲۶۷ ۴- اماکن
۲۶۹ ۵- اصطلاحات

**To the Saviour whose
reappearance to
establish the kingdom
of justice and equity is
sorely needed now for
mankind is on the verge
of perdition.**

**تقدیم به آن منجی که برای
تشکیل دولت عدل و قسط
ظهور خواهد کرد، و بشریت
شدیداً محتاج عدل و بر لیه
پرتگاه سقوط را نجات
خواهد داد.**

مؤلف



ساشادینا را آشکار نموده و مبانی عقیدتی غیبت، مهدویت و تعیین هویت مهدی موعود، امام دوازدهم حضرت حجة بن حسن عسکری علیه السلام را ارائه کرده است.

در پایان توجه خواننده را به این نکته مهم جلب می کند که مؤلفان محترم بر کتاب فرق الشیعه نوبختی و چند منبع دیگر شیعه امامیه تکیه و تاکید بسیار کرده و اصرار دارند تا همه حقیقت عقیدتی تشیع امامیه و مبانی روایی آن را از همین چند کتاب و مخصوصاً از متن نوبختی در آورند. برای دفع این سفسطه، شرح حال علمی - انتقادی مستندی از منابع مورد استناد مؤلفان ارائه شده است. بدیهی است مطالعه دقیق مقدمه مفصل مترجم، خواننده را در فضای عقیدتی مهدویت قرار خواهد داد و سفسطه ها و مغلطه های متن مؤلفان را آشکار و خنثی خواهد نمود، و از طرفی اکثر پاورقی های مترجم بر متن مؤلفان، به مقدمه ارجاع شده

است.

محمود رضا افتخارزاده

بهار ۱۳۷۸

تهران

مقدمة مترجم

کلیات

اسلام؛ عقیدت جامع و مانع انسانی

جهان‌بینی و جهت‌گیری اصولی - غایی - نهایی اسلام، یک جهت‌گیری مطلقاً انسانی است: قرآن کتاب آسمانی اسلام چنین نویدی را می‌دهد. پیام‌های قرآن در یک تسلسل اصولی و سازمان‌یافته الله خداوند اسلام را منشاء ارزش‌های مطلق (کمال مطلق) و متعالی معرفی می‌کنند، و انسان را پس از خداوند، مقدس‌ترین موجود هستی می‌شناسانند که آفرینش در تمامیت شعور خویش از عرش و فرش به پایش ریخته و موجودی مسجود گشته و جانشین خداوند در زمین و زمان گردیده است. این تعابیر در داستان آفرینش انسان با زبانی نمادین در روشن‌ترین و جامع‌ترین بیان و در اصول کلی راهنما و زمان‌شمول با متعالی‌ترین مفهوم تبیین شده است. این تقدیس و تکریم خداگونگی ارزش‌های انسانی را می‌رساند که در فطرت او بالقوه به ودیعه نهاده شده که روند تکامل ضامن فعلیت آنهاست. قرآن ارسال رسل و انزال کتب را وسیله آگاهی



بخشیدن به انسان و هدایت او در جهت معین و مشخص فوق معرفی می‌کند. پیامبر و پیشوایان اسلام نیز خود را وسیله [= معالم الطريق = نشانه‌های راه تکامل] معرفی کرده‌اند. بنابراین در تلقی قرآنی پس از خداوند، انسان اصل است و متبوع و اصول و احکام، وسیله و تابع و متفرع بر اصل می‌باشند. قرآن در دو مورد به وسیله بودن دین در تشریح و شرعیات تصریح و تاکید کرده است. در قرآن معیارهای اصولی و اساسی مبتنی بر سه اصل: علم و حکمت (آگاهی عرفانی - اشراقی انسان) + ایمان و جهاد (آزادی و رهایی انسان در جبهه درون و بیرون) + قسط انسانی و عدل اجتماعی (انسان ایده‌آل + مدینه فاضله انسانی) استوار است، نظام تشریح در این راستا می‌کوشد. اسلام رسیدن به بهشت موعود آن جهانی را مبتنی و مشروط بر جهاد و اجتهاد در جهت تحقق انسان ایده‌آل و گام به سوی مدینه فاضله این جهانی می‌داند. ظهور اسلام در روند تکامل انسان، پایان دوره جنین - عقلی انسان را اعلام کرد و خاتمیت رسل را در طلیعه ولادت عقلانی انسان مقرر داشت. از آن پس حرکت تکاملی انسان مبتنی بر علم و حکمت و عقل در پرتو رهنمودهای قرآن و سنت به عنوان اصول زمان شمول راهنما آغاز شد. تحقق نهایی اهداف انسانی اسلام مستلزم تحقق نهایی تکامل عقلانی - علمی - فکری - فرهنگی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی انسان است.^۱

جایگاه عقیدتی تشیع در اسلام

تشیع در نگاه کلامی آن، منشور و مشخصه اساسی اسلام (در مقایسه با ادیان آسمانی پیشین) به عنوان دین نهایی انسان است. این منشور با شاخص‌های

۱- قرآن ۷۹/۶، ۱۹/۳، ۳/۵، ۳۸/۲، ۳۰/۳۰، ۹۹/۱۰، ۲۵۶/۲، ۲/۲، ۱۸۵/۲، ۱۳۸/۳. داستان آفرینش: ۳۰/۲-۳۸، ۱۲/۷-۲۷، ۱۴/۲۳، ۷۵/۱۴. انسان متبوع است و دین تابع: ۲۱/۱۰۷، ۱۵۱/۲، ۵۷/۲۵.



مشخص بر دو بُعد اساسی عدل و امامت، مبین حقیقت فلسفی - عقیدتی اسلام (اسلام عدالت و امامت) می‌باشد. تشیع در تعیین هویت عقیدتی اسلام دو نقش بزرگ تاریخی بر عهده دارد:

۱- نقش و دوره نخست: تبیین، تفسیر و تدوین اصول عقیدتی اسلام، تعیین مرزبندی‌ها و جهت‌گیری‌ها در عقیده و عمل که این مهم در مقطع تاریخی دوره حضور (۱۱-۲۶۰ هجری) صورت گرفته است.

۲- نقش و دوره دوم: اشراف معنوی بر کرم و کیف روند تکاملی عقیدتی انسان و نظارت بر سرنوشت جهان و انتظار حصول شرایط مطلوب و مساعد، برای تحقق آرمان‌های بشری و برپایی جامعه ایده آل انسانی که در دوره غیبت یا استتار استراتژیک انجام می‌گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی تشیع در قرآن، سنت و تاریخ

تشیع در لغت به معنای پیروی جامع عقیدتی است. قرآن در بیان پیشینه تاریخی - عقیدتی این واژه به این معنا تصریح کرده و پیروان عقیدتی پیامبران ابراهیمی را شیعه نامیده است.^۱

در سنت نیز به همین معنا، نخستین بار توسط شخص پیامبر اسلام به کار رفته و در طی دوره رسالت مکرر تکرار شده است. از آن پس در تاریخ عقاید و آرای سیاسی اسلام، تشیع به معنای پیروی از قرآن و سنت محمد و علی و آل با مشخصه‌های عقیدتی مشخص معرفی شده است. در بنیان‌های پنج‌گانه کلامی تشیع که معرّف اصول اساسی اسلام اولیه است، توحید به عنوان مبنای همه عقاید و اخلاق و عواطف مطرح است و نبوت به معنای رسالت نهایی و جهانی



پیامبران در شخص محمد به منظور تبیین افق‌های جهان‌بینی الهی - انسانی - تاریخی بشر تا پایان تاریخ و اعلام پایان دوره نبوت و آغاز عصر امامت آمده است. پس از آن عدل از خدا تا انسان، یعنی عدالت مطلق در گستره زمین و پهنه زمان به عنوان مشخصه اساسی جهان‌بینی و عقیدت انسانی اسلام آمده. در این نگاه معیار در تکوین و تشریح عدالت است. چهارمین اصل امامت در رهبری انسان (رهبری عقیدتی) در کل زمان و جهان می‌باشد و با تکیه بر اصل معاد، سرسبزی حیات معنوی و اخروی و جاودانگی ارزش‌های متعالی و رمز خلود انسان و اجرای عدالت خداوندی از آغاز تا انجام تاریخ حیات بشر را معنا می‌دهد.

پیشینه تاریخی تشیع

تشیع پایه‌های اسلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم زاد و زیست؛ یعنی از هنگامی که دست علی علیه السلام در دست محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت، تاریخ آغاز شد و از آن پس پایه‌های ۲۳ سال رسالت شکل گرفت. تصریحات مکرر پیامبر اسلام در مراحل مختلف تاریخی - سیاسی این ۲۳ سال و سرانجام حادثه تاریخی غدیر خم که وحی در آن نقش و دخالت فعال داشت، زادگاه و جایگاه تاریخی تشیع را به درستی و روشنی نشان می‌دهد. تشیع با این مشخصه در تاریخ آغاز شد: شِيعَةُ عَلِيٍّ، الشَّيْعَةُ الْعَلَوِيَّةُ.^۱

تشیع در تاریخ اسلام

زمینه: در طی ۲۳ سال رسالت، اسلام در عقیده و عمل نشان داد که عقیدت طبقاتی نیست، اما جهت‌گیری دقیق طبقاتی دارد. در طی این دوره دو طبقه و

۱- ن. ک: نوبختی/الفرق ۵۳ + اشعری/مقالات ۷۰.



جریان مشخص اجتماعی با خاستگاه و پایگاه معین طبقاتی به اسلام گرویدند: طبقه نخست به تعبیر قرآن مستضعفان جامعه بودند که در همان روزهای اولیه نهضت اسلام به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوستند. طبقه دوم اشراف و گروه نخبگان بودند که ابتدا علیه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نهضت او مقاومت کردند و پس از دریافت قطعیت پیروزی و طمع سیاسی به تدریج و توافق و ائتلاف به صف مسلمانان پیوستند و پیرامون محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را گرفتند. ^۱ مصادر اولیه اسلام نشان می‌دهند که مرگ پیامبر اسلام طبیعی نبوده است. دو گزارش مستند در دست است که آن حضرت در پی ائتلاف یهود بنی قریظه با سران نفوذی جبهه شکست خورده مقاومت مشرکان مکه، مسموم شده و در اثر آن زهر اندکی بعد درگذشته است. ^۲ و انمود کردن شهادت پیامبر به یک مرگ طبیعی در تقویم تاریخ رسمی اسلام، بخشی از تلاش‌های عادی‌سازی این موضوع تلقی می‌شود. کودتای سیاسی سقیفه و پیروزی سریع آن که به تعبیری از سریع‌ترین حرکت‌های سیاسی تاریخ محسوب می‌شود، محصول توافق قبلی و ائتلاف سیاسی گروه نخبگان و سران شکست خورده جبهه مقاومت شرک مکه می‌باشد. ^۳

۱- ن. ک: طبرسی / احتجاج ۲/ ۳۷۵: رهنمود امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام: ... بل انهما اسلما طمعاً و ذلک انهما یخالطان مع الیهود و یخبران بخروج محمد صلی الله علیه و آله و استیلانه علی العرب من التوراة و الکتب المقدسه... فلما ظهر امر رسول الله فساعداه معه علی شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله طمعاً... فلما لم یکن ذلک و ایسا من الولاية نکثا بیعته و خرجا علیه...

۲- ن. ک: سلیم بن قیس / تاریخ سیاسی صدر اسلام. مقدمه مترجم.

۳- شهادت پیامبر اسلام ن. ک: سلیم بن قیس / کتاب سلیم ۲۳۲، ۲۳۳. + شیخ مفید / المقنعه.

کتاب الزیارات. ص ۷۲-۷۵. چاپ ۱۲۷۴ ق.



الف- دوره حضور امامان (۱۱-۲۶۰ هجری)

یادآوری: ابتدا باید دانست که طبق رهنمودهای عقیدتی قرآن، «امام» یک معنا و مفهوم عقیدتی دارد و یک «راهبر عقیدتی» می باشد.^۱

امام علی بن ابی طالب به عنوان نخستین امام و راهبر عقیدتی - سیاسی مسلمانان، کودتای سقیفه را به رسمیت نشناخت و در براندازی آن تلاش نمود. اما اقتدار سیاسی - نظامی و نفوذ قبایلی سران کودتا، مانع از تحقق این تلاش شد. آن حضرت وضع جدید را تغییر شکل جور جاهلی و تجدید حیات نظام قبایلی معرفی کرد.^۲ او برای سرنگونی کودتا لحظه‌ای درنگ نکرد و در تلاشی گسترده، یاران اولیه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برای یک اقدام نظامی سریع علیه کودتاچیان فراخواند، اما یآوری نیافت.^۳ کودتای سقیفه از همان آغاز، آن دوگانگی اولیه طبقاتی پیروان محمد را بسیار برجسته نمود و با جهت‌گیری سیاسی - اقتصادی خود به نفع گروه نخبگان وارد عمل شد و راه را برای استقرار رژیم اموی یعنی حاکمیت سران شکست خورده جبهه مقاومت مکه هموار نمود. در طی ۲۵ سال حکومت کودتا امام علی بن ابی طالب علیه السلام با وجود بایکوت مطلق او و یارانش به عنوان ادامه‌دهنده اسلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم، رهبری عقیدتی - سیاسی طبقه نخست (مستضعفان) یعنی تنها اقلیت وفادار به اسلام اولیه را بر عهده داشت.^۴ تاریخ مدعی است که اسلام اولیه در تمامیت عقیدتی خویش، حیات سبز خود را مرهون آن ۲۵ سال تلاش عقیدتی و سازندگی است.^۵

۱- ن. ک: قرآن ۱۲۴/۲ + ۷۴/۲۵ + ۷۳/۲۱ + ۵/۲۸ + ۲۴/۳۲ + نهج البلاغه. خطبه ۱۰۵. ص

۱۵۲ + ۲۱۲/۱۵۲. کلینی/الکافی. کتاب الحجج.

۲- ن. ک: نهج البلاغه. خطبه ۳ + قاصعه.

۳- ن. ک: سلیم بن قیس/پیشین. + امینی/الغدیر جلد های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸

۴- ن. ک: سلیم بن قیس/همان. ۵- ن. ک: نهج البلاغه. خطبه ششقیه.



منابع عقیدتی اسلام اولیه نشان می‌دهند که مواضع اسلام امامت در قبال کودتا و رژیم اموی و انواع مشابه آن در دوره حضور، بر سه بُعد اساسی استوار بوده است: مبارزه عقیدتی - فرهنگی، سیاسی و نظامی با زیربنای عقیدتی و مرزبندی‌های دقیق، که هر بُعد از این مبارزه جامع، تابع شرایط زمانی بوده و شیوه‌های خاص خود را می‌طلبد است.^۱

تاریخ نشان می‌دهد که علت طبیعی انشعاب در تشیع، شرایط فوق‌العاده پیچیده سیاسی - پلیسی و در نتیجه عدم درک مواضع امامان و تلقی نادرست از امامت بوده است. پیشینه سیاسی انشعاب در تشیع را باید در دوره حیات سیاسی امام علی بن ابی طالب علیه السلام جستجو کرد. قبل از آن نیز کودتای سقیفه و تبلیغات سیاسی مستمر آن در بسیاری از مسلمانان عادی که نسل دوم اسلام حساب می‌شدند، تاثیر منفی گذاشته بود. اقدامات سیاسی - تبلیغی کودتا مسئله اساسی امامت را در آذهان بسیاری لوث کرده بود.^۲

با استقرار امویان، مبارزه اسلام امامت از شکل درگیری مسلحانه سازمان یافته خارج شد. رهنمودهای امام علی بن ابی طالب علیه السلام به پیروانش در ستیز با رژیم اموی، جهت زیرزمینی - تشکیلاتی مبارزه را مشخص کرد.^۳ به دلیل همان شرایط پیچیده و بحرانی، مواضع امام حسن بن علی علیه السلام برای عامه شیعه گنج‌کننده بود.^۴ حرکت امام حسین بن علی علیه السلام تنها برای آن بخش از

۱- ن. ک: زیارت جامعه امامان در: قولویه/کامل الزیارات.

۲- ن. ک: نسوبختی/الفرق ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳. + اشعری/مقالات ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱. +

نهج البلاغه. خطبه قاصعه. + سلیم بن قیس/کتاب سلیم ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱

۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶

۳- ن. ک: نهج البلاغه. خطبه ۵۳، ۵۷. + سلیم بن قیس ۷۱، ۷۲، ۷۳.

۴- ن. ک: محمود رضا افتخارزاده/بررسی نهضت‌های تاریخی شیعه. نهضت مختار ثقفی



همراهان و فداییان حضرتش روشن بود، در حالی که اصحاب پیامبر و مشایخ بزرگ شیعه از درک آن عاجز بودند. قیام امام حسین علیه السلام قیامی ذاتاً عقیدتی بود که در شکستن الحاد و عصیان گستاخ و افسار گسیخته اموی، تنها راه ممکن تشخیص داده شد. این قیام با وجود پیام، جهت و هدف روشن و نتیجه مثبت تاریخی - عقیدتی دچار بدفهمی کلامی گردید. جناح محافظه کار شیعه در تاویل و تفسیر فراتاریخی - فرازمینی آن کوشید تا در تعدیل رادیکالیسم، تنش تند تاریخی و شمول مطلق آن را بگیرد و بایگانی شده تلقی نماید. با تنگ تر شدن حلقه محاصره و تشدید جو خفقان سیاسی - پلیسی، تلقی نادرست از امامت که با اهداف سیاسی توأم بود، بحران جدیدی پدید آورد: بنی الحسن در برابر بنی الحسین قرار گرفته و امامت را میراثی نژادی - حقوقی پنداشتند. این پندار آگاهانه بود و انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی داشت، چرا که لاقل برای این دو جناح، مبانی عقیدتی امامت در اسلام اولیه روشن بود و این آغاز جو شایعه و شبهه و سفسطه پیرامون مسئله رهبری و امامت در تاریخ تشیع است: در تلقی بنی الحسن امامت یک برداشت سیاسی بود که مشخصه عقیدتی نداشت و معیار اساسی آن قیام و دعوت و قائم بالسیف، از خاندان هاشم بود. و این نخستین برداشت چپ‌گرایانه و روبنایی از اصل امامت بود که اصولاً ضمانت عقیدتی نداشت. توضیح:

رهنمودهای قرآن و سنت پیرامون اصل امامت و ویژگی‌های امام در قرآن و سنت، از نصوص آشکاری بود که می‌توانست نافی هرگونه برداشت غیر اصولی از امامت باشد. این رهنمودها و نصوص در قلمرو اقلیت وفادار به اسلام اولیه تا عصر امامت امام حسین بن علی علیه السلام برای عامه شیعیان مقبول بود.





بدآموزی‌های تبلیغاتی گسترده‌ای که از پگاه پیروزی کودتای سقیفه در ستیز با اصل امامت به عمل آمد، در تشبثات فرقه‌ای بسیار مؤثر بود: کودتای سقیفه مدعی اجماع اصحاب و انتخاب عامه بود! این نیرنگ سیاسی که اصولاً واقعیت خارجی نداشت، در دراز مدت یک فرضیه سیاسی شد و با جرح و تعدیل‌هایی دستاویز گروه‌های سیاسی گردید. در این تلقی تعدیل شده، امامت به معنای رهبری عقیدتی اسلام و امام به معنای یک راهبر عقیدتی نبود، در حالی که قرآن و سنت بر اصالت راهبری عقیدتی امام و امامت تصریح و تاکید دارند. تصریح و تاکید قرآن بر مصونیت تکوینی - تشریحی امام و عقیدت^۱ نادیده گرفته شد و مبانی رهبری تا سطح بسیار پایینی سقوط کرد. این عقیده را گروه حشویه (فناتیک‌های عامی تابع سیاست سقیفه) بزرگترین نقش را در تخریب مبانی رهبری بر عهده داشت. پشتوانه روایی - کلامی این تلقی منحنط، روایاتی بود که دستگاه تبلیغاتی کودتای سقیفه ساخت و توسط این گروه ترویج و تعمیم یافت و دستاویز گروه‌های سیاسی منشعب گردید. گروه موسوم به مرجئه نخستین جریانی بود که به نفع کودتا و رژیم اموی، امامت و رهبری را در قالب‌های نژادی - قومی - قبیله‌ای طرح و تبلیغ کرد. این دیدگاه نیز پشتوانه روایی یافت و دستاویز فرقه‌های سیاسی منشعب گردید. فرضیه‌های سیاسی بخشی از جناح‌های خوارج که در نگاه محققان جدید دموکراتیک جلوه می‌کند، یک عقده‌گشایی سیاسی بود که بر بحران عقاید افزود و رهبری در اسلام را از چهارچوب اصول عقیدتی و مرزهای مشخص آن بسیار دور کرد. این دیدگاه‌ها گویی همه با هم یک صدا می‌گفتند که هرکس زور و نفوذش بیشتر، همان رئیس باشد و این مبین غلبه روح جاهلی و نظام قبایلی بدویت عربی بود که اذهان را اشغال کرده بود. در این شعار واحد و هماهنگ، ریشه‌های طبقاتی - قبیله‌ای -

۱- قرآن / احزاب ۳۳: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً...



قومی - سیاسی به خوبی دیده می شود.^۱

در این میان تنها شعاری که مسئولیت می طلبید اما در عین حال ضمانت و پشتوانه عقیدتی نداشت، شعار بنی الحسن بود که اندکی بعد در چهارچوب مذهب زیدیه شکل گرفت و به لحاظ مایه های کلامی، متأثر از اندیشه های معتزله بود.

به یاد داشته باشیم که این بحران و تحریف در اصل امامت و رهبری از همان آستانه عصر حضور امامان خود را نشان داد و به تدریج دامنه و اوج گرفت. در این مقطع است که رهنمودها و اصول صادره از سوی پیامبر اسلام و امامان دستخوش سرقت، تحریف، تاویل و تفسیرهای فرقه ای گردید. این وضعیت قابل پیش بینی بود. لذا امامان هرکدام به سهم و موقعیت خویش در تنویر افکار و تاکید بر اصول اساسی امامت و رهبری منصوص اسلام می کوشیدند.^۲

تاریکی و پیچیدگی شرایط در این مقطع تاریخی به حدی است که مورخان و محققان قدیم و جدید را شدیداً گمراه کرده است، تا آنجا که برخی محققان شیعی و شرق شناسان غربی نظریه امامت معنوی امام علی بن حسین علیه السلام، امام محمد بن علی باقر علیه السلام و امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام را داده اند. متون عقیدتی شیعه علویه دقیقاً خلاف این پندار و نظریه را ثابت می کند. محققان جدید در بررسی این بخش از تاریخ امامت، دچار چپ زدگی شگفتی شده اند! آنان نیز تلقی نادرستی از امامت دارند و در شناخت امامت دچار همان معیارهای فرقه ای شده اند.

۱- ن. ک: یولیوس ولهاوزن/تاریخ سیاسی صدر اسلام. شیعه و خوارج. ترجمه محمودرضا افتخارزاده (تهران. معارف اسلامی. ۱۳۷۵ خورشیدی)

۲- ن. ک: همین مقدمه. گفتار ۵. ب.



نقش تعیین‌کننده امام علی بن حسین در پشتوانه بخشیدن عرفانی - فلسفی به نسل پس از قیام و بحران که به شدت دچار انفعال و یأس فلسفی - عقیدتی شده بود، مسئولیت رهبری عقیدتی امام را می‌رساند. رهبری و نظارت سرّی آن حضرت بر قیام مختارین ابی‌عبیده ثقفی بُعد دیگری از مسئولیت و استراتژی امام را نشان می‌دهد.^۱ شواهد متقنی در دست است که قیام‌های اساسی شیعه دوره حضور، با اذن و اشارت امامان صورت گرفته است. این اصل نیز ثابت است که امامان بر تکوین عقیدتی نهضت و آگاهی توده‌ها تکیه و تاکید داشتند. اشکال اساسی کار محققان در این است که پنداشته‌اند منظور امامان تحقق اهداف ایده‌آل اسلام امامت بوده است. و این اشتباه بزرگی است، چرا که اصولاً نهضت‌های شیعی دوره حضور که با اشراف امامان آغاز می‌شده، مبین فریاد اعتراض شیعه علیه وضع موجود بوده است. اصحاب برجسته و ممتاز امامان نیز به این امر کاملاً واقف بوده‌اند. بنابراین رادیکالیزم دوره حضور که مشخصه اساسی شیعه علویه است به هیچ وجه به این معنا نیست که امامان می‌خواستند در چنان شرایطی به اهداف انسانی و ایده‌آل اسلام دست یابند. محور استراتژی کلی - تاریخی امامان، اصل بنیادین عقیدتی امر به معروف و نهی از منکر بوده است که در هیچ شرایطی انعطاف‌پذیر و مماشات طلب نیست. تاکید می‌شود که یک محقق بدون درک شرایط سیاسی - پلیسی و بحران‌های حادّ عقیدتی - سیاسی دوره حضور نمی‌تواند به فهم سرنوشت امامت و نقش امامان در عرصه رهبری عقیدتی - سیاسی پی برد. بدون شک مراجعه به منابع دولتی و یا فرقه‌ای معرّف و مبین واقعیت‌های دوره حضور نیست. این تنها مجموعه

۱- ن. ک: نهضت مختار ثقفی. پیشین.

۲- ن. ک: ابوالفرج اصفهانی/مقاتل الطالبیین ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵.

ادبیات و میراث‌های عقیدتی شیعه علویه است که یک محقق آگاه، هوشیار و مسلط را می‌تواند در فضای دوره حضور قرار دهد.^۱

قیام زید بن علی علیه السلام که به لحاظ استراتژی در چهارچوب مبارزه امامان (و حداقل با اشراف و رضایت امام صادق علیه السلام) علیه وضع موجود شکل گرفت، پس از شهادت زید مورد بهره‌برداری سیاسی - فرقه‌ای واقع شد و زمینه را برای تمرکز فرقه‌های منشعب شیعی فراهم کرد. بنی‌الحسن که اکثریت را تشکیل می‌دادند و پس از امام حسین بن علی علیه السلام داعیه رهبری داشتند، گروه خویش را زیدیه نام نهادند. رهبری این گروه با عبدالله بن حسن بود که برای فرزندش محمد نفس زکیه تبلیغ می‌کرد. در این مقطع نیز تحریف و تاویل رهنمودها و اصول کادر منصوص امامت اوج گرفت. برخوردهای عبدالله بن حسن با امام صادق علیه السلام، مبین طرز تفکر و تلقی نادرست جناح زیدیه از «امامت» است. آنان به راستی امامت را یک رهبری صرفاً سیاسی می‌پنداشتند و به یک رقابت دردناک و تحقیرآمیز با امام صادق علیه السلام و خط امامت منصوص پرداختند. گروه زیدیه در تبلیغات سیاسی سعی داشتند تا برای جلب توجه توده‌های شیعی، مشخصات منصوص صادره از سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را پیرامون امامت و مخصوصاً آخرین امام، بر محمد بن عبدالله بن حسن (معروف به نفس زکیه) تاویل کنند. و این نخستین تحریف و تخریب اصول و نصوص مسلم امامت بود که در جبهه داخلی صورت می‌گرفت و این در حالی بود که شخص زید بن علی و محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم خود را مطیع امام معصوم منصوص عصر خویش معرفی می‌کردند.

۱- ن. ک: محمود رضا افتخارزاده/ حسین باز شهید، ترجمه کامل زیارات (رسالت قلم).



قیام بزرگ ضدّ اموی که با شعائر شیعی توده‌های بسیاری را در سراسر قلمرو پهناور خلافت، به خود جلب کرده بود، چند ویژگی داشت. در این حرکت که با مایه‌های شعوبی آغاز شده بود، دیدگاه‌های معتزلی رهبری، در پناه شعائری عامه‌پسند و فریبنده خود را مخفی ساخته بود: الرضا من آل الرسول. این شعار برای مخاطبان شیعی خود معنا و مفهومی خاص داشت، آن‌گونه که جناح زیدیه و عباسیان را نیز راضی و خشنود می‌کرد.

مبنای ائتلاف بزرگ سیاسی و بی‌سابقه جناح‌های متضاد عباسیان، حسنیان، هاشمیان و عثمانیان (جناح اموی مخالف) در اجلاس حجاز (۱۳۲ هجری اندکی قبل از سقوط رژیم اموی) همین شعار بی‌مرز و مبهم بودا بدیهی است که این شعار عام و مبهم، همه جناح‌ها را به نحوی شامل می‌شد و طبعاً هرکس زور و تزویر و نفوذش بیشتر، بختش بیشتر بود. در آن اجلاس تاریخی از امام صادق علیه السلام نیز دعوت شده بود تا رهبری قیام و قدرت را به دست گیرد. آن حضرت به همه سران جناح‌های شرکت‌کننده هشدار داد و از توطئه عباسیان پرده برداشت و روشن ساخت که این قیام ماهیت عقیدتی اسلامی ندارد. وی عباسیان را صریحاً متهم به سوء استفاده از شعائر اسلام امانت و تحریف آن نمود و مشخصاً سفاح و منصور را برندگان این قمار سیاسی نامید و به جناح زیدیه (حسنیان و هاشمیان) یادآوری کرد که در جریان انتقال قدرت قربانی خواهند شد. آن حضرت به سران قیام مخصوصاً عوامل نفوذی عباسیان (ابو مسلم خراسانی و ابوسلمه خلیل) صریحاً هشدار داد که آنان توده‌های شیعه را فریب داده‌اند.

با استقرار عباسیان، اسلام امانت وارد مرحله جدیدی در مبارزه با خلافت غصب‌گردید. رژیم عباسیان حکومت خودکامه‌ای بود که با پشتوانه انقلاب



مردمی، قدرت را غصب و به قلع و قمع انقلابگران از همه جناح‌های فعال در سرنگونی رژیم اموی پرداخت. عباسیان در جهت تثبیت قدرت به ترور رقبای سیاسی و مخالفان فکری - عقیدتی خود پرداختند. ابراهیم امام (ابراهیم بن محمد) نظریه پرداز عباسیان از قبل نسبت به مسئله امامت و رهنمودهای مؤکد و مکرر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیرامون آخرین امام، به برادران و پسرانش هشدار داده بود. از آن پس عباسیان تمام فشار را بر روی ادامه سلسله امامت متمرکز کردند. در عین حال امامان در چهارچوب استراتژی کلی امر به معروف و نهی از منکر اقدام می‌کردند. آنان در دو جبهه بزرگ عقیدتی - فرهنگی و سیاسی - نظامی فعال بودند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پیشوای ششم اسلام امامت، مظهر این مبارزه همه جانبه است. قرآینی در دست است که آن حضرت با پارتیزان‌های شیعه در ارتباط فوق‌العاده سری - تشکیلاتی بوده است.

پیشوای هفتم اسلام امامت نیز وضعی مشابه داشت. گزارش‌های سری خلافت حکایت از تدارکات نظامی و اقدامات مسلحانه و روابط تشکیلاتی آن حضرت دارد. شیخون‌های رژیم عباسی به خانه آن امام و زندان‌های دراز مدت حضرتش، دلیل روشنی بر استراتژی کلی امامان در چهارچوب مبارزه امر به معروف و نهی از منکر است.

در این مرحله از تاریخ امامت و سرنوشت عقیدتی شیعیان، انشعابات شدت بیشتری یافت. علل انشعاب‌ها نشان می‌دهند که تلقی نادرست از امامت و عدم درک استراتژی امامان همچنان در میان عامه شیعه ادامه داشت. بزرگترین انشعاب در همین مقطع پدیدار شد و فرقه واقفیه نمودار گردید و بار دیگر اصول و رهنمودهای پیامبر و امامان پیشین پیرامون کادر منصوص امامت دستخوش تحریف و تاویل فرقه‌ای گردید.

تاریخ امامت نشان می‌دهد که هرچه به دوره پایانی عصر حضور و ولادت آخرین امام موعود نزدیک می‌شویم، حلقه محاصره دشمن (رژیم عباسی) به



مراتب تنگ‌تر می‌شود و بر شدت و کثرت تبلیغات، هیاهو، سفسطه و مغلطه رژیم افزوده می‌گردد.^۱ محدوده زمانی حیات یازدهمین پیشوای اسلام امامت نقطه اوج اضطراب رژیم عباسی است. رژیم می‌خواهد سرنوشت آخرین امام را که تعیین‌کننده سرنوشت اسلام است به دست گیرد.

شگفتی در اینجاست که در چنین جوّی از محاصره و فشار مطلق، یازدهمین پیشوای اسلام امامت در ادامه اصل مبارزه امر به معروف و نهی از منکر، پیام‌های سزّی خود را در داخل عصا و اشیای طبیعی دیگر جاسازی می‌کند و به کادرهای شیعی می‌رساند.^۲ شیوه ولادت دوازدهمین و آخرین امام،

۱- سندی که اخیراً به دست آمده، مبین بحران و فضای تیره و تاریک آن عصر است. این سند اتهامات مکتوب یکی از پیشوایان مذهب زیدیه (فرقه هادویه یمن) معروف به الامام الهادی الی الحق (یحیی بن حسین ۲۴۵-۲۹۸ هجری) معاصر امام حسن بن علی عسکری علیه السلام پیشوای یازدهم اسلام امامت، از بنی‌الحسن و نواده ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد. یحیی از انقلابگران شهیدی است که در دوره زعامت خود با بحران‌های عقیدتی - سیاسی پیچیده عامه شیعه عصر خویش روبرو بود. آن انقلابی شریف و شهید در مقدمه‌ای بر کتاب الاحکام خود [که اخیراً در یمن چاپ شده: الامام الهادی الی الحق یحیی بن حسین / کتاب الاحکام فی الحلال و الحرام / الطبعة الاولى ۱۴۱۰/۱۹۹۰ یمن / صنعاً] در تبیین معنای کلامی - سیاسی امامت سخت کوشیده و بر نقطه‌نظرهای اصولی مذهب زیدیه پیرامون امامت تأکید کرده و ائمه شیعه را به نقدی تند و تیز کشیده است. اتهامات این انقلابی شهید علیه السلام دقیقاً متأثر از شایعات و تبلیغات سیاسی خلافت و جوّ شائناژ فرقه‌های منشعب شیعه امامیه است، که طرح و پاسخ به آنها مستلزم کتابی مفصل می‌باشد. از خداوند متعال و ارواح طیبه ائمه معصومین علیهم السلام توفیق انجام این مهم را آرزو دارم.



مبئن چگونگی آن اوضاع و احوال بسیار سخت و سیاه است. غیبت صغری یا استتار کوتاه مدت اولیه معلول چنین شرایطی است.

ب- از ولادت تا غیبت آخرین امام

اشاره: پیشینه و زمینه

این واقعیت محقق است که بشارت‌های مکرر نبوی مبنی بر ولادت، غیبت و امامت مهدی موعود بیش از هر مسئله دیگری در تاریخ عقیدتی - سیاسی اسلام، اذهان مسلمانان را از آغاز تا انجام آن به خود جلب کرده بود. اسناد نشان می‌دهند که عباسیان در سال‌های پایانی سده اول هجری بر روی مسئله مهدویت و ولادت مهدی موعود بسیار حساس بوده‌اند. از همین مقطع است که آنان به قدرت می‌اندیشیده و در وسوسه انتقال قدرت معنوی از بنی‌الحسین و علویان (بنی‌هاشم) به بنی‌العباس بوده‌اند.

این رقابت، ابتدا با رقابت فرهنگی - علمی شروع شد: برخی از عباسیان به خود جرات داده و با پیشوایان معصوم اسلام امامت به مباحثه و مناظره می‌پرداخته‌اند. حداقل در دو مورد مشخص، عبدالله بن عباس با پیشوای پنجم اسلام، محمد بن علی باقر علیه السلام به یک مناظره فقهی - علمی می‌پردازد. رقابت بعدی تکیه بر سیادت و انتساب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود: سادات عباسی در برابر سادات علوی قرار گرفتند. این ترفند تبلیغاتی عوام‌فریبانه بعدها مورد توجه طرفداران اموی قرار گرفت و در شرح حال خلفای اموی به کار رفت. و این هنگامی بود که عملکرد رژیم عباسی، امویان را روسفید کرد و وسوسه اعاده خلافت اموی در بخش‌هایی از قلمرو خلافت عربی مطرح بود.

مرحله بعدی تغییر عقیدت بود: عباسیان در آستانه قدرت به عقیدت کودتای سقیفه روی آوردند و از مواضع کودتاچیان دفاع می‌کردند. پیشینه عقیدتی - سیاسی عباسیان نشان می‌دهد که بنی‌العباس رژیم اموی را به رسمیت



شناخته و در خدمت خلفای اموی بوده‌اند. روابط بسیار دوستانه و مودت آمیز عباسیان با امویان در طول قرن اول هجری بر تاریخ پوشیده نیست.

سابقه این روابط به گذشته‌های دور می‌رسد: عبدالله بن عباس مشاور کودتای چیان و رییس پلیس شهری عمر بن خطاب خلیفه دوم عرب بود. در دوره معاویه و یزید، او و فرزندانش مورد اِکرام و اِجلال فراوان بوده‌اند. پیوستن عبیدالله بن عباس به معاویه و رها کردن امام حسن بن علی علیه السلام در سخت‌ترین شرایط سیاسی - نظامی، در خاطره تاریخ محفوظ است. روابط خاندان عباسی و خاندان اموی با ازدواج‌های متعدد، ریشه خونی و قومی قوی تری یافت. آنچه این دوستی و روابط مسالمت آمیز را برهم زد، مسایل خانوادگی و شخصی بود. تحقیر و توهینی را که ولید بن عبدالملک بر علی بن عبدالله بن عباس روا داشت، کینه بس عمیقی در دل و درون عباسیان کاشت. وجود مردانی لایق و کاردان در میان بنی‌العباس باعث شد تا قدرت در آنان وسوسه کند، و این آغاز کار بود. در سال ۱۳۲ هجری وقتی عباسیان به قدرت رسیدند مواضع عقیدتی خویش را صریحاً ابراز داشتند و رسماً بر کودتای سقیفه صحه گذاشتند و اندکی بعد به برتری نیای شان عباس بن عبدالمطلب بر علی بن ابی طالب علیه السلام تاکید کردند. در این مرحله آنان به انتقال شرعی، قانونی و عامه پسند قدرت از پیامبر اسلام به عباس بن عبدالمطلب می‌اندیشیدند. ابتدا وصیت‌نامه‌ای منسوب به ابوهاشم بن محمد بن حنفیه را تدارک دیدند که او در سال ۱۰۰ هجری به هنگام مرگ، امامت و خلافت را از بنی‌هاشم به بنی‌العباس منتقل کرده است. در مرحله بعد روایاتی ارائه کردند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً خلافت را به عباس و اولاد او سپرده است. تمام این مقدمات در دوره خلافت ۲۰ ساله منصور عباسی تدارک دیده شد.^۱



گزارش‌های مستندی در دست است که حداقل، عباسیان از سال ۱۰۰ هجری به بعد بر روی مسئله مهدویت و ولادت مهدی موعود حساسیت بسیاری نشان می‌داده‌اند. از همین رو ابراهیم بن محمد معروف به ابراهیم امام سردهسته تشکیلات سیاسی عباسیان به بنی‌العباس هشدار می‌دهد که روایات نبوی را مبنی بر ولادت مهدی موعود جدی بگیرند. مواضع و برخوردهای خلفای عباسی از همان آغاز قدرت نشان می‌دهد که آنان بر روی کادر منصوب امامت و تسلسل آن بسیار حساس بوده و سعی در نابودی مطلق آن داشته‌اند؛^۱ در دوره خلافت منصور تبلیغات بسیاری شد تا مسئله مهدویت و اعتقاد به ولادت مهدی موعود را لوث و بی‌اعتبار سازند؛ در منابع روایی - تاریخی رژیم عباسی روایاتی است که متخصصان جعل حدیث با استفاده از کلیشه‌ها و اصطلاحات ویژه روایات مشهور و متواتر نبوی مبنی بر ولادت مهدی موعود و بیان مشخصات فیزیکی و... آن حضرت، احادیثی از زبان پیامبر اسلام مبنی بر این که «مهدی موعود از خاندان عباس است و پس از سفاخ و منصور خواهد آمد و او مهدی عباسی فرزند منصور است» ساخته‌اند.^۲ اقدامات و مواضع عباسیان در قبال امامت و امامان معصوم اسلام نشان می‌دهد که این تدابیر تبلیغاتی - سیاسی نتوانسته بود عقیده به مهدویت را از باورها بزدايد و یا لوث کند، چرا که به موازات تبلیغات عباسیان، پیشوایان معصوم اسلام امامت بر حتمیت و قطعیت ولادت مهدی موعود در ادامه کادر منصوب امامت تاکید و تصریح بیشتری می‌کردند. عقیده به مهدویت مهدی موعود در دوره حضور امامان، آن‌چنان قوت و شدت عقیدتی داشت که متکلمان آزاداندیش و روشن فکر شیعه امامیه با همه

۱- ن.ک: کلینی/الکافی ۴۴۹/۲ ح ۱، باب مولدالصاحب علیّه السلام.

۲- ن.ک: همان، + معجم احادیث المهدی ۱/۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶،

۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، + نویختی/الفرق ۵۰.



نقادی‌هایی که در مسئله امامت و احوال امامان داشتند، بر این اصل تصریح و تاکید می‌کردند:

در دوره خلافت هارون عباسی مسئله امامت و انتظار ولادت امام موعود از حساسیت بسیار زیادی برخوردار بود. در یک مناظره از قبل طرّاحی شده با شرکت متکلمان برجسته وابسته به خلافت و با کارگردانی وزیر ایرانی خلیفه، یحیی بن خالد برمکی، از هشام بن حکم متکلم روشن فکر شیعه امامیه دعوت شد تا از عقیده وی نسبت به امام مفترض الطاعة و مسئله مهدویت سؤال شود. هارون از پشت پرده بر این تفتیش عقاید نظارت می‌کرد. نتیجه این مناظره منجر به دستگیری سریع امام کاظم علیه السلام پیشوای هفتم اسلام امامت و مرگ مشکوک هشام بن حکم گردید.^۱

تاریخ نشان می‌دهد که هرچه به مقطع ولادت مهدی موعود نزدیک می‌شویم، حلقه محاصره امامان تنگ‌تر و جوّ پلیسی و جاسوسی غلیظ‌تر و مزاحمت و تعقیب و دستگیری و زندان و سرانجام قتل امامان و پیروان‌شان شدت و سرعت بیشتری می‌یافت.^۲ مقطع زمانی ولادت امام دوازدهم از جهاتی چند بسیار حسّاس، مهم و سرنوشت‌ساز است. در این مقطع از تاریخ، رژیم عباسی دچار بحران‌های خارجی و کودتاها و پی‌درپی داخلی و قیام‌های مسلحانه و نهضت‌های مختلف اجتماعی بسیاری است که سراسر قلمرو پهناور خلافت عربی را فرا گرفته بود. درگیری و جنگ قدرت طولانی سه جناح نیرومند ترک، فارس و عرب دستگاه خلافت عباسی به نفع ترکان انجامیده بود،

۱- ن.ک: همان. + کشی لرجال. حدیث ۴۷۷ ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳. +

ابن قولویه / کامل الزیارات ۱۹۲ / ح ۹.

۲- ن.ک: همان. + اسم رمز رژیم عباسی در متون عقیدتی - سیاسی شیعه علویه. ن.ک:

کامل الزیارات ۱۹۸ / باب ۷۹.



لذا سازمان‌های اداری - سیاسی - نظامی و امنیتی خلافت، اغلب در دست ترکان بود و آنان در تقرب به خلیفه سعی می‌کردند بر رقبای ایرانی و عرب پیشی گیرند. زندگی و امامت پیشوای یازدهم اسلام در سخت‌ترین شرایط سیاسی - پلیسی و خفقان مطلق تاریخ سیاسی دوره حضور قرار دارد. در چنین مقطعی از محاصره و نظارت دایم و نفوذ جاسوسان پیچیده و نامریی خلافت، ولادت دوازدهمین امام صورت می‌گیرد. تاریخ سیاسی شیعه علویه نشان می‌دهد که رهبری امامان از آغاز تا انجام در چهارچوب یک تشکیلات بسیار سری و دقیق اعمال می‌شده است؛ تشکیلاتی مجهز به استراتژی و تاکتیک‌های مناسب عصر خویش، اما ولادت و امامت و استتار دوازدهمین امام با توجه به مراقبت و نظارت شدید دشمن در سری‌ترین شکل ممکن صورت گرفته است. در مقطع ولادت امام دوازدهم آثار حمل بر هیچ یک از همسران امام ظاهر نشده است. به نظر می‌رسد تعدد همسران یکی از تاکتیک‌ها بوده است. خویشاوندان درجه یک امام کوچک‌ترین نشانه‌ای از حمل را در همسران امام مشاهده نکرده‌اند و این نشان می‌دهد که رعایت مسایل امنیتی تا چه اندازه جدی و مهم بوده است و می‌دانیم که رژیم عباسی موفق شده بود در خانواده و بستگان نزدیک امام نفوذ کند. جعفر برادر امام یازدهم زرخرید خلیفه بود و به کار جاسوسی اشتغال داشت. گزارشی در دست است که می‌گوید زایمان در ساعتی از نیمه شب، ناگهانی، فوری و سریع صورت گرفته و بلافاصله استتار غیرطبیعی آغاز گردیده است. این موضوع توسط عمه امام یازدهم که تنها شاهد قابل اعتماد بر ولادت بوده گزارش شده است.

رژیم خلافت با همه دقت‌ها و مراقبت‌های دایم نتوانست از ولادت دوازدهمین امام اطلاع یابد. وقتی پیشوای یازدهم اسلام را مسموم می‌کند و امام در بستر شهادت قرار می‌گیرد، رژیم سراسیمه تمام نیروهایش را بسیج می‌نماید و عملیات ویژه‌ای را آغاز می‌کند که تا دو سال پس از مرگ امام یازدهم ادامه



داشت. رهبری این عملیات بر عهده شخص خلیفه بود؛ از لحظه‌ای که خلیفه دریافت امام یازدهم در بستر بیماری است نمایندگان ویژه و مشاوران خاص خود را در خانه امام و بر بالین حضرتش مستقر ساخت. خلیفه مقامات امنیتی خود را زیر پوشش تیم پزشکی به رهبری پزشک مخصوص خود در منزل امام مستقر می‌سازد تا شبانه‌روز مراقب امام باشند. قاضی القضاة خلافت با گروهی از حکام شرع خلافت در منزل امام حضور می‌یابند تا به عنوان شهود عادل اعلام کنند که امام را فرزندی نیست و جانشینی ندارد.

در پگاه یک روز از دهه نخست ماه ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری، امام یازدهم چشم از جهان فرو بست. آن حضرت به هنگام شهادت ۲۹ سال داشت. در پی این خبر عملیات بسیار گسترده‌ای آغاز شد: بازجویی، بازرسی، تعقیب، شناسایی، دستگیری و... بازرسی دقیق و کامل خانه امام، مهر و موم همه اماکن مربوط به امام و بستگانش، جستجو برای یافتن فرزندان امام، دستگیری همسران امام، هجوم زنان قابله خلافت مخصوصاً همسران خلیفه و ندیمان‌شان، همسران قاضی القضاة و ندیمان‌شان به معاینه همسران امام پرداختند. در اینجا یکی از همسران امام تدبیری اندیشیده و اعلام می‌کند که حامله است تا بدین وسیله از جو فشار و گسترش تعقیب بکاهد. خلیفه دستور می‌دهد که این زن را در خانه ویژه‌ای در دارالخلافة زیر مراقبت شدید و معاینه روزانه قرار دهند. این مراقبت تا دو سال ادامه داشت.

رژیم خلافت همچنان نگران سرنوشت فرزند موعود امام بود؛ جستجو با شدت و دقت سرسام‌آوری ادامه یافت، تمام مراکز و اماکنی که احتمال اختفادر آنها می‌رفت، مورد بازرسی قرار گرفت. دستگیری شیعیان ادامه داشت، خلیفه دستور داد تا هرکس نسبت به امامت دوازدهمین امام عقیده‌ای ابراز کند دستگیر و کشته شود. اما تمام این تدابیر ناموفق بود. رژیم نتوانست سرنوشت آخرین امام را در دست گیرد.

**فلسفه غیبت امام؛ سرنوشت نهایی آخرین امام در
ارتباط با سرنوشت نهایی اسلام است**
**الف- فلسفه سیاسی - عقیدتی اسلام در مهدویت و ظهور آخرین
امام**

دوره غیبت به لحاظ تکوینی، مقطع طولانی رشد و تکامل عقلانی انسان است و به لحاظ تشریحی، مرحله حصول آگاهی‌های لازم و دگرگونی انسان سفیه به انسان فقیه یعنی شناسایی و شناخت تجربی - عینی ریشه‌ها، نمودها، پایگاه‌ها و خاستگاه‌های زر و زور و تزویر، مرزبندی‌های انسانی و ضد انسانی و نظام‌های ارزشی، افول جاذبه‌های دروغین، احساس فقر مطلق معنوی، تجربه کردن فلسفه‌های سیاسی و رژیم‌های حکومتی و عقیدت‌های گوناگون انسانی، درک ضرورت رهبری معصوم و اندیشیدن به جامعه ایده‌آل و مدینه فاضله، کسب آمادگی لازم برای قبول فطری - علمی - عقلی تحوّل بنیادی در عرصه رهبری عقیدتی - سیاسی جهان. این تحولات در برخورد با موانع فرهنگی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی حاکم بر زمین و زمان در طول دوره بس بلند غیبت صورت می‌گیرد و روند تکامل عقلانی انسان را می‌سازد. مشخصه‌های بارز، عام و جهان‌شمول این پروسه تکاملی عطش آگاهی، آزادی و عدالت اجتماعی در پهنه زمین خواهد بود.^۱ و ظهور امام در پایان این دوره، تحقق آرمان‌ها و

۱- ن.ک: در رابطه با جامعه اسلامی: معجم احادیث المهدی ۱/ حاکمیت زر و زور و تزویر: احادیث ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲. مظاهر تزویر: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ و... ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶ و در رابطه با جامعه جهانی، جور جهانی: احادیث ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۰. بحران



ایده آل‌های متعالی - تاریخی انسان است. انسان ایده آل و مدینه فاضله موعود اسلام در مقطع ظهور امام تحقق می‌یابد. جامعه‌ای مبتنی بر قسط یعنی عالی‌ترین مرحله عدالت اجتماعی در گرو ظهور امام است. مبارزه امامان در دوره حضور تنها در چهارچوب امر به معروف و نهی از منکر و در محدوده جامعه اسلامی و اعتراض به وضع موجود بوده. امامان یازده گانه هیچ‌گاه در صدد تحقق جامعه موعود نبوده‌اند، چرا که چنین اقدامی محال بوده و تحقق چنین جامعه‌ای مشروط به شرایط یاد شده است. فلسفه وجودی امام دوازدهم و استتار طولانی و ظهور نهایی آن حضرت در راستای اصول عقاید اسلامی کاملاً منطقی و ضروری است و لازمه تحقق ایده آل‌های موعود اسلام می‌باشد که جز آن، نقض غرض و ابطال دیگر باورهای قلبی است. اصل وجود، حیات، استتار و ظهور دوازدهمین امام دقیقاً ناشی از اراده الهی است و یک اصل عقیدتی - تبدیلی محض می‌باشد که ارزیابی آن با معیارهای مادی سازگار نیست و هرگونه کوششی برای اثبات ماتریالیستی این حقیقت غیبی و الهی، نادرست است.^۱

→

اخلاقی جهانی: ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۵۷، ۷۹، ۱۹۰، ۵۳۵، ۵۳۶. بحران اقتصادی - اجتماعی جهان: ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴. حاکمیت و سیادت امپریالیسم سیاسی - اقتصادی - مذهبی: ۳۳، ۴۰، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۴۱۱. سیادت صهیونیسم جهانی: ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴. مخصوصاً جلد ۱۳/ احادیث ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴. بحران‌های عام جهانی: ۵۷۴، ۵۷۶. مظاهر زر و زور و تزویر جهانی: احادیث ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹.

۱- ن.ک: قرآن: وعده‌های خداوند. + معجم احادیث المهدي ۱/ عدالت و قسط مطلق



ب- منابع و مبانی عقیدتی مهدویت و غیبت آخرین امام

بشارت‌های مؤکد و مکرر قرآن مبنی بر تحقق حتمی و قطعی اهداف جهان‌شمول خداوند به هنگام تکامل و تعالی غایی انسان در زمین، مبانی عقیده به مهدویت در اسلام را تشکیل می‌دهد. سنت نبوی که ترجمان و شارح قرآن است از همان آغاز رسالت به هنگام طرح اصول کلی و انسان‌شمول اسلام بر

→

جهانی: احادیث ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵ جلد ۱/۲ احادیث ۲، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۹۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۴۵، ۳۱۹. محو کامل امپریالیسم و امپریالیست‌ها: ۱۳۳/۲، ۲۳۵. محو فتوایسیسم مدرن: ۱۵۳/۲. آزادی ادیان و مذاهب: ۲۲۵/۲، ۳۶۱. صفا و صمیمیت و عشق انسانی بین مردم: ۳۱۶/۲. امنیت و آسایش و آرامش و رفاه مطلق انسان‌ها: ۴۴، ۵۳، ۷۲، ۷۸، ۹۴، ۱۰۹، ۱۴۱، ۱۵۴، ۲۳۵، ۲۶۸، ۳۱۸، ۳۴۵، ۳۵۵. ایمان، اعتقاد و عشق به رهبری امام معصوم: ۱۳۰/۲، ۲۴۵، ۳۱۶. نفی و محو اسلام سنتی موجود و احیای اسلام به عنوان عقیدت انسانی: ۱/۲، ۷۵، ۸۴، ۹۸، ۱۰۲، ۱۳۹، ۱۴۳، ۲۲۲، ۳۰۳، ۳۰۹. نفی تزویر و محو نسودهای آن: ۹۸/۲، ۱۰۲، ۲۲۲. تبدیل جهان موجود به جهانی دیگر: ۱۶۸/۲. جمع‌آوری ثروت‌های زمین و توزیع عادلانه آن میان مردم: ۵۳/۲، ۹۱، ۹۸، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۸، ۲۰۳، ۲۲۲، ۲۳۵، ۳۰۳. ریشه‌کن کردن فقر و رفاه اقتصادی: ۴۴/۲، ۶۶، ۷۳، ۹۸، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۲۳۵، ۳۱۹. مسئله غیبت و ظهور دوازدهمین امام یک امر الهی - غیبی - عقیدتی - تبدیلی است: ۵۹/۱، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵.



اصل مهدویت به مثابه غایت و نهایت عینی و عملی عقیدت انسانی اسلام تصریح و تاکید فراوان کرده است. اهمیت عقیدتی و سرنوشت‌ساز این اصل به حدی است که پیامبر اسلام در تبیین فلسفه مهدویت و تعیین هویت مهدی موعود و بیان مشخصات دقیق فیزیکی، نژادی، خونی، قومی، قبیله‌ای، زمانی، جهانی، آغاز و انجام حکومت و امامت او تصریحات آشکار مؤکدی کرده است تا مانع هرگونه انحراف، سوء استفاده و بازی با عقاید حقه اسلامی شده باشد. بنابراین عقیده به مهدویت، اصلی‌ترین اصول و زیربنایی‌ترین عقیده در عرصه عقاید اسلامی به هنگام حیات و حضور و رسالت پیامبر اسلام بوده است. این حقیقت محرز بوده است که مهدی موعود در ادامه کادر منصوص امامت از نسل علی بن ابی طالب علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام است. اصطلاح التاسع من ولد الحسين بخشی از تبیینات نبوی در مورد مهدویت و مهدی موعود به شمار می‌رود. کثرت روایات و بشارات نبوی در این مسئله به حدی بوده است که از همان آغاز همه فرق و مذاهب اسلامی با وجود اغراض و اهداف متعارض و متضادی که با یکدیگر داشته‌اند، نتوانسته‌اند این اصل مسلم و حقیقت عقیدتی را نادیده انگارند. نگاهی سریع و گذرا بر سیر عقاید و آرای ملل و نحل اسلامی این واقعیت را به روشنی بسیار برجسته‌ای نشان می‌دهد.

پیشوایان معصوم اسلام امامت در طول دوره حضور، یکی پس از دیگری بر اهمیت، حقیقت، قطعیت، اصالت مهدویت، تعیین و تصریح هویت مهدی موعود و تاکید بر تصریحات نبوی و تبیین هرچه بیشتر آنها می‌کوشیده‌اند. و در میان اصحاب درجه یک امامان مسئله انتظار و قیام قائم با مشخصه‌ها و

۱- ن.ک: کشی/رجال ۲۹۹ ح ۵۳۳، ص ۳۷۳ ح ۷۰۰، ص ۴۵۹ ح ۸۷۰، ص ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵ ح ۴۷۴، ۴۷۵، ص ۴۷۷ ح ۹۰۱، ۹۰۴، ۹۰۶، ص ۲۱۷ ح ۳۹۰. + ابن قولویه/کامل الزیارات ۱۹۲ حدیث ۹: وکل هؤلاء فی الارض ينتظرون قیام القائم علیه السلام.



استانداردهای ویژه (صیحة آسمانی و...) به عنوان یک اعتقاد اصیل و ریشه‌دار مطرح بوده است. اصحاب امامان در زندان خلافت و زیر شکنجه بر این باور اصیل تا کید داشتند. توافق عقیدتی بر سر مسئله مهدویت و مشخصه‌های مربوطه در بین اصحاب امامان وجود داشته است.^۱ در طی دوره حضور امامان، اصل مهدویت، مسئله محوری و زیربنایی عقاید کلامی و آرای سیاسی فرق و مذاهب اسلامی بوده است. اهمیت عقیدتی - سیاسی این اصل در عرصه عقاید اسلامی به حدی است که احزاب سیاسی و فرق کلامی هر کدام بر اساس فلسفه سیاسی و ذوق کلامی خود با مسئله مهدویت برخورد کرده‌اند^۲ و تا توانسته‌اند از آن سوء استفاده کرده و در تحریف آن کوشیده‌اند. پیشینه استفاده سیاسی - تبلیغاتی از اصل مهدویت به عصر کودتای سقیفه می‌رسد. جناح عمر بن خطاب خلیفه دوم عرب می‌کوشیده تا مهدی موعود را از اولاد عمر بن خطاب معرفی کند.

نظریه پردازان کودتای سقیفه و زمینه‌سازان رژیم اموی با برداشتن کلیشه‌ها و اصطلاحات ویژه مهدویت از روایات نبوی، نخستین کسانی بودند که اصل عقیدتی مهدویت را به بازی گرفتند. مشهور است که عبدالله بن عمر مکرر می‌گفته است: «لیت شعری! من هذا الذی فی وجهه علامة من ولد عمر یملاء الارض عدلاً»^۳.

پیروان کودتای سقیفه و طرفداران رژیم اموی بعدها عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی را مصداق این شعار گرفتند. رژیم اموی تلاش بسیاری داشت تا از اصل مهدویت استفاده سیاسی - تبلیغاتی کند و مهدی موعود را از امویان قلمداد

۱- ن.ک: کشی لرجال ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳ ح ۴۲۸، ۴۷۷.

۲- ن.ک: ابویعقوب سجستانی / کشف المحجوب ۸۱، ۸۲ به تصحیح هنری کربن. تاویل باطنی مهدی موعود.

۳- ن.ک: معجم ۱۹۲/۱ به نقل از حلیة الاولیاء ۲۵۴/۵. + کنز العمال ۲۶/۱۴ حدیث ۳۷۸۴۷.



نماید. دستگاه تبلیغاتی رژیم اموی در دوره معاویه روایاتی ساخت مبنی بر این که مهدی موعود از اولاد عبدالشمس است.^۱

آن گونه که گفته شد رژیم عباسیان بیش از هر جریان سیاسی دیگری با اصل مهدویت برخورد تخریبی - تحریفی جدی داشت. عباسیان بیش از دیگران با احادیث نبوی مهدویت آشنایی داشتند. ابراهیم امام رهبر و نظریه پرداز تشکیلات سیاسی عباسیان در سال ۱۰۰ هجری به خاندانش هشدار داد که احادیث نبوی مهدویت را جدی بگیرند. محمد بن ابراهیم امام کسی است که روایات مهدویت در راستای اسلام امامت را از زبان امام صادق علیه السلام گزارش کرده است.^۲ آنان وقتی به قدرت رسیدند با استخدام جاعلان زبردست حدیث، همه کلیشه‌ها و اصطلاحات اصولی احادیث نبوی مهدویت را در روایات جعلی خود به کار بردند: «المهدی من ولد العباس» «و الله ان منا بعد ذلك السفاح و المنصور و المهدی يدفعها الی عیسی بن مریم» «یا عباس! قال: لبيك يا رسول الله؟ فقال: يا عم النبي ان الله ابتداء بي الاسلام و سيختمه بغلام من ولدك و هو الذي يتقدم لعیسی بن مریم، يملؤها عدلاً كما ملئت جوراً» «ان رسول الله قال للعباس: منك المهدی فی آخر الزمان، به ينشر الهدی و به تطفأ نيران الضلالات، ان الله عزوجل فتح بنا الامر و بذريتک یختم» «لی النبوة و لكم الخلافة، بکم یفتح هذا الامر و بکم یختم» «ان ابنک هذا ابو الخلفا منهم السفاح و منهم المنصور و منهم المهدی حتی یكون منهم من یصلی بعیسی بن مریم».^۳ «مهدی از فرزندان عباس

۱- ن.ک: معجم ۱/۱۹۱، ۱۹۲ به نقل از ابن حماد ۱۰۲، ۱۰۳.

۲- ن.ک: بحار ۸۵/۵۱ به نقل از کشف الغمه. + شرح حال و سلسله سند روایت: نجاشی رجال ۲۵۲.

۳- ن.ک: معجم ۱/۱۸۰، ۱۸۱ حدیث ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵. ن.ک: ذیل منابع.

روایات جعلی متفرقه در منابع دولتی سنیان.



است» به خدا سوگند! پس از آن، از ما است سفاخ و منصور، و مهدی حکومت را به عیسی بن مریم خواهد داد» «ای عباس! گفت: گوش به فرمانم ای رسول خدا! فرمود: ای عموی پیامبر! همانا که خداوند اسلام را با من آغاز کرد و آن را به زودی با جوانی از فرزندان تو به پایان خواهد رساند، همو است که پشت سر عیسی بن مریم نماز خواهد خواند، زمین را آن گونه که از ستم پر شده از عدل پر خواهد کرد» «رسول خدا به عباس فرمود: در آخر زمان مهدی از فرزندان تو است، به وجود او هدایت بگسترده و شعله‌های سرکش گمراهی خاموش شود، همانا که خداوند متعال با ما آغاز کرد و با فرزندان تو به پایان خواهد رساند» «نبوت از من است و خلافت از شما، خلافت با شما آغاز خواهد شد و با شما به پایان خواهد رسید» «این فرزندان (عبدالله بن عباس) پدر خلیفگان است که از آنان سفاخ و منصور و مهدی خواهد بود، تا آنجا که از آنان کسی باشد که پشت سر عیسی بن مریم نماز خواند». عباسیان که به انتقال شرعی قدرت از بنی‌الحسین (بنی‌هاشم) به بنی‌العباس می‌اندیشیدند، اسناد و احادیث بسیاری جعل کردند. آنان تمام حوادث ادوار قدرت و خلافت خود را با جعل روایاتی از زبان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ توجیه کردند^۱ و در مسئله مهدویت حساسیت بسیاری نشان می‌دادند. نکته مهم و قابل توجه در روایات جعلی مهدویت از سوی امویان و مخصوصاً عباسیان و دیگر فرقه‌ها و احزاب سیاسی، سرقت کلیشه‌ها، واژه‌ها، اصطلاحات و سبک ادبی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و این واقعیت نشان می‌دهد که مسئله مهدویت به‌طور مشخص با تعیین هویت مهدی موعود از زبان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و پیشوایان معصوم اسلام در اذهان عامه مسلمانان دوره حضور وجود داشته است.^۲

۱- ن.ک: معجم ۱/۱۹۱.

۲- احتمالاً احادیث جعلی مهدویت برای عباسیان ساخت این دو نفر متخصص جعل



سرنوشت منابع و مصادر اولیه مهدویت

پس از کودتای سیاسی سقیفه و پیروزی نخبگان جاهلی و بایکوت امام علی بن ابی طالب علیه السلام تنها نماینده و وارث اسلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم و یاران اندک او، آن بخش از موارث و سنت نبوی که مبین اصول و مسایل اساسی اسلام امامت و کادر منصوص آن بود، به کلی ممنوع گردید و به اصحاب پیامبر توصیه شد که فقط احادیث عبادی - اخلاقی - معاملات نبوی برای مردم گفته شود. اسناد تاریخی نشان می دهند که در دوره خلافت کودتاچیان، اختناق شدیدی برقرار بوده و هرگونه کندوکاوی پیرامون مسایل اصولی و اساسی اسلام ممنوع بوده و محققان سرکوب می گردیده اند. فردی که از راه دور به مدینه آمده بود تا به تحقیق درباره موضوعی از قرآن بپردازد توسط شخص خلیفه عرب، عمر بن خطاب به شدت مضروب و شکنجه شد و مجبوس گردید تا زخم هایش التیام یابد و دوباره تا حد مرگ شکنجه شد. منابع عامه می گویند که این شیوه شکنجه چند مرتبه درباره وی اجرا شد.^۱

مهم ترین اقدام کودتاچیان در محو سنت نبوی، جلوگیری از تدوین احادیث بود. جمع آوری نسخ قرآن و سوختن آنها بخش دیگری از اقدامات کودتاچیان به شمار می رود، چرا که هر کدام از اصحاب، سخنان پیامبر اسلام را در حول و حوش آیات می نوشته اند و این خود می توانست به افشای بسیاری از



حدیث از باند عباسیان باشد: عبدالرحمن بن کثیر هاشمی و علی بن حسان بن کثیر هاشمی.

ن. ک: نجاشی رجال ۱۶۳، ۱۶۷. + منصور پسرش محمد را مهدی نامید. ن. ک:

نوبختی / الفرق ۵۰

۱- ن. ک: جلال الدین سیوطی / الاتقان فی علوم القرآن (ترجمه محمود رضا افتخارزاده.

معارف اسلامی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۴).



حقایق بیانجامد.^۱ تبعید و طرد چهره‌های کلیدی اصحاب پیامبر در دوره خلافت کودتا، اقدام دیگری در جهت محو سنت نبوی بود.^۲

در طی دوره حضور امامان، موارث روایی آنان سرنوشتی مشابه و به مراتب شدیدتر داشت: مزاحمت‌های مستمر رژیم‌های خلافت اموی - عباسی از یک سو و بحران‌های سیاسی - اجتماعی - فرقه‌ای از دیگر سو، بسیاری از آموزش‌ها و رهنمودهای امامان را دستخوش حوادث کرد. تیپ‌شناسی اصحاب امامان نشان می‌دهد که اصولاً سه تیپ مختلف پیرامون امامان بوده‌اند: تیپ علمی، انقلابی و عامی. امامان در برخورد با اصحاب، ملاحظه وضعیت و ظرفیت فکری آنان را می‌کردند و آموزش‌ها و رهنمودها معمولاً بر اساس طرز تفکر و ظرفیت عقیدتی - علمی - اخلاقی مخاطبان ارائه می‌شد. در عین حال هر کدام از این سه جناح، روایات بسیاری از امامان نقل کرده‌اند و مجموعه‌های روایی بسیاری تدوین کرده بودند. سرنوشت میراث‌های روایی جناح علمی - انقلابی اصحاب امامان دستخوش حوادث سیاسی دوره حضور شد. این تیپ از اصحاب امامان مجموعه‌های روایی خود را به دلیل مسایل امنیتی، جاسازی و مخفی نگاه می‌داشتند تا از دستبرد رژیم در امان باشد. حوادث طبیعی در محو این آثار مخفی شده نقش داشته است. از این مجموعه‌های روایی که بعدها اصل نامیده شد تا پایان دوره حضور، در دست بوده است.

حوادث سخت مقطع پایانی دوره حضور و انشعاب در تشیع و حاکمیت خط اعتدال بسیاری از این اصول را محو کرد: در این مقطع، شیعه امامیه به جاسازی مدارک و منابع روایی و پاک‌سازی حول و حوش خود پرداخت تا هرگونه بهانه‌ای را از خلافت بگیرد. در این جاسازی‌ها و پاک‌سازی‌ها بود که

۱- ن.ک: از مترجم/روش شناخت سنت و تاریخ اسلام. تهران. رسا. چاپ اول. ۱۳۶۳.

۲- ن.ک: همان.



بسیاری از روایات جناح علمی - انقلابی اصحاب امامان معر شد و روایات جناح عامی اصحاب امامان که بیشتر پیرامون مسایل مقطعی مبتلابه (عبادی - معاملات) جامعه شیعی بود تدوین گردید. هرچند که روایات مهدویت از این بحران مصون نماند، اما به دلیل کثرت و اهمیت آن در مقطع نخست دوره غیبت توسط مشایخ اولیه شیعه امامیه تدوین شد.^۱

قراین و شواهد نشان می دهند که مجموعه های روایی مهدویت که در مقطع ولادت و استتار اولیه آخرین امام تدوین شده بود، در یورش های رژیم خلافت از میان رفت و بسیاری از این مجموعه ها که جاسازی و مخفی شده بود با ترور و مرگ مؤلفان هرگز به دست نیامد. آتش جنگ های فرقه ای سده های چهارم و پنجم را نیز نباید از یاد برد. به آتش کشیدن کانون های علمی و کتابخانه های شیعه امامیه در محله کرخ بغداد، نقش مهمی در نابودی منابع و مصادر اولیه امامیه و روایات مهدویت داشته است.

از طرفی مسئله ولادت، امامت و استتار امام دوازدهم در سری ترین و تشکیلاتی ترین شکل ممکن دوره حضور صورت گرفته تا آنجا که بستگان و نزدیکان امام دور نگاه داشته شدند و از عوام و خواص شیعه کسی بر آن دسترسی نداشت. و گفتم که رژیم خلافت عباسی در تمام دوران استتار اولیه که امام در مرکز تشکیلات و به اصطلاح در خانه تیمی به سر می برد و با کادرهای شیعه در تماس مستقیم بود، به جستجوی گسترده و تعقیب و شناسایی امام پرداخته بود، تا آنجا که در دو مورد به نمایندگان ویژه امام نزدیک شد و سعی کرد تا با تطمیع و تهدید به امام دسترسی پیدا کند که به احتمال زیاد یکی از دلایل قطع ارتباط مستقیم و آغاز استتار بلند، همین موضوع بوده است. بنابراین روایات مهدویت و اشاعه آن با چنین وضعی روبرو بود. اضطراب حاکم بر اسناد

۱- ن. ک: شرح حال مشایخ شیعه امامیه. صفحات بعدی همین کتاب.



و متون روایات مهدویت در منابع ثانویه شیعه امامیه دقیقاً به همین خاطر است.^۱ به نظر می‌رسد اصول تقیه و تاکتیک در اسناد روایات مهدویت رعایت شده و می‌تواند بسیاری از اسامی راویان نام مستعار باشد. اقدامات نعمانی و طوسی در تدوین روایات مهدویت ادامه طرحی بود که ابتدا کلینی و بعد شیخ مفید توصیه کرده بودند.^۲ این دو عالم بزرگ شیعی در دو مقطع بس حساس با تکیه بر اسناد و مجموعه‌های روایی مهدویت دوره حضور و عصر پایانی آن به تدوین آنها پرداختند.^۳ در شرح حال و فهرست آثار اصحاب امامان چنین آمده است که آنان کتبی پیرامون امامت نوشته‌اند: *له کتاب فی الامامه یا کتاب الامامه*.^۴ در میان آثار اصحاب امامان در قرن سوم هجری تا قبل از استار بزرگ امام دوازدهم، سخن از کتبی پیرامون غیبت و مهدویت امام است: در فهرست آثار ابراهیم ثقفی (ابراهیم بن محمد بن سعید بن مسعود) متوفای سال ۲۸۳ هجری از اصحاب امام حسن عسکری، *کتاب الحجه*، *کتاب فی الامامه کبیر* و *کتاب فی الامامه صغیر* به چشم می‌خورد.^۵

لازم است بدانیم که مثلاً از میان چهل اثر ابراهیم ثقفی تنها یک اثر به نام *الغارات* در دست است و بقیه آثار او محو شده و یا تا کنون شناخته نشده است. آثار همه اصحاب درجه یک امامان چنین سرنوشتی داشته است.

ابو احمد جلودی دارای کتاب *اخبار المهدی علیہ السلام* بوده است.^۶

۱- ن. ک: روایات مهدویت در کلینی / الکافی.

۲- ن. ک: طوسی / الغیبة. مقدمة طوسی.

۳- ن. ک: شرح حال نعمانی و طوسی. صفحات بعدی.

۴- ن. ک: نجاشی / رجال ۱۶۷-۱۷۰. + کشی / رجال. شرح حال راویان و اصحاب امامان.

۵- ن. ک: نجاشی / رجال ۱۳، ۱۴، ۱۵.

۶- ن. ک: نجاشی / رجال ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱: ذیل عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن



حسن بن علی بن حمزه بطائنی (از واقفه) کتاب القائم و کتاب الغیبه داشته است.^۱
حسن بن محمد بن احمد صفار بصری کتاب دلائل خروج القائم را نوشته است.^۲
حسن بن محمد بن عیسی دارای کتاب الغیبه و ذکر القائم بوده است^۳ و...
اینها نمونه‌هایی است از تیپ‌های مختلف اصحاب امامان و تابعین آنان که
در طول سده‌های دوم و سوم و چهارم هجری پیرامون اصل امامت، مهدویت و
غیبت دوازدهمین امام مجموعه‌های روایی تدوین کرده بودند.
نکته قابل توجه و بسیار مهم در طول دوره حضور از آغاز تا انجام، قوت و
شدت اعتقاد و ایمان به مهدی موعود است. پیدایش فرقه‌های واقفیه در تشیع
امامیه ناشی از این باور است.^۴



۱- ن.ک: نجاشی ۲۶، ۲۷. عیسی الجلودی.

۲- ن.ک: نجاشی ۳۶. ۳- ن.ک: نجاشی لرجال ۴۷.

۴- ن.ک: پیشینه تاریخی مهدویت بر اساس متن نویختی.



مبانی عقیدتی غیبت و مهدویت دوازدهمین امام در قرآن و سنت

بشارت‌های وحی؛ نمونه‌ها

- «یریدون لیطفعوًا نور
الله بافواهمم و الله متم
نوره»!^۱
- «وعد الله الذین آمنوا
منکم و عملوا الصالحات
لیستخلفنهم فی الارض کما
استخلف الذین من قبلهم و
لیمکنن لهم دینهم الذی
ارتضی لهم و لیبذلنهم من
بعد خوفهم امنًا یعبدوننی و
لا یشرکون بی شیئاً»!^۲
- «و خواهیم که بر ناتوان شدگان در
زمین منت نهیم و پیشوایان و
وارثان‌شان قرار دهیم»!
- «خواهند که نور خدای را با
دهن‌هاشان خاموش کنند، حال آن
که خداوند پایان بخش نورش است»!
- «خداوند کسانی از شما را که ایمان
آورده و کردار شایسته دارند وعده
داده تا در زمین جانشین‌شان گرداند،
آن‌گونه که پیشینیان‌شان را جانشین
گمارد، و آیین‌شان را که برای‌شان
پسندید استوار سازد، و پس از آن
همه بیم‌شان، رامش‌شان بخشد تا
بپرستندم و به من پیشیزی شرک
نورزند»!
- «و نرید ان نمن علی
الذین استضعفوا فی الارض و
نجعلهم ائمة و نجعلهم
الوارثین»!^۳



امام علی بن ابی طالب علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

- «لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها...»^۴
- «دنیا پس از سرسختی با ما، مهربانانه به ما رو کند چون رویکرد حیوان درنده به بچه اش...!»

تحقق حتمی و قطعی وعده‌های خداوند:

- «ان وعد الله حق فلا يستخفنك الذین لا یوقنون»^۵
- «همانا که وعده خداوند حق است، پس کسانی که یقین ندارند، تو را سست نکنند!»

۱- قرآن ۸/۶۱

۲- قرآن ۵۵/۲۴

۳- قرآن ۵/۲۸

۴- ن.ک: بحار ۶۴/۵۱ به نقل از نهج البلاغه.

۵- قرآن ۶۰/۳۰



بشارت‌های نبوی بر مهدویت و ظهور نهایی آخرین امام؛ نمونه‌ها

● «... اگر از دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را بس بلند گرداند تا که مردی از خاندانم قدرت را به دست گیرد و همه پیشگویی‌ها را جامه عمل پوشد!»

● «رستاخیز (یا زمان ظهور) فرا نرسد تا که زمین لبریز از ستم و بیداد گردد، فرمود: سپس مردی از خاندانم یا از ذریه‌ام قیام کند و زمین را آن گونه که از ستم و دشمنی لبریز گشته باشد از عدل و داد سرشار کند!»

امامت دوازدهمین امام در پایان تاریخ، ضامن تحقق اهداف ایده‌آل انسانی اسلام است:

● «تا آنک که خدا خواهد نبوت از آن شما باشد، آن گاه هرگاه خدا خواهد آن را بالا برد، سپس خلافت به شیوه نبوت برقرار شود تا هرگاه خدا خواهد پایدار باشد...!»

● «... لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد، لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من اهل بیتی، تجری الملاحم علی یدیہ!»^۱

● «لا تقوم الساعة حتی تمتلئ الارض ظلما و جورا، قال: ثم یخرج رجل من عترتی او من اهل بیتی یملؤها قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و عدوانا!»^۲

● «تکون النبوة لکم ما شاء الله ان تکون، ثم یرفعها اذا شاء ان یرفعها، ثم تکون خلافة علی منهاج النبوة فتکون ما شاء الله ان تکون...!»^۳



● «... ثم تجيئ فتنة غرباء مظلمة، ثم تتبع الفتن بعضها بعضاً، حتى يخرج رجل من اهل بيتي يقال له المهدي...»!^۴

● «... سپس آشوبی تیره و تار برخیزد، فتنه‌ها در پی هم آیند، تا که مردی از خاندانم که به او مهدی گویند قیام کند...»!

ظهور مهدی موعود در پایان تاریخ:

● «... بلاء يصيب هذه الامة، حتى لا يجد الرجل ملجأً يلجاء اليه من الظلم، حتى يبعث الله رجلاً من عترتي من اهل بيتي فيملاء به الارض قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الارض و...»!^۵

● «... بلایی بر این امت رسد تا آنجا که فرد پناهگاهی نیابد که از ستم به آن پناه برد تا که خداوند مردی از خاندانم، از ذریه‌ام را برانگیزد، و به وجود او زمین را سرشار از داد کند آن گونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد، تا که ساکنان آسمان و زمین از او خشنود شوند...»!

شرایط عام انسانی - اجتماعی - سیاسی - جهانی؛ حاکمیت زور و زور و تزویر:

● قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «سيجئ اقوام في آخر الزمان وجوههم وجوه الأدميين و قلوبهم قلوب الشياطين، امثال الذئاب الضواري، ليست في قلوبهم شيء من الرحمة، سفاكون للدماء، لا يراعون عن قبيح،

● پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در پایان زمان گروه‌هایی پدید آیند که چهره‌شان چهره آدمی و دل‌هاشان دل شیطانی باشد، چونان گرگ‌های درنده، در دل‌هاشان پشیزی مهربانی نباشد، خون ریزند، از انجام زشتی باکی ندارند، اگر با آنان بیعت کنی گولت زنند، اگر از آنان روپنهان کنی،



بَدَت گویند، اگر تو را حدیث کنند
 دروغ گویند، اگر به آنان اطمینان
 کردی خیانت کنند، کودک‌شان
 سنگ‌دل، جوان‌شان گردن‌کش،
 پیرشان به معروف نخواند و از منکر
 باز ندارد، فریفتگی به آنان خواری
 است و خواسته از آنان نداری است،
 بردبار در میان‌شان سرگردان، آن‌که
 به معروف فرمان دهد بدنام شود،
 مؤمن در میان‌شان خوار و حقیر،
 تبهکارشان بزرگ و محترم، سنت
 پیامبر در میان‌شان بدعت، بدعت در
 میان‌شان سنت، در چنین وضعی
 خواهد بود که خداوند بدان‌شان را بر
 آنان مسلط کند، نیکان‌شان دعا کنند
 و دعای‌شان مستجاب نشود!

ان بايعتهم واربوك و ان
 تواريت عنهم اغتابوك و ان
 حدثوك كذبوك و ان ائتمنتهم
 خانوك، صبيهم عارم و شابهم
 شاطر، و شيخهم لا يأمر
 بالمعروف و لا ينهي عن
 المنكر، الاغترار بهم ذل، و
 طلب ما في ايديهم فقر، الحلیم
 فيهم غاؤ، و الامر فيهم
 بالمعروف متهم، المؤمن فيهم
 مستضعف، و الفاسق فيهم
 مشرف، السنة فيهم بدعة و
 البدعة فيهم سنة، فعند ذلك
 يسلط الله عليهم شرارهم،
 فيدعو خيارهم فلا يستجاب
 لهم!

۱- ن.ك: معجم احاديث الامام المهدي ۱/ احاديث ۱، ۲ به نقل از مصادر سنیان.

۲- ن.ك: معجم ۱/ حدیث ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴ و... به نقل از مصادر سنیان.

۳- ن.ك: معجم ۱/ حدیث ۳ به نقل از مصادر سنیان.

۴- ن.ك: معجم ۱/ حدیث ۱۷ به نقل از مصادر سنیان.

۵- ن.ك: معجم ۱/ حدیث ۴۴ به نقل از مصادر سنیان.

۶- ن.ك: معجم ۱/ حدیث ۲۴ به نقل از مصادر سنیان.



بشارت‌های خاص نبوی؛ تعیین هویت مهدی موعود

● «در پایان زمان مردی از خاندانم قیام کند که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من باشد، زمین را آن گونه که از ستم لبریز شده باشد از عدل سرشار کند!»

● «در پایان زمان مردی از خاندانم قیام کند، جوان باشد و زیبا روی، با پیشانی بس نورانی و بینی کشیده، زمین را آن گونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد از عدل و داد سرشار کند...!»

● «يُخْرِجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي، اسْمُهُ كَاسِمِي، وَ كُنْيَتُهُ كَكْنِيَّتِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا!»^۱

● «يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي، شَابٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، أَجْلَى الْجَبِينِ، أَقْنَا الْأَنْفِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا...»^۲

خطاب به دخترش فاطمه عليها السلام:

● «مهدی از فرزندان تو خواهد بود»
«مهدی بر حق است، او از فرزندان فاطمه است!»

● «المهدی من ولدک»^۳
«المهدی حق و هو من ولد فاطمة»^۴

● «اگر از دنیا تنها یک روز باقی ماند، خداوند متعال آن روز را بس بلند گرداند تا که در آن مردی از فرزندانم هم‌نام من را برانگیزد،

● «لو لم یبق من الدنیا الا یوم، لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من ولدی اسمه اسمی. فقام



سلمان‌فارسی رضي الله عنه
 فقال: يا رسول الله! من اي
 ولدك؟ قال: من ولدي هذا، و
 ضرب بيده على الحسين»!^۵

سلمان‌فارسی برخاست و گفت: ای
 رسول خدا! از کدام فرزندت؟
 فرمود: از این فرزندم، و با دست بر
 پشت حسین زد!

● «... و منا مهدى الامة الذى
 يصلى خلفه، ثم ضرب على
 منكب الحسين، فقال: من هذا
 مهدى الامة»!^۶

● «... از ما است مهدی اُمت، کسی
 که پشت سر [عیسی] نماز خواند،
 سپس بر شانه حسین زد و فرمود:
 مهدی اُمت از نسل این است!»

● «... يا فاطمة منا سبطا هذه
 الامة و هما ابناك الحسن و
 الحسين... يا فاطمة! و الذى
 بعثنى بالحق ان منهما مهدى
 هذه الامة، اذا صارت الدنيا
 هرجاءً و مرجاءً و تظاهرت
 الفتن و تقطعت السبل و اغار
 بعضهم على بعض، فلا كبير
 يرحم صغيراً و لا صغير يوقر
 كبيراً، فيبعث الله عزوجل،
 عند ذلك منهما من يفتح
 حصون الضلالة و قلوباً غلفاء،
 يقوم بالدين فى آخر الزمان
 كما قمت به فى اول الزمان، و

● «... ای فاطمه! دو نواده این اُمت
 از ما هستند و اینان پسران تو حسن و
 حسین می‌باشند... ای فاطمه! به آن
 که مرا به حق برانگیخت قسم از این
 دو مهدی اُمت خواهد بود، آنک که
 جهان دچار پریشانی و آشفتگی
 شود و فتنه‌ها پدیدار گردند و ناامنی
 پدید آید و مردم یکدیگر را چپاول
 کنند، بزرگ بر کوچک رحم نکند و
 کوچک به بزرگ احترام نگذارد، آن
 هنگام است که خداوند از این دو،
 کسی برانگیزد که دژهای گمراهی را
 بگشاید و دل‌های بسته را فتح کند، و
 آن‌گونه که من در آغاز زمان آیین



يَمَلَا الدُّنْيَا عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ
جوراً...! ^۷

خداوند را برپای داشتیم، او در پایان
زمان آیین خدای را برپای دارد و
جهان را آن گونه که از بیداد لبریز
شده باشد از عدل سرشار کند...!

● «المهدی حق هو؟ قال: حق،
قال قلت: ممن هو؟ قال: من
قریش، قلت: من ایّ قریش،
قال: من بنی هاشم، قلت: من
ایّ بنی هاشم؟ قال: من بنی
عبدالمطلب، قلت: من ایّ
عبدالمطلب؟ قال: من ولد
فاطمة»! ^۸

● «راوی گوید پرسیدم: آیا مهدی
بر حق است؟ فرمود: بر حق است،
گفتم: از چه نژادی است؟ فرمود: از
قریش، گفتم: از کدام شاخه قریش؟
فرمود: از بنی هاشم، گفتم: از کدام
تیره؟ فرمود: از بنی عبدالمطلب،
گفتم: از کدام خاندان؟ فرمود: از
فرزندان فاطمه!»

۱- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۶۴ به نقل از مصادر سنیان.

۲- ن. ک: معجم ۱/ احادیث ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۷، ۷۸ به نقل از
مصادر سنیان.

۳- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۷۶ به نقل از مصادر سنیان.

۴- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۷۴ به نقل از بیش از ۸۶ منبع معتبر سنی.

۵- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۷۵ به نقل از مصادر سنیان.

۶- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۷۸ به نقل از مصادر سنیان.

۷- ن. ک: معجم ۱/ حدیث ۷۹ به نقل از مصادر سنیان + حدیث ۸۰

۸- ن. ک: معجم ۱/ ۸۱ به نقل از مصادر سنیان.



احادیث نبوی تعیین هویت مهدی موعود:

ن. ک: معجم ١/ حدیث ٨٧، ٩٠. تعیین نام: حدیث ٨٨. تعیین خصوصیات فیزیکی: حدیث ٩٢، ٩٦. تعیین نام و نام پدر: حدیث ٩٧، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٠٩. اسم و کنیه و القاب مهدی: ١٧/١، ١٨، ٥٢، ٥٣، ٥٥، ٦٠، ٦١، ٦٦، ٦٧، ٧١، ٧٢، ٧٤، ٧٥، ٧٧، ٧٨، ٧٩-٨٢، ٨٥، ٩١-٩٣، ٩٩، ١٠١، ١٠٣، ١٠٦-١٠٩، ١١٢، ١١٤، ١١٦-١٢١، ١٢٨، ١٢٩، ١٣١-١٣٦، ١٣٩، ١٤٠، ١٤٤، ١٤٥، ١٥٢، ١٥٩-١٦١، ١٦٨، ١٧٢-١٧٤، ١٨٩، ١٩٠، ١٩٦، ١٩٧، ٢٠٣، ٢٠٥، ٢١٢، ٢٢٢، ٢٢٤، ٢٢٥، ٢٢٩، ٢٣٥، ٢٣٧، ٢٣٨، ٢٤٥، ٢٥١، ٢٥٥-٢٦٠، ٢٦٢، ٢٩٧، ٣٠٥، ٣٠٦، ٣٥٤، ٣٥٥، ٣٥٩، ٣٦٤.

القاب ویژه: المهدی (مکرر) الامام: ١/٥٤، ٧٥، ١٤٧، ٣٥٨. آخر الائمة: ١/١٥٧. خليفة الله: ١/١١٨، ١١٩، ٢٦٤، ٢٩٤. خليفة من بنی هاشم: ١/٢٢٨. خليفة: ١/١١٥، ١٤٣، ١٤٦. ولي الله: ١/١٢٣. الامير: ١/١٤٣، ٣٠٤. امير الطائفة الظاهرة: ١/٢٩. امير الناس: ١/٤٩. القائم: ١/٧٥، ١٠٠، ١٠٨، ١١١، ١١٢، ١٢٣، ١٣٨، ١٥٣، ١٥٥، ١٦٥، ١٦٦، ١٦٨، ١٧٥، ٢٣٥، ٣٠٢، ٣٦١، ٤٧٩/٢. القائم للحق: ١/١٦٤. القائم المنتظر: ١/١٦٧. القائم المامول المنتظر: ١/٨٣. خيرة الله من خلقه: ١/٣٠٠. خیر امة محمد: ١/٢٣٥، ٢٤٩. خیر الناس: ١/٤٥، ٣٠٥. خیر اهل الارض: ١/٤٥. ابن خيرة الانبياء: ١/١٥٩. نجم المؤمنين: ١/١٦٩. يعقوب الامه: ١/١٣٠. الرجل الصالح: ١/٢٠٥. صالح من مضى و خیر من بقى: ١/٤٠. العدل المبارك الزكى: ١/٩٨. المنصور: ١/٢٣٨. الهاشمي: ١/٢٦٨. العائد بالبيت: ١/٣٢٤. نام و نام پدر: ١/٥٩، ٦٨، ٧٥، ٩٨، ٩٩، ١٠٠، ١٣٨، ١٥٤، ١٥٦، ١٦٠، ٢٢٧، ٢٣٥، ٢٤٥، ٢٤٦، ٣٠٢، ٣٤٩.

مشخصات فیزیکی؛ علایم ویژه و منحصر به فرد: ١/٦١، ٦٢، ٦٥، ٧١، ٧٢، ٨٨، ٩١، ٩٢، ٩٤، ١٣٨، ١٤٩، ١٦٠، ١٦٨، ٢٠٣، ٢٢٢، ٢٢٧، ٢٣٠، ٢٣٥، ٢٤٥.



مشخصات نژادی، قومی، قبیله‌ای، آباء و اجدادی: از پیامبر اسلام
ناشی می‌شود: ۴۳/۱، ۴۴، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۹۵، ۱۴۹، ۲۳۷، ۲۳۰، ۲۶۸ = رجل
من عترتی/رجل من اهل بیتی: ۱/۱، ۲، ۱۷، ۴۴، ۵۵، ۵۹-۶۱، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹،
۷۰، ۷۵، ۸۶، ۹۵-۹۸، ۲۳۰، ۲۴۵، ۲۶۸. المهدی من ولدی، رجل من ولدی: ۵۲/۱،
۶۴، ۷۲، ۷۵، ۸۶، ۱۶۶، ۲۲۲، ۲۳۵. المهدی منی: ۶۱/۱. رجل منی و من عترتی:
۱۴۳/۱. من ذریتی: ۷۸/۱، ۸۶، ۳۶۷. رجل من قریش من عترتی: ۵۳/۱. شاب منا
اهل البيت: ۹۴/۱، ۳۱۱. قائم للحق منا: ۱۶۴/۱. رجل من بنی هاشم: ۱۲۶/۱. رجل
من قریش له اتصال برسول الله: ۳۲۳/۱. از فرزندان علی بن ابی طالب است: من
ولد علی: ۱۰۲/۱، ۱۶۸، ۳۵۵. من ذریة علی و فاطمة: ۱۱۱/۱. من ذریة علی:
۱۰۸/۱. من عترة علی: ۹۳/۱. من نسل علی: ۱۶۸/۱. من صلب علی: ۲۶۲/۱. فرزند
فاطمة زهرا است: من ولد فاطمه: ۷۴/۱، ۷۶، ۸۱، ۹۳، ۱۰۰، ۱۱۲. من اولاد
فاطمه: ۷۴/۱. من بنی فاطمه: ۴۴/۱. من فاطمة: ۷۶/۱. از اولاد حسین بن علی
بن ابی طالب است: من ولد الحسین: ۷۵/۱، ۱۱۱، ۲۳۵. التاسع من صلب الحسین:
۷۹/۱، ۲۶۴، ۳۰۲. من الحسین: ۷۸/۱. من الحسنین: ۷۹/۱، ۸۰.



نمونه‌هایی از مصادر دست اول اسلام امامت مبنی بر غیبت و مهدویت و ظهور دوازدهمین امام

● امام علی علیه السلام فرمود: «حقا که زره حکمت پوشد و با همه فرهنگش گیردش، از رو کردن به آن و شناخت آن تا پرداختن به آن، که گویی گمشده‌اش همان است که می‌جویدش، و نیازش همان است که می‌خواهدش، او تنهاست آنک که اسلام تنها ماند و دست و پا زند و بی‌جان بر زمین افتد، بازمانده‌ای از بازماندگان حُجَّتِ خدا، و جانشینی از جانشینان پیامبرانش!»

● قال علي عليه السلام: «قد لبس للحكمة جُنَّتْها، و اخذها بجميع اربها، من الاقبال عليها، و المعرفة بها، و التفرغ لها، فهي عند نفسه ضالته التي يطلبها، و حاجته التي يسأل عنها، فهو مغترب اذا اغترب الاسلام، و ضرب بعسيب ذنبه، و الصق الارض بجرانه، بقية من بقايا حجة، خليفة من خلائف انبيائه!»

● امام سجاد علیه السلام فرمود: «... خدایا! تو در هر زمانی آیینت را به وجود پیشوایی یاری کردی که او را نشانی برای بندگانت و راهنمایی در سرزمین‌هایت قرار دادی، پس از آن که پیمان با او را به پیمان با خویش پیوستی و او را وسیله‌ای برای کسب خشنودیات نمودی و طاعتش را واجب فرمودی و از نافرمانیش

● قال الامام علي بن الحسين السجاد عليه السلام: «... اللهم انك ايدت دينك في كل اوان بامام اقمته علما لعبادك و مناراً في بلادك، بعد ان وصلت حبله بحبلک، و جعلته الذريعة الى رضوانک و افترضت طاعته، و حذرت معصيته، و امرت بامثال



امر، و الانتهاء عند نهيه، و الا
 يتقدمه متقدم، و لا يتاخر
 عنه متاخر، فهو عصمة
 اللائذين و كهف المؤمنین، و
 عروة المتمسكين، و بهاء
 العالمین. اللهم فاوزع لولیک
 شکر ما انعمت به علیه، و
 اوزعنا مثله فيه، و آتہ من
 لدنک سلطانا نصیرا، و افتح
 له فتحاً یسیرا، و اعنه
 برکنک الاعز، و اشدد ازره، و
 قو عضده، و راعه بعینک، و
 احمه بحفظک، و انصره
 بملائکتک، و امدده بجندک
 الاغلب، و اقم به کتابک و
 حدودک، و شرائعک و سنن
 رسولک (صلواتک اللهم علیه
 و آله)، و احی به ما اماته
 الظالمون من معالم دینک، و
 اجل به صدا الجور عن
 طریقک، و ابن به الضراء من
 سبیلک، و ازل به الناکبین عن
 صراطک، و امحق به بغاة
 قصدک عوجا، و الن جانبہ

برحذر داشتی و به امثال اوامر و
 نواهی اش فرمان دادی و این که کسی
 از او پیش و پس نیفتد، که او پناهگاه
 پناه آورندگان و دژ استوار مؤمنان و
 ریسمان جنگ آویختگان و ارزش
 جهانیان است. خدایا! به ولی خود
 سپاس نعمتی را که بر او ارزانی
 داشته‌ای الهام کن و به ما نیز مانند او
 سپاس نعمت خویش را الهام فرما، و
 از نزد خویش قدرتی یاری بخش
 عطایش کن و برایش گشایشی آسان
 بگشا، و به توان بس نیرومندت
 یاریش کن، پشتش را نیرومند و
 بازویش را توانا ساز و او را مورد
 عنایت خویش قرار ده و به
 نگهدارندگی خود پشتیبانی اش کن،
 با فرشتگان خویش یاری اش رسان و
 با سپاهیان پیروزت کمکش فرما، و به
 وجودش کتاب و حدود و احکامات
 و سنن پیامبرت را برپای دار، و به
 وجودش آنچه را که ستمگران از
 نشانه‌های آیینت میرانده‌اند زنده
 کن، و به وسیله او موانع ستمبار را از
 سر راه آیینت بردار و به وسیله او



لاولیاتک، و ابسط یدہ علی
اعدائک، و هب لنا رأفتہ و
رحمتہ و...»^۲

سختی را از راحت بگیر، و به وجود
او کژان از راحت را فروگیر، و به
وسیله او گردن‌کشانی را که راه خلاق
را از سویت کج کرده‌اند نابود کن، با
دوستانت مهربانش کن، و دستش را
بر دشمنانت باز گذار، مهربانی و
بخشندگی اش را ارزانی مان دار...!»

● «یا ابا عبدالله بابی انت و
امی لقد عظم مصابی بک،
فاستل الله الذی اکرم
مقامک ان یکرمنی بک و
یرزقنی طلب ثارک مع امام
منصور من آل محمد صلی الله
علیه و آله... و ان یرزقنی
طلب ثارکم مع امام مهدی
ناطق لکم... اللهم صل علی
حجتک و ولیک و القائم فی
خلقک صلوة نامیة باقیة
تعجل بها فرجه و تنصره بها
و تجعله معها فی الدنیا و
الآخرة»^۴

● «ای ابا عبدالله! پدر و مادرم
فدایت باد، در عزایت بس سوگووارم،
از خدایی که مقامت را بس گرامی
داشته خواهانم که مرا به حرمت تو
گرامی دارد و خون‌خواهی ات را در
رکاب پیشوایی پیروز از خاندان
محمد صلی الله علیه و آله و سلم ارزانی ام کند...
خون‌خواهی شما را در رکاب
پیشوایی راهنما که سخنگوی
حقیقت شماست ارزانیم دارد...
خدایا! بر حجت و ولی و قائم
خویش در میان خلقت درود
فرست؛ درودی برجسته و پایدار که
با آن در ظهورش تعجیل فرمایی و
یاری اش کنی و در دنیا و آخرت
همراهش قرار دهی!»



● **علی علیه السلام** گوید: «روزی به پیامبر گفتم: ای پیامبر خدا! از روزی که در حقم دعا کردی، هر آنچه به من آموختی فراموش نکرده‌ام، پس چرا آموزه‌هایت را بر من املا می‌کنی و می‌فرمایی آنها را بنویسم؟ می‌ترسی فراموش کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برادرم نمی‌ترسم فراموش کنی و از یادبری، خداوند مرا خبر داد دعایم را درباره تو و شریکانت که پس از تو خواهند آمد، اجابت کرده. گفتم: ای پیامبر خدا! شریکانت چه کسانی‌اند؟ فرمود: کسانی که خداوند آنان را به خویش و من نزدیک ساخته، کسانی که در حق شان فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر خود را اطاعت کنید»... گفتم: ای رسول خدا! برایم نام ببرا فرمود: این فرزندانم، و دستش را سر حسن گذاشت، سپس این فرزندانم، و دستش را سر حسین گذاشت، سپس این فرزندانم، و دستش را سر حسین گذاشت، سپس پسرش را پسری خواهد بود هم نام من، محمد،

● **قال علی علیه السلام:** «فقلت له ذات یوم یا نبی الله! انک منذ یوم دعوت الله لی بما دعوت لم انس شیئاً مما علمتني، فلم تملیه علی و تأمرنی بکتابته، أتتخوف علی النسیان؟ فقال صلی الله علیه و آله: یا اخی لست اتخوف علیک النسیان و لا الجهل، و قد اخبرنی الله انه قد استجاب لی فیک و فی شرکائک الذین یكونون من بعدک. قلت: یا نبی الله! و من شرکائی؟ قال: الذین قرنهم الله بنفسه و بی معه الذین قال فی حقهم: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»... فقلت: یا رسول الله! سمهم لی. فقال: ابنی هذا، و وضع یده علی رأس الحسن، ثم ابنی هذا، و وضع یده علی رأس الحسین، ثم ابن ابنی هذا، و وضع یده علی رأس الحسین، ثم ابن له علی اسمی،



اسمه محمد، باقر علمی و خازن وحی الله و سیولد علی فی حیاتک یا اخی فاقراه منی السلام ثم اقبل علی الحسین فقال: سیولد لک محمد بن علی فی حیاتک فاقراه منی السلام، ثم تکملة الاثنی عشر اماماً من ولدک یا اخی، فقلت: یا نبی الله سمهم لی، فسماهم لی رجلاً رجلاً منهم، و الله یا بنی هلال [= سلیم]! مهدی هذه الامة الذی یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و الله انی لاعرف جمیع من یبایعه بین الرکن و المقام و اعرف اسماء الجمیع و قبائلهم...»^۵

شکافنده دانش من و خزانه دار وحی خداوند، ای برادر اعلی بن حسین در دوره زندگی تو خواهد زاد، از سوی من سلامش رسان، سپس رو به حسین فرمود: محمد بن علی باقر در دوره زندگی تو خواهد زاد، از سوی من سلامش رسان، ای برادر! بقیه دوازده امام از فرزندان هستند. گفتم: ای پیامبر خدا! برایم نام ببر! حضرت نام یکایکشان را برد، به خدا سوگند ای سلیم! مهدی این امت کسی است که زمین را آن گونه که از ستم و بیداد پر شده، از عدل و داد سرشار کند، به خدا سوگند همه کسانی که با او در میان رکن و مقام بیعت خواهند کرد می شناسم، نام همه شان و قبیله شان هم می دانم...!»

● قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الائمة بعدی اثنا عشر، اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله عزوجل علی یدیہ مشارق الارض و مغاربها»^۶

● پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «پیشوایان پس از من دوازده نفرند، ابتدای شان تویی ای علی و آخرین شان قائمی که خداوند متعال به دستانش شرق و غرب جهان را می گشاید!»



● «ان ذوالقرنین کان عبداً صالحاً، جعله الله عزوجل حجة علی عباده، فدعا قومه الی الله و امرهم بتقواه فضربوه علی قرنه، فغاب عنهم زماناً حتی قیل: مات او هلک، بای واد سلک؟ ثم ظهر و رجع الی قومه فضربوه علی قرنه الآخر... و ان الله تبارک و تعالی سيجری سنته فی القائم من ولدی فیبلغه شرق الارض و غربها...»^۷ «المهدی من ولدی، تکون له غيبة و حيرة تضل فیها الامم، یأتی بذخيرة الانبياء علیهم السلام، فیملؤها عدلاً و قسطاً، کما ملئت جوراً و ظلماً»^۸

● «ذوالقرنین بنده شایسته‌ای بود، خداوند متعال او را حُجَّتِ بر بندگانش قرار داده بود، قومش را به پرستش خدا فرا خواند و به تقوای او فرمان‌شان داد، وی را زدند و راندند، از آنان زمانی بس دراز پنهان شد تا آنجا که گفته شد مرده یا کشته شده و گرنه کدام سرزمین به سر می‌برد؟ آن‌گاه ذوالقرنین پدیدار شد و به سوی قومش بازگشت، بار دیگر او را زدند و راندند... خداوند متعال سنتِ ذوالقرنین را دربارهٔ قائم از فرزندانم جاری فرموده تا او را به شرق و غرب جهان رساند...» «مهدی از فرزندانم است، او راست غیبتی و حیرتی که در آن مردمانی گمراه شوند، میراث پیامبران را آورد، زمین را از عدل و داد سرشار کند آن سان که از ستم و بیداد پُر شده باشد!»

۱- ن. ک: نهج البلاغه. خ ۲۷۲/۱۸۲، ۲۷۳.

۲- ن. ک: معجم ۲۰۴/۳. حدیث ۷۲۶. به نقل از صحیفة سجادیة ۲۵۰-۲۸۳ دعای ۴۷.

۳- ن. ک: ابن قولویه/کامل الزیارات ص ۱۷۷ باب ۷۱. از زیارت امام حسین در روز



عاشورا.

۴-ن.ک: همان ۳۱۱. باب ۱۰۲.

۵-ن.ک: سلیم بن قیس هلالی کوفی / کتاب سلیم ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،
۱۵۶، ۲۳۳، ۲۳۴.

۶-ن.ک: معجم ۱/۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷ به نقل از منابع سنیان.

۷-ن.ک: معجم ۱/۱۵۸.

۸-ن.ک: معجم ۱/حدیث ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸،
۱۶۹، ۱۷۰.



در رابطه با روایات غیبتِ امام دوازدهم چند نکته اساسی و مهم وجود دارد که اکثر محققان داخلی و خارجی از آن غافل مانده‌اند. در تبیین معنای غیبت باید دانست که استار اولیه امام که حضرتش با نمایندگان ویژه در تماس مستقیم بوده و از آن مجازاً تعبیر به غیبت صغری می‌شود، در واقع غیبت نبوده است. لذا در روایات اولیه و رهنمودهای پیامبر و امامان تنها اشاره به غیبت طولانی و بلند شده است.

روایات غیبت به سه بخش عمده تقسیم می‌شود:

۱- روایات مفصلی که مبین شرایط جهانی علایم ظهور است که تحقق آنها مستلزم زمانی بس بلند در طول روند تکامل انسان و تغییر و تحول در جغرافیای انسانی - سیاسی جهان است.^۱

۲- روایاتی که در آنها تعبیر به غیبت شده است: الف- روایات اولیه غیبت امام دوازدهم که با عنایت به همان استار طولانی و تاریخی مبتنی بر روند تحولات جهان و تکامل انسان، در آنها عبارت *لَهُ غَيْبَةٌ* به کار رفته است. متأسفانه عدم آگاهی مؤلفان و محققان پیرامون مهدویت و غیبت امام دوازدهم بر این واقعیت، باعث شده تا چنین پندارند که منظور از *لَهُ غَيْبَةٌ* همان استار اولیه است، و لذا غیبت امام را در همان مقطع تمام شده تلقی نمایند. ب- به نظر می‌رسد همین اشتباه در اواخر دوره حضور از سوی برخی اصحاب صورت گرفته است، لذا در روایات ثانویه غیبت در جهت رهنمود به ساده‌اندیشان و جلوگیری از بحران‌های عقیدتی، عبارت *لَهُ غَيْبَتَانِ* به کار رفته است: *ان للقاء غیبتین*^۲ گویا ابوسهل نوبختی (از جناح اشرافیت ایرانی دستگاه خلافت عربی) نخستین کسی

۱- ن.ک: این بخش از روایات را در: معجم ۵۹/۱، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۲،

۷۳، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۰ و...

۲- ن.ک: نوبختی/الفرق ۹۶، ۹۷.



است که در باور شیعیان القاء شبهه کرده و فتنه عقیدتی بزرگی را تدارک دیده است.^۱

۳- روایاتی که مبین انتظار فرج و فضیلت آن است. این بخش از روایات به روشنی خاصی تصریح می‌کنند که غیبت امام یک مقطع بسیار بلند تاریخی را شامل می‌شود و اشعار می‌دارند که فرج و ظهور امام دوازدهم مستلزم تحقق شرایط عام جهانی و انسانی است. بخشی از این روایات به تبیین وظایف اخلاقی - سیاسی معتقدان پرداخته و بخشی دیگر رهنمودهایی در برخورد با حوادث ارائه می‌کند.^۲

۱- ن.ک: پاورقی ۱۷۴. ابوسهل نوبختی. برای دریافت این بخش از روایات ن.ک: معجم ۱۵۸/۱، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴/۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸ و...

۲- ن.ک: این بخش از روایات در: معجم ۱۷۰/۱ در منابع سنیان از روایات نبوی: «... افضل العبادۃ انتظار الفرج» + ۷۵/۳، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵ و...



نمونه‌ای از روایات مورد استناد و استدلال شیخ مفید

- قال علی علیه السلام: «ان الثانی عشر یغیب غیبة یرتاب فیها المبطلون...»!^۱
- امام علی علیه السلام: «امام دوازدهم چنان غیبتی کند که سست باوران در وجودش شک کنند...»!
- قال کمیل: «دخلت علی امیر المؤمنین و هو ینکث فی الارض. فقلت له: یا مولای! مالک تنکث الارض، أرغبة فیها؟! فقال علیه السلام: و الله ما رغبت فیها ساعة قط، ولكنی افکر فی التاسع من ولد الحسین...»!^۲
- کمیل گوید: «بر امیر مؤمنان وارد شدم، دیدم به زمین خیره شده. گفتم: سرورم! به زمین خیره شده‌ای! آیا خواهان آنی؟! فرمود: به خدا سوگند! مرا حتی یک ساعت هم میلی به آن نیست، ولی دارم درباره فرزند نهم از نسل حسین می‌اندیشم...»!

۱- ن.ک: مفید/الرسائل. الرسالة الخامسة ۳۳۹.

۲- ن.ک: همان. ۴۰۰.



استدلال‌های کلامی مفید پیرامون امامت و کادر منصوص آن، مبتنی بر احادیث نبوی و امامان است. این بخش از روایات که مایه‌های کلامی مفید را تشکیل می‌دهند، تنها در منابع جناح رادیکال شیعه علویه مشاهده می‌شوند و این امر نشان می‌دهد که مبانی اصولی و اساسی عقیدتی تشیع اولیه در منابعی چون اصل سلیم بن قیس و... جای داشته است. جالب این که تمام پشتوانه‌های روایی مفید در اصل سلیم یافت می‌شود.^۱

شیخ مفید در مهم‌ترین اثر روایی - تاریخی خود نزدیک به یکصد روایت پیرامون ولادت، امامت، غیبت، مهدویت و ظهور جهانی و پایانی امام دوازدهم آورده است.^۲

پیشینه تاریخی مهدویت در متن نوبختی

- مهدویت در اسلام یک اصل عقیدتی، زیربنایی و محوری است
- پیشینه تاریخی ایده مهدویت، غیبت و ظهور آخرین امام در طول دوره حضور امامان
- کاربرد واژه‌ها، کلیشه‌ها و اصطلاحات ویژه مهدویت آخرین امام، توسط فرقه‌ها و احزاب سیاسی و تلاش در جهت تحریف و تخریب آنها
- مواضع و عقاید شیعه علویه

اشاره

مؤلفان با استناد به متن نوبختی کوشیده‌اند تر ذهنی و عقیده شخصی خود را

۱- ن.ک: مفید/اوائل المقالات ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹. + الرسائل/الرسالة الخامسة ۳۹۹، ۴۰۰،

۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳. مقایسه کنید: سلیم/کتاب سلیم ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸ و...

۲- ن.ک: مفید/ارشاد ۲/۳۲۳-۴۰۰.



اثبات کنند. و مترجم با این که متن نوبختی را یک متن کلامی - عقیدتی که مبین عقاید امامیه باشد نمی‌داند، در عین حال تمام مواردی را که مؤلفان با استناد به متن نوبختی از عقاید امامیه نفی کرده‌اند اثبات کرده است.

مترجم می‌خواهد ابتدا نشان دهد که مهدویت و تعیین هویت مهدی موعود در ادامه کادر منصوص امامت، در اسلام اولیه یک اصل اساسی و زیربنایی بوده که مبین بخش‌نهایی و غایی رسالت جهانی اسلام و ضامن تحقق اهداف و ایده‌آل‌های انسانی - اسلامی در پایان تاریخ می‌باشد. شدت اهمیت این اصل زیربنایی - عقیدتی و کثرت روایات و رهنمودهای صریح نبوی و علوی به حدی بوده که اذهان نسل‌های اول تا سوم اسلام را به خود جلب نموده است.

دلیل غیر قابل‌خداشه این حقیقت توجیه انشعاب‌ها و برخورد فرقه‌ها با این اصل اساسی و کاربرد و سوء استفاده از واژه‌ها و کلیشه‌های ثابت و مشخص مهدویت و تعیین هویت مهدی موعود توسط آنهاست. مطلبی که مؤلفان از آن غافل مانده‌اند.



پیشینه تاریخی ایده مهدویت و غیبت در طول دوره حضور امامان بر اساس متن نوبختی

سال ۴۱ هجری: پس از شهادت امام علی بن ابی طالب علیه السلام؛ سه انشعاب در پیروان او. فرقه‌ای اعلام کرد:

<p>● «علی بن ابی طالب کشته نشده و نمرده است و نخواهد مرد تا که عرب را به راه آورد و زمین را آن گونه که از ستم و بیداد لبریز شده باشد از عدل و داد سرشار کند!»</p>	<p>● «ان علیا لم یقتل و لم یمت و لا یقتل و لا یموت حتی یسوق العرب بعصاه و یملأ الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا!»^۱</p>
---	---

سال ۶۱ هجری: پس از شهادت امام حسین بن علی علیه السلام؛ سه انشعاب در پیروان او. فرقه‌ای اعلام کرد:

<p>● «محمد بن حنفیه هموست امام مهدی...»!</p>	<p>● «ان محمد بن الحنفیه هو الامام المهدی...»!^۲</p>
--	--

سال ۸۱ هجری: پس از مرگ محمد بن حنفیه؛ سه انشعاب در پیروان او. فرقه‌ای اعلام کرد:

<p>● «محمد بن حنفیه، همو مهدی است، علی بن ابی طالب او را مهدی نامید، نمرده و نخواهد مرد و روا نیست که بمیرد، او غیبت کرده و معلوم نیست در کجاست، به زودی باز خواهد گشت و زمین را</p>	<p>● «ان محمد بن الحنفیه هو المهدی سماه علی علیه السلام مهدیا، لم یمت و لا یموت و لا یجوز ذلک، و لکنه غاب و لا یدری این هو، و سیرجع و یملک الارض و</p>
--	--



لا امام بعد غیبه»!^۳

زیر فرمان خواهد گرفت، پس از
غیبتش امامی نیست!

پیروان پسرش ابوهاشم اعلام کردند:
● «انه المهدي، القائم
المهدي أن الامام القائم
المهدي هو ابوهاشم، و ولي
الخلق و يرجع، فيقوم بامور
الناس و يملك الارض...»!^۵

● «ابوهاشم مهدی است، هموست
قائم مهدی، امام قائم مهدی ابوهاشم
است، خلق را رهبری کند و بازگردد،
و به رهبری مردم پردازد و بر زمین
حکم راند...»!

پیروان عبدالله بن معاویه اعلام کردند:
● «ان عبدالله بن معاويه حتى
لم يمت، و انه مقيم في جبال
اصفهان، لا يموت ابدا حتى يقود
نواصبها... هو القائم المهدي
الذي بشر به النبي صلى الله
عليه و آله... انه يملك الارض
و يملأها قسطا و عدلا بعد ما
ملئت ظلما و جورا...»!^۶

● «عبدالله بن معاویه زنده است و
نمرده، او ساکن کوه‌های اصفهان
است، هرگز نمیرد تا که ناصبی‌های
آن دیار را کیفر دهد... او قائم مهدی
است که پیامبر صلى الله عليه وآله به او مژده
داده است... بر زمین فرمان راند و آن
را آن گونه که از ستم و بیداد سرشار
شده باشد از عدل و داد لبریز کند...»!

ابومنصور عجلی اعلام کرد:

● «انا نبی و رسول و النبوة
فی ستنه من ولدی یكون بعدی
انبياء، آخرهم القائم...»!^۷

● «من پیامبرم و فرستاده، و نبوت در
شش نفر از فرزندانم باشد که پس از
من پیامبرند، آخرشان قائم است...»!



سال ۱۱۴ هجری: پس از شهادت امام محمد بن علی باقر علیه السلام؛ دو انشعاب در پیروان او. فرقه‌ای اعلام کرد:

● «محمد بن عبدالله بن حسن
انه القائم و انه الامام المهدي
و انه حق لم يمت، مقيم بجبل
يقال له العلميه... حتى يخرج،
لان رسول الله قال: القائم
المهدي اسمه اسمي و اسم
ابيه اسم ابي»^۸

● «محمد بن عبدالله بن حسن،
هموست قائم، و هموست امام
مهدی، هموست که زنده است و
نمرده، در کوهی به نام علمیه ساکن
است... تا قیام کند، زیرا رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم گفته: قائم مهدی هم نام من
است و نام پدرش نام پدر من است!»

باند مغیره بن سعید اعلام کردند:

● «ان ابا جعفر محمد بن علی
اوصی الیه، فهو الامام الی ان
يخرج المهدي... و هو عندهم:
محمد بن عبدالله بن الحسن و
هو حی لم يمت و لم یقتل»^۹

● «ابو جعفر محمد بن علی به او
وصیت کرده، هموست امام تا مهدی
قیام کند... مهدی نزد آنان: محمد بن
عبدالله بن حسن است که زنده است
و نمرده و کشته نشده است!»

سال ۱۴۸ هجری: پس از شهادت امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام؛ شش
انشعاب در پیروان او. فرقه‌ای اعلام کرد:

● «ان جعفر بن محمد حی لم
یمت و لا یموت حتی یظهور و
یلق امر الناس و انه هو
المهدي»^{۱۰}

● «جعفر بن محمد زنده است نمرده
و نخواهد مرد تا که ظهور کند و
حکومت مردم را بر عهده گیرد،
هموست مهدی!»



پیروان اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام اعلام کردند:

● «مرگ اسماعیل را در زندگی پدرش انکار کردند و گفتند: پدرش از بیم مردم شایع کرد که او مرده است، وگرنه او غیبت کرده، از مردم پنهان شده است و پیروانش بر این باورند که: اسماعیل نمرده تا که زمین را صاحب شود و حکومت مردم را به دست گیرد، هموست قائم...!»

● «انکرت موت اسماعیل فی حياة ابيه و قالوا: كان ذلك على جهة التبليس من ابيه على الناس لانه خاف، فغيبه عنهم و زعموا: ان اسماعیل لا يموت حتى يملك الارض يقوم بامر الناس و انه هو القائم...!»^{۱۱}

پیروان محمد فرزند اسماعیل بن جعفر اعلام کردند:

● «هموست امام قائم مهدی... پیروانش پنداشتند که... محمد بن اسماعیل زنده است و نمرده و در سرزمین روم ساکن است و هموست قائم مهدی، و معنای قائم نزد آنان یعنی که او به رسالت و آیینی نو برانگیخته شود... و پنداشتند که... دنیا را دوازده جزیره است و در هر جزیره ای حجتی است و هر حجتی دعوتگری دارد...!»

● «و هو الامام القائم المهدي...»^{۱۲} و زعموا... ان محمد بن اسماعیل حتى لم يمت و انه في بلاد الروم و انه القائم المهدي، و معنى القائم عندهم انه يبعث بالرسالة و بشريعة جديدة^{۱۳} و زعموا... ان الدنيا اثنتا عشرة جزيرة و في كل جزيرة حجة و لكل حجة داعية...!»^{۱۴}

سال ۱۸۳ هجری: پس از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام؛ پنج انشعاب در پیروان او، فرقه‌ای اعلام کرد:



● «ان موسی بن جعفر لم یمت و انه حی و لا یموت حتی یملک شرق الارض و غربها و یملاها کلها عدلا کما ملئت جورا و انه القائم المهدی. و زعموا... انه غاب عن الناس و اختفی. و رووا فی ذلک روایات عن ابیه جعفر بن محمد علیه السلام انه قال: هو القائم المهدی... فانه القائم. قال بعضهم: انه القائم و قدمات... و زعموا: انه قد رجع بعد موته... حی یا هر و ینهی و ان اصحابه یلقونه و یرونه. و اعتلوا فی ذلک بروایات عن ابیه انه قال: سمی القائم قائما لانه یقوم بعد ما یموت. و قال بعضهم: انه قدمات، و انه القائم، و ان فیه شبها من عیسی بن مریم و انه لم یرجع، و لکنه یرجع فی وقت قیامه فیملأ الارض عدلا کما ملئت جورا و ان اباه قال: ان فیه شبیها من عیسی بن

● «موسی بن جعفر نمرده و زنده است و نخواهد مرد تا شرق و غرب زمین را صاحب شود و آن را چنان که از ستم لبریز شده باشد از عدل سرشار کند، هموست قائم مهدی. و پنداشتند که:... او از مردم غایب شده و پنهان گردیده، و در این باره روایاتی از پدرش جعفر بن محمد نقل کنند که گفته است: اوست قائم مهدی... اوست قائم... برخی شان گویند: او قائم است ولی مرده و پنداشتند: پس از مرگش بازگردد... برخی دیگر گویند: زنده است، امر و نهی کند، یارانش او را ببینند و دیدار کنند. در این باره به روایاتی از پدرش استناد کنند که او گفته: قائم از این رو قائم نامیده شده که پس از مرگ برخیزد و قیام کند. برخی شان گویند: او مرده، ولی قائم هموست، در او نشانی از عیسی بن مریم است و بازنگردد، هنگام قیامش بازگردد و زمین را آن گونه که از ستم لبریز شده باشد از عدل سرشار کند و پدرش گفته: در او نشانی از عیسی بن مریم



مريم و انه يقتل في يدى ولد
العباس فقد قتل. و انكر
بعضهم قتله و قالوا: مات و
رفعه الله اليه و انه يردده عند
قيامه»! ۱۵

است، او به دست بچه‌های عباس
کشته شود، او کشته شده است. و
برخی قتل او را انکار کرده، گفتند:
مرده و خداوند او را نزد خویش برده
و به هنگام قیامش او را بازگرداند!

فرقه‌ای دیگر اعلام داشت:

● «ان موسى بن جعفر لم يميت
و لم يحبس و انه حي غائب،
وانه القائم المهدى و انه فى
وقت غيبته...»! ۱۶

● «موسی بن جعفر نمرده و زندانی
هم نشده، او زنده و غایب است،
هموست قائم مهدی در هنگام
غیبتش...»!

سال ۲۵۴ هجری: پس از شهادت امام علی بن محمد هادی عليه السلام؛ انشعاب،
چند فرقه (۴). پیروان محمد فرزندان امام هادی (که در حیات پدرش
درگذشت) اعلام کردند:

● «انه حي لم يميت... لكن
اباه خاف عليه فغيبه و هو
القائم المهدى»! ۱۷

● «او زنده است و نمرده... پدرش بر
جانش بیمناک شده و او را پنهان
کرده و هموست قائم مهدی»!

سال ۲۶۰ هجری: پس از شهادت امام حسن بن علی عليه السلام؛ انشعاب،
فرقه ۱۴.

۱- فرقه‌ای اعلام کرد:

● «ان الحسن بن على لم يميت،
و انما غاب و هو القائم،

● «حسن بن علی زنده است و نمرده،
غیبت کرده، هموست قائم، روا

و لا يجوز ان يموت، و لا ولد له ظاهر، لان الارض لا تخلو من امام، و قد ثبتت امامته، و الرواية قائمة: ان للقائم غيبتين، فهذه الغيبة احدهما و سيظهر و يعرف، ثم يغيب غيبة اخرى»!^{۱۸}

۲- فرقه‌ای اعلام کرد:

● «ان الحسن بن علی مات و عاش بعد موته و هو القائم المهدی، لانا روينا ان معنى القائم هو ان يقوم من بعد الموت و يقوم... انه القائم... و قد روينا ان القائم اذا بلغ الناس خبر قيامه قالوا: كيف يكون فلان اماما و قد بليت عظامه. فهو اليوم حی مستتر لا يظهر و سيظهر و يقوم بامر الناس و يملاء الارض عدلا كما ملئت جورا... لانه لا يجوز عندهم ان تخلوا الارض من حجة قائم علی ظهرها. عدل، حی، ظاهر او خائف مغمود،



نباشد که بمیرد، فرزند آشکاری ندارد، زیرا زمین از امام خالی نیست، امامتش ثابت شده، روایت است که می‌گوید: قائم را دو غیبت است، این غیبت یکی از آن دوست، و به زودی ظهور کند و شناخته شود، سپس به غیبت دوم غایب شود!

● «حسن بن علی مرده و پس از مرگش می‌زید، هموست قائم مهدی، زیرا روایت داریم که معنای قائم این است که پس از مرگ قیام کند... او قائم است... و روایت داریم که هرگاه خبر قیام قائم به مردم رسد، گویند: چگونه فلانی امام است در حالی که استخوان‌هایش هم پوسیده! او امروز زنده است و پنهان، آشکار نشود و به زودی ظهور کند و حکومت بر مردم را به دست گیرد و زمین را آن گونه که از ستم لبریز شده باشد، از عدل سرشار کند... زیرا نزد آنان روا نیست زمین از حجتی که روی آن قیام کند خالی باشد. او



عادل، زنده، آشکار و بیمناک پنهان است، بنا به خبری از علی بن ابی طالب که در یکی از خطبه‌هایش فرمود: خدایا! زمین را از حجت پنهان یا پیدای خویش خالی مگذار تا براهین و بینات تو باطل نشود، این دلیلی است بر این که او پس از مرگش زنده است...!»

للخبر الذی روی عن علی بن ابی طالب علیه السلام انه قال فی بعض خطبه: اللهم انک لا تخلو الارض من حجة لک ظاهر او مغمود لئلا تبطل حججک و بیناتک. فهذا دلیل علی انه عاش بعد موته...!»^{۱۹}

۱- نوبختی/الفرق ۲۲. + مقایسه کنید: مقالات ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۷۷.

۲- همان ۲۶. + م.ک: مقالات ۲۵، ۲۶، ۷۰، ۷۱.

۳- همان ۲۷، ۲۸، ۲۹. م.ک: مقالات ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۹.

۴- همان ۳۱، ۳۲.

۵- همان ۳۳، ۳۴. + م.ک: مقالات ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ۳۸.

۶- همان ۳۴. + م.ک: مقالات ۴۳، ۴۴.

۷- همان ۳۸. + م.ک: مقالات ۴۶، ۴۷.

۸- همان ۶۲. + م.ک: مقالات ۷۶.

۹- همان ۶۳. + م.ک: مقالات ۷۶، ۷۷.

۱۰- همان ۶۷. + م.ک: مقالات ۷۹، ۸۰.

۱۱- همان ۶۷، ۶۸. + م.ک: مقالات ۸۱.

۱۲- همان ۷۲.

۱۳- همان ۷۳.

۱۴- همان ۷۴. + م.ک: مقالات ۸۳، ۸۴.



۱۵- همان ۸۰، ۸۱، ۸۲ + م.ک: مقالات ۸۸

۱۶- همان ۸۳ + م.ک: مقالات ۸۹

۱۷- همان ۹۴ + م.ک: مقالات ۹۱، ۹۲، ۹۳

۱۸- همان ۹۶، ۹۷ + م.ک: مقالات ۹۳، ۹۴

۱۹- همان ۹۷، ۹۸ + م.ک: مقالات ۹۳-۹۸



مواضع و عقاید شیعه علویه بر اساس متن نوبختی

- ۱- ادعا و پندار همه این فرقه‌ها باطل و بی‌اساس است.^۱
- ۲- حجت خدا در زمین از نسل امام حسن بن علی عسکری است.^۲
- ۳- اراده خداوند بر این تعلق گرفته تا فرزند امام عسکری وصی پدرش باشد، و سیره امامت منصوص از آغاز بر این بوده، و پس از امام حسن و امام حسین، امامت در دو برادر جمع نمی‌شود. آن هم به این صورت بود که پس از شهادت امام حسن بن علی، امامت به حسین بن علی منتقل شد.^۳
- ۴- سنت الهی بر این تعلق گرفته که حتی اگر دو نفر بر روی زمین باقی بمانند، یکی از آن دو حجت خداوند است، و اگر آن یکی بمیرد، فرد باقی مانده حجت است.^۴
- ۵- امامت در فرزندان کسی که امام نبوده ثابت و جایز نیست.^۵
- ۶- امامت بر فرزندی که در حیات پدر در گذشته و نیز بر فرزند آن متوفی جایز نیست.^۶
- ۷- جایز نیست که زمین لحظه‌ای از حجت عاری و خالی باشد.^۷
- ۸- ما شیعه علویه بنا به سیره مستمره کادر منصوص امامت، ایمان و اعتقاد داریم که اعتبار امامت هر امامی تا لحظه مرگ او است^۸، و ایمان داریم به این که برای امام حسن عسکری از صلب او فرزند و جانشینی است.^۹
- ۹- جانشین امام حسن عسکری، امام پس از آن حضرت می‌باشد تا هنگامی که

۲- همان ۱۰۸.

۱- نوبختی/الفرق ۱۰۸.

۴- همان ۱۰۸، ۱۰۹.

۳- همان ۱۰۸.

۶- همان ۱۰۹.

۵- همان ۱۰۹.

۸- همان ۱۰۹.

۷- همان ۱۰۹.

۹- همان ۱۰۹.

ظاهر شود و امامتش را اعلام کند.^۱

۱۰- این غیبت و ظهور و اعلام، طبق اراده و اجازه پروردگار صورت گرفته و خواهد گرفت و خداوند بر هر کاری که بخواهد توانا است و به آنچه بخواهد می تواند فرمان دهد.^۲

۱۱- از صدر اسلام عقیده بر این بوده، همان گونه که امام علی بن ابی طالب فرمود: «پروردگارا! تو زمین را از حجت خودت بر خلق خود خالی نمی گذاری، حجتی که یا آشکار و شناخته شده است و یا پنهان و پوشیده، تا دلیل خداوندی و براهین روشن تو باطل نگردد». ما را نیز عقیده همین است. درباره این اصل عقیدتی اخبار صحیحۀ بسیاری از امامان گذشته به ما رسیده است.^۳

۱۲- مسئله وجود، امامت، غیبت و ظهور امام دوازدهم یک امر و اراده خاص الهی است. اخبار بسیاری در این زمینه داریم که «ان القائم تخفی علی الناس ولادته و یخمل ذکره و لا یعرف و...». لذا بردن نام آن حضرت و یا سؤال از مکان آن امام جایز نیست، زیرا استتار آن حضرت یک استتار الهی می باشد. و از طرفی هرگونه تلاشی از سوی ما برای جستجوی آن حضرت می تواند جان امام و شیعیان را تهدید کند [اشاره به مقطع استتار اولیه که امام با نمایندگان ویژه خود در تماس مستقیم بوده اند می باشد].^۴

۱- همان ۱۰۹.

۲- همان ۱۰۹، ۱۱۰.

۳- همان ۱۱۰.

۴- همان ۱۱۱.

غیبت و مهدویت

در

تشیع امامیه

مقدمه

بیش از هزار سال است که در مذهب تشیع امامیه در اسلام، عقیده به امامت و غیبت دوازدهمین امام به صورت باور برجسته و جاافتاده‌ای مطرح است.^(۱) امامت دوازدهمین امام نتیجه عقیده به امامتی است که شخص پیامبر اسلام اندکی پیش از مرگش در سال ۶۳۲ میلادی/۱۱ هجری صریحاً به جانشینی خویشاوند و دامادش علی بن ابی طالب (وفات ۶۶۱ میلادی/۴۱ هجری) اشاره کرد مبنی بر این که پس از او علی بن ابی طالب جانشین اوست و هموست که جامعه اسلامی در حال تولد را رهبری خواهد کرد.^۱

۱- دیدگاه اعتقادی شیعه امامیه مبنی بر امامت منصوص امام علی بن ابی طالب علیه السلام از دیدگاه قرآن، سنت و تاریخ اسلامی، ن. ک: امینی/الغدیر، فی الکتاب و السنة و الادب ۹/۱-۲۱۴: واقعه غدیر؛ سال دهم هجری، ذوالحجه، سال موسوم به حجة الوداع، خطبه پیامبر، معرفی علی، نزول آیه تبلیغ، گزارش این واقعه از زمان حادثه تا عصر حاضر از زبان منابع روایی - تفسیری - تاریخی عامه، نزول آیه اکمال پس از ابلاغ امامت علی در منابع تفسیری - تاریخی - روایی سنیان از آغاز تا کنون: ۲۱۴-۲۲۸ + ۲۲۸-۲۳۸ + نزول آیه عذاب



عقیده امامت بیشتر به معنای بیعت با رهبری جامعه اسلامی که منصوب من عندالله است می باشد. رهبری مبتنی بر سلسله یازده گانه امامان که نقطه اوج آن امامت دوازدهمین امام؛ محمد بن حسن عسکری [عج] (بنا بر قول مشهور متولد ۸۷۰ میلادی/ ۲۵۷ هجری) است.^۱ در این باور مذهبی، امامان از رسالت دنیوی و اخروی برخوردارند. به هر حال به علت خفقان سیاسی حاصله از رژیم های اموی و عباسی، نقش امامان به راهبری معنوی پیروان شان محدود بود.^۲

بنا بر عقیده تشیع امامیه، خطراتی که جان دوازدهمین امام را تهدید جدی می کرد، منجر به این شد که امام دوازدهم پس از مرگ پدرش در سال ۲۶۱/۸۷۴

→

بر منکران امامت علی: ۲۲۸-۲۶۶. بررسی علمی سند و متن حدیث غدیر: ۲۶۶-۴۱۱ + دیگر ادله قرآنی و روایی شیعه درباره امامت علی بن ابی طالب در منابع سنیان: ۴۳/۲-۶۷.

۱- ولادت دوازدهمین امام ن.ک: مجلسی/بحار ۱/۵۱-۲۸: نیمه شعبان ۲۵۵ هجری. جمعه شب ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری. در منابع سنیان نیز: ابن خلکان/تاریخ: روز جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ هجری. + معجم احادیث الامام المهدي ۱، ۲. + مقایسه کنید: سعد بن عبدالله اشعری/ مقالات ۱۰۴-۱۰۶. + نویختی/الفرق ۹۶-۹۹. + نعمانی/الغیبة. + طوسی/الغیبة.

۲- اسناد و شواهد تاریخی نشان می دهند که ائمه شیعه رهبری نهضت زیرزمینی شیعه را بر عهده داشته اند. اشارات بسیار ظریفی در این رابطه از امام علی بن حسین پیشوای چهارم شیعه در دست است. ن.ک: صحیفه سجادیه. دعای ۴۹، ۵۰. + مواضع امام سجاد در قبال نهضت مختار. ن.ک: از مترجم: نهضت های شیعی. نهضت مختار. ن.ک: بحار ۲۹/۴۷، ۷۴، ۷۵، ۷۸ مخصوصاً ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲. مشخص ترین فصل مبارزه با رژیم خلافت: محاصره مطلق امام صادق + امام کاظم (مخصوصاً امام کاظم) + امام رضا. ن.ک: اشعری/مقالات ۱۰۴. + نویختی/الفرق ۱۱۰. + اصفهانی/مقاتل ۲۱۶-۲۸۱. + مقایسه کنید: عاملی/وسائل الشیعه ۴۸۵/۱۱، ۴۸۶، ۴۸۷.



در استتار به سر برد. وجود دوازدهمین امام به وسیله شیعیان اعلام شد، مبنی بر این که مهدی موعود همان کسی است که قبل از پایان جهان برای تحقق عدالت و قسط در زمین ظهور خواهد کرد. او همان موعود پیامبر اسلام است.^۱

پس از غیبت این امام، آرمان‌های سیاسی - مذهبی امامیه موکول به این باور شد: حال که ناسازگاری سیاسی - اجتماعی روزگار، توفیق تحقق آرمان‌های شان را از آنان سلب کرده است، تحقق این آرمان‌ها را به زمان ظهور مهدی، موعود اسلام واگذار می‌کنند.^۲ بنابراین عقیده به وجود و ظهور امام موعود منتظر «...»

۱- ن.ک: اشعری/مقالات ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶. + نوبختی/الفرق ۱۰۱-۱۰۳. مقایسه کنید: نعمانی/الغیبة. + طوسی/الغیبة. + مجلسی/بحار ۵۱. + شرح کلامی - روایی موضوع در: معجم احادیث الامام المهدی ۱/۱۰۵-۱۷۹ از زبان پیامبر اسلام.

۲- این آرمان‌های متعالی فرقه‌ای نبود، بلکه تحقق نهایی اهداف و آرمان‌های جهانی اسلام است که مدینه فاضله‌ای را به بشریت نوید می‌دهد. تحقق این مدینه فاضله موکول به ظهور مهدی موعود شد. روایات و اشارات نبوی دقیقاً نشان می‌دهند که تحقق چنین مدینه فاضله‌ای در اوج بلوغ عقلی و تکامل معنوی انسان صورت خواهد گرفت و می‌دانیم که انسان معاصر هنوز دوران جنینی عقل و علم را می‌گذراند. ن.ک: معجم احادیث الامام المهدی ۱/ترسیم مدینه فاضله جهانی: تحقق عدالت و قسط مطلق و نفی مطلق جور و ظلم: احادیث ۲، ۴۴، ۵۱، ۵۳، ۵۹، ۶۶، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۹۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۴۵، ۳۱۹. نفی استثمار، استعمار و استحمار: ۱۳۲. آزادی مطلق اندیشه و عقاید انسانی: ۲۲۵، ۳۶۱. جامعه و نظام سیاسی مبتنی بر نظام شورایی: ۱۳۱، ۱۵۲. محو همه طبقات، گردن‌کشان دهر خودکامگان مسلط جهانی: ۲۳۵، ۳۴۹. مهر و محبت جهانی: ۳۱۶. تقسیم عادلانه ثروت: ۵۳، ۹۱، ۹۸، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۸، ۲۰۳، ۲۳۲، ۲۳۵، ۳۰۳. احیای اسلام به



نه تنها یک مرام عقیدتی اساسی گردیده، بلکه تمام ساختار معنوی و تکیه گاه‌های مذهب امامیه بر آن بنا نهاده شده است»^(۲).

عقیده مهدویت دوازدهمین امام شیعه، موضوع تحقیق دو اثر جدید شده است. هر کدام از این دو اثر می‌کوشند تا در پرتو اساسی‌ترین مبانی عقیدتی امامیه، اعتقاد به مهدی را بیشتر روشن سازند. نخستین اثر مورد بحث، کتاب جاسم حسین زیر عنوان غیبت امام دوازدهم شیعه می‌باشد.^(۳) تحلیل جاسم حسین که مبتنی بر عقیده مهدویت دوازدهمین امام شیعه است، می‌تواند نقطه مقابل نظریه عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا در رساله دکترای او زیر عنوان عقیده مهدویت در تشیع امامیه باشد.^(۴) دیدگاه‌های جاسم حسین و ساشادینا هر دو مهم هستند، زیرا مبتنی بر ریشه‌یابی بنیان‌های عقیده شیعه امامیه به مهدی است. همین طور آنها به تشریح حوادث تاریخی که پس از مرگ یازدهمین امام تشیع امامیه، حسن عسکری در سال ۲۶۱/۸۴۷ روی داد پرداخته‌اند.

مادر بررسی و تحلیل خود از این دو اثر یاد شده، ابتدا در بخش نخست این



عنوان عقیدت جامع انسانی: ۲۳۵، ۳۰۳، ۳۲۲. نفی همه پیرایه‌های کلامی - فقهی - تاریخی از ساحت اسلام: ۷۵، ۸۴، ۹۸، ۱۰۲، ۱۳۹، ۱۴۳، ۳۰۲، ۳۰۹. در این مدینه فاضله جهانی، جغرافیای طبیعی - انسانی - تاریخی زمین دگرگون خواهد شد. آگاهی و آزادی و عدالت اجتماعی به اوج خواهد رسید. انسان بر گستره‌ای از حیات سبز، غرقه در همه مواهب، تحقق همه آرمان‌های متعالی بشر از آغاز تا انجام، وجدان بیدار انسان به خطاهای گذشته اعتراف خواهد کرد: ۱۴۲. نمایشی شگفت و نمادین از آزادی و امنیت ایده‌آل بشری: ۱۳۹، ۳۶۱ یعنی محو تضادهای مصنوعی سازش‌ناپذیر، ایجاد تفاهم و دوستی و محبت انسانی در سراسر جهان. به امید آن روز.



تحقیق به بررسی کار جاسم حسین خواهیم پرداخت. مخصوصاً به برداشت تاریخی او در مورد عقیده مهدویت و منابعی که مؤلف در تحقیق خود به آنها استناد جسته است، برخورد خواهیم داشت.

در بخش دوم نظریه‌ساشادینا مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. شیوه ریشه‌یابی و پی‌جویی او در مورد حرکت انقلابی عقیده به مهدویت در مقاطع مختلف تاریخ، محور کار ما خواهد بود.^۱

۱- آن‌گونه که خواهد آمد، آقای دکتر ساشادینا نشان داده که ایده مهدویت در تشیع امامیه را به درستی نفهمیده است. او بیشتر به دنبال بهانه است تا تئوری ذهنی خود را که برداشتی تحریف شده از فلسفه سیاسی شیعه است مستند سازد. اشکال کار ساشادینا در چند اصل مهم است:

الف- او به عنوان یک محقق نتوانسته در فضای دوره حضور و شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر تشیع قرار گیرد، در نبرد عقاید شرکت نکرده و از فاصله دور با نگاهی غیر مسلح به حوادث نگریسته است.

ب- او از ابزار تحقیق و شرایط لازم علمی تحقیق برخوردار نبوده و لذا در دام تبلیغات خلافت و شایعات فرقه‌های منشعب شیعی افتاده است.

ج- او به عنوان یک شیعی مذهب روح تاریخی و سرشت عقیدتی تشیع امامیه دوره حضور را درک نکرده است؛ بدآموزی‌های او از فلسفه تاریخ مخصوصاً فلسفه انتظار و مهدویت در تشیع امامیه، او را به سفسطه کشانده است.

د- و خلاصه این که: تز او حرف تازه و کشف جدیدی نیست، دیدگاه فرقه‌های واقفیه شیعه است که در دوره حضور و پس از آن حضور داشته‌اند.

آقای دکتر جاسم حسین نیز به دلیل بینش قالبی و نگاه فورمالیستی به تاریخ اسلام و تشیع و عدم درک بحران‌های سیاسی - عقیدتی شیعه امامیه قرن اول تا سوم هجری، به کلی‌گویی و



بخش سوم کوششی است در جهت مقایسه و ارزیابی دیدگاه‌های این دو دانشمند مسلمان پیرامون موضوعات برجسته مسئله مهدویت.

نتیجه‌گیری تحلیل‌گونه از مؤلف است که ما را قادر خواهد ساخت تا به یافتن و کشف صحت و سقم نتیجه‌گیری و دریافت مؤلفان پیرامون این موضوع نایل شویم. البته بدیهی است که فرق گذاشتن میان نتیجه‌گیری‌های نادرست و عقاید شخصی مؤلفان این دو اثر و سلب مسئولیت از خود بر عهده خودشان می‌باشد.

لازم به تذکر است که این پژوهش می‌کوشد تا از همان آغاز عقیده مهدویت در تشیع امامیه را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین بخش‌های یاد شده پیشین صرفاً در چهارچوب همین مسئله ترتیب یافته و به عنوان مثال از پرداختن به مباحث بس طولانی مربوط به وکلای امام دوازدهم که در کتاب جاسم حسین مورد بحث قرار گرفته یا استدلال‌ات کلامی که بر اساس اصول امامیه در کتاب ساشادینا آمده است، خودداری کرده‌ام.

بعد مهم هر تحقیق تاریخی مستلزم ارزیابی نقدآلود منابع عمده آن تحقیق است. بنابراین ضروری است تا به بررسی منابع اصلی عقیده مهدویت دوازدهمین امام در تشیع امامیه پردازیم.

این منابع اصلی از این بابت بس مهمند که مورد استفاده جاسم حسین و ساشادینا قرار گرفته‌اند، و از این رو دائماً در این پژوهش نیز مورد استناد قرار گرفته‌اند.



مبهم‌بافی بسنده کرده است. در پاورقی‌های بعدی به اشتباهات ساشادینا و جاسم حسین خواهیم پرداخت.



تسلسل تاریخی طبقه‌بندی منابع اصلی تشیع امامیه در مورد مهدویت دوازدهمین امام شیعه

منابع اولیه در بررسی عقیده تکامل‌یابنده به امام غایب در تشیع امامیه، نتیجه تلاش علمای امامیه است؛ محصول تلاش آن بخش از علمای شیعه که در ابتدای سده نخست غیبت تامه امام (که از سال ۳۳۰/۹۴۱ شروع شد) می‌زیسته‌اند می‌باشد. در این مقطع از تاریخ بنا بر عقیده شیعه امامیه، ارتباط میان امام دوازدهم و نمایندگان [وکلا، نواب] قطع شد. در نتیجه علمای امامیه به عقیده امام غایب روی آوردند و به توجیه غیبت طولانی امام پرداختند. توضیحات ارائه شده توسط این بخش از علمای امامیه به عنوان متون توجیهی - استدلالی و شرح حال آن امام، اغلب مورد توجه مورخان جدید قرار گرفته است. منابعی که به هر حال اغلب با تحقیر مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت.

باری به هر جهت؛ اینها منابعی هستند که برای درک قانونمند شرح حال و روشن ساختن عقیده غیبت امام ضروری و قابل توجه‌اند. این منابع به ترتیب اهمیت‌شان به قرار زیر مورد بحث قرار می‌گیرند:^۱

۱- حسن بن موسی نوبختی (وفات ۳۱۰/۹۲۲) [مؤلف کتاب فرق‌الشیعه].

۱- منابع مورد استناد مؤلفان به هیچ وجه معترف جامع اصول و مبانی عقیدتی تشیع اولیه نیست. این منابع بخشی از کوشش علمای امامیه دوره غیبت و قرن‌های سوم تا پنجم هجری، مبنی بر اعلام مواضع جدید و تعدیل رادیکالیزم دوره حضور، در جهت کاستن از فشارهای خلافت غصب و کسب حق حیات و حضور و تلاش گسترده برای به رسمیت شناخته شدن تشیع امامیه از سوی خلافت به عنوان یک مذهب در کنار مذاهب اربعه تسنن می‌باشد. منابع عقیدتی تشیع اولیه مجموعه اصولی بود که بسیاری از آنها در طی دوره حضور دچار حادثه شد و بخشی اندک از آنها به دوره غیبت راه یافت و بعد بایکوت شد. ن.ک: مقدمات مترجم. سرنوشت منابع.



عمده اهمیت نوبختی در این است که کتابش پیرامون فرقه‌های منشعب شیعه در دوران غیبت صغری (۸۷۱-۹۴۱/۲۵۸-۳۳۰) نوشته شده است. کتاب او با ارائه اطلاعات مفصل درباره مواضع فرقه‌های شیعی پس از مرگ امام حسن عسکری، یکی از قدیمی‌ترین متونی است که توضیحات شیعه امامیه را در خود دارد. نوبختی یکی از رهبران کلامی شیعه امامیه بود که اعلام داشت امام حسن عسکری پس از خود فرزندی به جانشینی گذاشته که دوازدهمین امام است. گزارش نوبختی (بنا به توضیحش در الفرق) می‌کوشد تا برتری فرقه دوازده امامی را بر دیگر فرقه‌های شیعه ثابت کند.^۱

۱- ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (۸۶۴-۹۲۲/۲۵۰-۳۱۰) متکلم برجسته شیعه امامیه قرن سوم و چهارم هجری. وی از یک خاندان شریف (پیشینه: زرتشتی - فنودال) ایرانی (خوزستان - اهواز) است. خاندان نوبختی رکنی از ارکان اشرافیت بانفوذ ایرانی دستگاه خلافت عربی اموی - عباسی بوده است. می‌دانیم که اشرافیت ایرانی رهبری سری - علنی معنوی و مادی نهضت مقاومت ملی ایران (شعوبیه) را بر عهده داشته‌اند. مخصوصاً آن دسته از روشن‌فکران ایرانی که عموماً از میان طبقات بانفوذ دوره ساسانی و اشراف و فنودال‌های محلی و منطقه‌ای برخاسته بودند، رهبری مبارزه فرهنگی ایرانیان با اعراب را در حزب شعوبیه بر عهده داشتند. خاندان‌های ایرانی برمکیان، فراتیان، نوبختیان، سهلان و موربانیان هرکدام به ترتیب نقش بسیار مهمی در حوادث سیاسی قرن‌های دوم تا ششم هجری بازی کردند. آنان (مخصوصاً فراتیان و نوبختیان) تشیع امامیه را پایگاه مناسبی در مبارزه با استیلای عربان بر ایران و وارد آوردن فشار بر خلافت عربی یافتند. و بدین سان بود که تشیع امامیه به مثابه اهرم فشار در دست سران بانفوذ اشرافیت ایرانی دستگاه خلافت درآمد. اسنادی در دست است که خاندان‌های برمکیان و بنو سهل به‌طور مشخص در تعقیب و دستگیری، آزار، شکنجه و قتل امامان شیعه و پارتیزان‌های شیعی دست داشته‌اند.



خاندان‌های فراتیان و نوبختیان سرانجام زمینه حکومت ایرانی - شیعی آل‌بویه را فراهم ساختند.

پیشینه نژادی نوبختیان به خاندان‌های شاهی ایران باستان رسانده شده و البته که این یک ترفند تبلیغاتی شناخته شده‌ای است که شعوبه طراح آن بود. به هر حال پیشینه سیاسی خاندان نوبختی به دوران اقتدار امویان می‌رسد. نوبخت نیای این خاندان، منجم و مترجم خالد بن یزید بن معاویه بوده است. او منجم و طالع بین منصور عباسی در قبل و بعد از قدرت نیز بوده است. پیشینه اسلامی این خاندان به اواسط خلافت منصور می‌رسد. نوبخت و زنش زوین برای خلافت عباسی مفید واقع شدند. نوبخت بیش از صد سال عمر کرد. پسرش سهل جای پدر را گرفت و هشتاد سال زیست. هفت خلیفه را دید و در سال ۲۰۲ هجری به هنگام خلافت مأمون درگذشت. او چند فرزند برجای گذاشت. اسماعیل بن ابی سهل نوبخت، حسن بن محمد بن عباس بن اسماعیل بن ابی سهل، ابوالحسن موسی بن حسن و ابو محمد حسن بن موسی از چهره‌های برجسته این خاندان به شمار می‌روند و هر کدام از روشن‌فکران بزمی و ممتازی به حساب می‌آیند که در عرصه فکر فرهنگ و سیاست سده‌های یاد شده دست داشتند. بدون شک نگاه کلامی این خاندان، نگاه معتزلی است. مکتب تعقل‌گرای معتزله که با مایه‌های کلام ایرانی همراه بود، از سال ۶۵ هجری به بعد انقلابی را علیه مکتب جبری که محصول کودتای سقیفه و رژیم اموی بود آغاز کرد. همین نهضت بود که پشتوانه کلامی قیام بزرگ ضد اموی گردید و سرانجام در پی اقتدار عباسیان به یک عقیدت دولتی قشری تبدیل شد و در خدمت خلافت عباسیان درآمد. نهضت فکری معتزله به تقویت اندیشه و روحیه ناسیونالیستی ایرانیان و بازگشت به فرهنگ باستانی کمک کرد.





→

حسن بن موسی نوبختی چهره‌ای است که در اواسط نیمه دوم سده سوم هجری به امامیه پیوست، اما دیدگاه کلامی - معتزلی او بر کسی پوشیده نیست. تلقی او از امامت دقیقاً صبغه معتزلی دارد. همین نگاه معتزلی باعث شده تا برخی علمای امامیه دوره‌های متاخر کتاب فرق‌الشیعه را تالیف او ندانند. در تاریکی‌های عقیدتی دوره حضور و اوج بحران‌های پی‌درپی عقیدتی این دوره مخصوصاً عصر امام صادق، گرایش‌های معتزلی در میان ایرانیان شیعی بسیار رایج بود، و از طرفی مرزبندی‌های ظریف عقیدتی بین تلقی کلامی معتزله از امامت و دیدگاه شیعی امامت وجود نداشت. در نگاه کلام معتزلی، امامت در یک کادر منصوص مشخص قرار نداشت. اجماع و انتخاب مترقی‌ترین تز و عامیانه‌پسندترین شعاری بود که در آن مقطع حساس تاریخی می‌توانست توده‌ها را با عقاید کلامی و آرای سیاسی مختلف به خود جلب کند. در طی دوره تکوین انقلاب ضد اموی، شعار معروف «الرّضا من آل محمّد» فریبنده‌ترین و مغلطه‌آمیزترین شعاری بود که به وحدت گروه‌های درگیر با رژیم اموی انجامید. در تلقی کلامی معتزله می‌توانست عقاید ساخته تشکیلات باشد، بنابراین نه تنها مرزبندی عقیدتی وجود نداشت، بلکه ضرورت مصونیت عقیده و راهبر عقیدتی که در تشیع امامیه مورد تاکید و توجه بود احساس نمی‌شد.

حسن بن موسی نوبختی با چنین نگاهی به تالیف کتاب فرق‌الشیعه پرداخته است و طبعاً در صدد آن نبوده تا دیدگاه مستند اعتقادی شیعه در مورد امامت عموماً و در مورد امامت مهدویت و غیبت دوازدهمین امام را خصوصاً پی‌جویی علمی - روایی - کلامی کند. زندگی نوبختی نشان می‌دهد که او به عنوان یک عالم روشن فکر شیعی ابداً دغدغه عقیدتی نداشته است. بنابراین کتاب او نمی‌تواند منبع مورد ارجاع در عقاید مسلم امامیه باشد. کتاب او یک متن ناقص تاریخی است که مبنای علمی - کلامی ندارد (خواننده این تاکید را به یاد داشته

←



باشد، چرا که مؤلفان می‌خواهند متن نوبختی را یک متن کلامی جا بزنند و همه عقاید شیعه امامیه را از داخل این متن در آورند). او و اسماعیل بن اسحاق نوبختی مؤلف کتاب کلامی یاقوت بین اندیشه کلامی معتزله و امامیه نزدیکی‌هایی برقرار کردند. نسل نخست محدثان شیعه دوره غیبت صغری که تا حدودی ضرورت تکیه بر بنیان‌های عقیدتی شیعه امامیه را در مسئله امامت دریافتند، به شدت با نگاه معتزلی آن به مخالفت پرداختند. منابع شرح حال: امین فهرست جامعی از چهره‌های کلامی و برجسته خاندان نوبختی ارائه کرده است:

Amine; Islamic shiite Encyclopedia. vol.1.pp.71-77.

حسن بن موسی نوبختی در منابع رجال شیعی: طوسی/الفهرست ۹۸-۹۹. + نجاشی/رجال ۲۶۹. + ابن ندیم/الفهرست ۱۷۷، ۲۷۴. + نوبختی/الفرق. مقدمه محقق. چاپ نجف. ۱۳۵۵ ق. + آشتیانی/خاندان نوبختی. مقدمه ۱-۱۶۶ نقش سیاسی نوبختیان. ن. ک: به فرانسه: [به فارسی: ماسینیون/مصائب حلاج]. Paris. L.Massignion; Passion de Hallaj. 1960. + کلام معتزلی و امامی. ن. ک: مقاله مادلونگ به انگلیسی در مجموعه شیعه در حدیث دیگران. چاپ دکتر محقق. تهران. ۱۳۶۶. + هنری کربن/تاریخ فلسفه اسلامی ۱۴۱/۱ به بعد. + جناح شیعی - شعوبی امامیه. ن. ک: از مترجم: شعوبیه؛ ناسیونالیسم ایرانی (معارف اسلامی. تهران. ۱۳۷۶). بررسی روایات شعوبیه در منابع شیعه امامیه. مترجم در این پژوهش ابعاد نفوذ شعوبیه را نشان داده است و تلاش جناح خاصی از شیعیان شعوبیه را که می‌کوشیدند یک تشیع ملایم ایرانی خلق کنند و موفق نیز شدند ترسیم کرده است. یکی از این مبناهای شیعی - شعوبی خلق افسانه ازدواج امام حسین با دختر موهوم یزدگرد سوم است. متأسفانه شعوبیه موفق شده است تا این افسانه را در منابع امامیه [کلینی/الکافی. + مفید/المقنعه ۷۳. + نوبختی/الفرق. + مفید/الارشاد ۱۳۷/۲ و...] جا دهد. مشایخ اولیه شیعه





۲. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (وفات ۳۳۰/۹۴۱) [مؤلف الکافی]. کلینی محدث شیعی امامی، چهره کاملاً شناخته شده‌ای است. او در سال‌های آخر زندگی‌اش رهبری شیعه امامیه را در ری بر عهده داشت. مهم‌ترین آموزه‌های او در مجموعه آثار اولیه‌اش، احادیث شیعه امامیه موسوم به الکافی فی علم الدین گرد آمده است. کتاب روایی موجز کلینی که تقریباً مشتمل بر ۱۶۲۰۰ حدیث است، بر موضوعاتی ترتیب یافته که مبین عقاید رسمی شیعه امامیه و حل حوادث مستحدثه و مسایل فقهی مورد نیاز جامعه شیعی است. کتاب کلینی در طی بیست سال و پس از این که او برای انتشار احادیث شیعه به بغداد مهاجرت کرد تألیف شد. نقش بس مهم کلینی در قلمرو عقاید شیعی به همان اندازه اهمیت دارد که نقش بخاری (متولد ۸۷۰ م) در قلمرو عقاید سنیان. کتاب الکافی پشتوانه بس بزرگ علمای شیعی دوره‌های بعد در رابطه با پالایش، طبقه‌بندی و نظام بخشیدن به احادیث شیعه است. و بدین سان است که کتاب الکافی در ردیف یکی از چهار کتاب رسمی [کتب اربعه] شیعه امامیه قرار گرفته است.^۱

→

امامیه دوره غیبت این افسانه را پذیرفته‌اند و در کتب خود آورده‌اند و یا که بعدها جاسازی شده است!

۱- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۳۲۲/۹۴۱) محدث برجسته شیعی آغاز دوره غیبت می‌باشد. پیشینه کار او می‌تواند ادامه کار دوره حضور تلقی شود، اما به لحاظ شکل و محتوی فصل جدیدی است که با غیبت امام آغاز شد. قبل از پرداختن به کار کلینی لازم است بدانیم در دوره حضور امامان، آموزش عقیدتی شیعیان و حل حوادث مستحدثه در جامعه شیعی با احادیثی بود که از امامان صادر می‌شد و به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به

←



سمع شیعیان می‌رسید. اصحاب امامان دقیقاً به سه تیپ مشخص تقسیم می‌شدند:

الف- جناح رادیکال که رابطه بسیار پیچیده و سری - تشکیلاتی با امامان داشتند.

ب- جناح علمی که بیشتر در جستجوی پاسخ به سئوالات و مشکلات فقهی - کلامی و... بودند.

ج- جناح عوام شیعه که معمولاً پرسش‌هایی کاسب‌کارانه و مقطعی و موضعی - منطقه‌ای داشتند.

این سه جناح هرکدام به سهم خود در نقل احادیث و ثبت و ضبط آنها می‌کوشیدند. افراد صاحب صلاحیت از این سه جناح هرکدام از خود مجموعه‌هایی روایی برجای گذاشتند که به اصل و اصول شناخته شده است. صدور احادیث از امامان به دلیل خفقان مطلق سیاسی و جو حاد پلیسی اطراف امامان ابدأ به راحتی ممکن نبود. برخلاف پندار معمول و تصور رایج، امامان هیچ‌گاه دیدار آزاد و عام نداشته‌اند. تماس با آنان حتی برای عوام عادی شیعه خالی از دردسر نبوده است [ن.ک: نوبختی/الفرق ۱۰۳]. وجود عناصر جاسوس رژیم خلافت در میان شیعیان، کار آموزش را بسیار سخت و پیچیده می‌نمود. وجود فرقه‌های منشعب شیعی با دیدگاه‌های کلامی خاص، مشکل بزرگ دیگری در انتقال احادیث بود. رهبران و عوامل این فرقه‌ها با اهداف کلامی و انگیزه‌های سیاسی به امامان نزدیک می‌شدند و احادیثی را در زمینه‌های مختلف به آنان نسبت می‌دادند. آنان سعی داشتند تا رهنمودها و اصول کلی راهنمای امامان مبنی بر تبیین خط امامت و ادامه و سرانجام آن را تحریف و به نفع خود تاویل نمایند. مشکل فاجعه‌آفرین دیگر مسئله جعل و وضع احادیث بود که پیشینه آن به دوره حیات پیامبر اسلام می‌رسد، تا آنجا که آن حضرت صریحاً به مسلمانان هشدار داد. کودتای سیاسی سقیفه که با پشتوانه احادیثی جعلی موجودیت خود را





→

اثبات کرد، آغازگر خط جعل بود. جعل احادیث در طی دوره رژیم اموی به اوج خود رسید و فرقه‌ها و گروه‌های سیاسی - کلامی - فقهی و... به سهم خود در جعل احادیث کوشیدند. جعل حدیث انگیزه‌های سیاسی - اقتصادی - فرقه‌ای - قومی - نژادی گوناگون داشت که با توجه به قداست و اعتبار اعتقادی حدیث در باور عامه مسلمانان به صورت یک فن و تخصص ویژه درآمد. در دوره حضور امامان، مسئله جعل مشکلات بسیاری به وجود آورده بود. احادیث صادره از امامان در تمامی زمینه‌ها دارای رمز و راز ویژه‌ای بود که به الفاظ و اصطلاحات تقیه شناخته می‌شود. آنان در روابط تشکیلاتی خود با کادرها و پارتیزان‌های شیعه از رمزهای خاصی استفاده می‌کردند. رژیم خلافت بارها با جعل نامه‌ها و روایاتی از امامان سعی داشت در تشکیلات و روابط سری امامان نفوذ کند. رهنمودها و پیام‌های امامان به کادرها در میان اشیاء و ابزارهای خاص جاسازی می‌شد.

فرقه‌های شیعی منشعب دوره حضور در سبزه با یکدیگر به جعل احادیثی منسوب به امامان اقدام می‌کردند. جااعلان حدیث در سندسازی مهارت ویژه‌ای داشتند و احادیث جعلی را با سلسله اسناد موجهی ارائه می‌کردند که تشخیص آنها به راستی دشوار است. برخی از شیعیان دگم و متعصب مخالفان فکری‌شان را تکفیر و متهم به انواع اتهامات می‌ساختند. بسیاری از چهره‌های رادیکال دوره حضور توسط محافظه‌کاران و قشریون متهم و بایکوت می‌شدند. قشریون شیعی به جعل احادیثی منسوب به امامان علیه مخالفان فکری خود اقدام می‌کردند. مشکل بزرگتر مسئله غلو بود. جریان غلوگرایی شیعه پایه‌های دوره حضور امامان حضور داشت. جریان غلو در تشیع خاستگاه عقیدتی - سیاسی دارد:

الف: خاستگاه عقیدتی غلو مربوط به آن بخش از شیعیانی است که از درک اقوال و افعال امامان و تحلیل شخصیت علمی - انسانی آنان عاجز بودند و در نتیجه به غلو در شخصیت،

←



→

علم و آگاهی امامان می‌پرداختند. این جریان از دوره حضور امام علی بن ابی طالب علیه السلام آغاز شد. رژیم‌های خلافت در تحریف شخصیت امامان از این جریان بهره‌برداری بسیاری کردند. جریان غلو، احادیث بسیاری جعل کرد.

ب: خاستگاه سیاسی جریان غلو مربوط به بخشی از جناح رادیکال شیعه است که خود دارای ابعاد مختلفی است:

۱- گروهی از این جناح در پی شکست‌های سیاسی - نظامی و توجیه آن به تحلیل‌های متافیزیکی شگفتی می‌پرداختند که به صورت احادیث منسوب به امامان جلوه می‌کرد. این جناح در تحلیل مواضع سیاسی امامان در قبال رژیم‌های خلافت احادیثی می‌ساختند.

۲- گروه دیگری از این جناح که به دلایل مختلفی به اعتزال سیاسی روی می‌آوردند و یا در مواردی از یاری امامان خودداری و کوتاهی کرده بودند، اندکی بعد دچار فشار وجدان و دغدغه‌های عقیدتی می‌شدند و برای تبرئه خویش به تحلیل‌های شگفت غلوآمیزی می‌پرداختند و در قالب اخبار و روایات و احادیث، در میان نسل معترض شیعه منتشر می‌کردند.

۳- گروه دیگری از این جناح که در ابعاد سیاسی - نظامی - فرهنگی فعال بودند، در مقابل تبلیغات منفی و تند و بی‌وقفه رژیم‌های خلافت علیه امامان، احادیثی منسوب به پیامبر اسلام در فضایل و مناقب، مودت و دوستی اهل بیت منتشر می‌کردند. این گروه به دلیل وجود رهنمودهای وحی و دستورالعمل‌های اصیلی از سوی پیامبر مبنی بر پیروی از امامان، کار خود را به لحاظ اخلاقی - عقیدتی موجه می‌دانستند و لذا برای جلب توجه هرچه بیشتر توده‌ها به امامان، در انتشار احادیث غلوآمیز بسیار فعال بودند. اوج فعالیت این گروه هنگامی است که نهضت بزرگ ضد اموی در حال شکل گرفتن بود [برای دریافت پیشینه

←



→

جعل و مواضع امامان در قبال آن ن. ک: نهج البلاغه. خ ۲۱۰. + رهنمودها و درددل‌های امام باقر از جریان جعل. ن. ک: سلیم بن قیس / اصل سلیم ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱].

۴- نهضت مقاومت ملی ایران (شعوبیه) که جناحی از آن در پناه تشیع امامیه سنگر گرفته بود و محدثان و متکلمان و فقیهان و ادیبان بسیاری داشت. آنان نیز به سهم خود در دعوت توده‌ها به اهل بیت پیامبر بسیار فعال بودند. شعوبیان شیعی می‌کوشیدند تا ضمن پیروزی سیاسی بر قوم غالب (اعراب حاکم) به پیروزی مطلق فرهنگی دست یابند و در قالب‌های شیعی، عقیدت ایرانی بسازند که علاوه بر حفظ میراث‌های باستانی، پشتوانه استقلال ملی ایران باشد. شعوبیان شیعی بیش از هر گروه دیگری به جعل حدیث پرداختند و در فقه، تاریخ، کتب روایی و... جاسازی کردند [ن. ک: از مترجم: شعوبیه؛ پیشین].

برخی از سنیان معترض، آگاه و مخالف رژیم‌های اموی و عباسی در چنین اقداماتی فعال بودند.

امامان در طی دوره حضور از جریان جعل و غلو و ابعاد آن کاملاً آگاه بودند و مرتب به شیعیان هشدار می‌دادند و با شدت هرچه تمام، بیزاری و نفرت قلبی خویش را از جریان غلوگرایی شیعه، مکرر ابراز می‌داشتند و بالعن و نفرین از غالیان یاد می‌کردند [ن. ک: سلیم ۱۰۷-۱۱۸. + اسد حیدر / الامام الصادق و المذاهب الاربعه]. جریان غلو از پردردسرتترین مشکلاتی بود که امامان در طی حیات و حضور خود با آن مواجه بودند [برای دریافت پیشینه جعل و غلو و ابعاد سیاسی - عقیدتی آن از سوی رژیم‌های خلافت و فرقه‌ها و گروه‌های شیعه ن. ک: امینی / الغدیر جلد‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ + سید مرتضی عسکری / عوامل تحریف جلد‌های ۱-۵. + یکصد و پنجاه صحابی ساختگی. + سلیم بن قیس / اصل سلیم ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱. + عسکری / سیف بن عمر. + شرف الدین موسوی / ابوهریره. + از

←



مترجم: روش شناخت سنت و تاریخ اسلام ۱۵۹-۲۰۳. و در رابطه با شیعه و شعوبیه ن. کک:
نمونه‌ای شگفت از غلو و جعل با محتوای کاملاً خرافی - اساطیری، یونانی - رومی و هندی -
ایرانی: کتاب الهفت‌الشریف، من فضائل مولانا جعفر الصادق عليه السلام رواه المفضل بن
عمر الجعفی. تحقیق مصطفی غالب، دارالاندلس بیروت. ۱۹۶۴ م. محتوای این کتاب
معجونی است از غلو عقیدتی - سیاسی - قومی - نژادی در ابعاد مختلف که با مایه‌های
اساطیری اقوام و ملل مختلف همراه است. این کتاب شامل نمونه‌هایی از ابعاد جعل و غلو
در طی دوره حضور امامان از آغاز تا غیبت امام عليه السلام است. جعل و غلو، خود را در دیگر
منابع عمومی شیعه نشان می‌دهد. + فرقه‌های غالبان شیعی. ن. کک: نوبختی/فرق‌الشیعه. +
اشعری/مقالات الفرق].

مشکل بسیار دردناک‌تر تحریف و تاویل اصول راهنما و رهنمودهای اصیل و تاریخی پیامبر
و امامان عليهم السلام بود: فرقه‌های منشعب رادیکال شیعی (زیدیه و اسماعیلیه و فرقه‌های واقفیه
عموماً) آن بخش از اصول و رهنمودهای پیامبر و امامان پیرامون آخرین امام را به نفع خود
تحریف و تاویل می‌کردند [ن. کک: سلیم/مقدمه. + نجاشی/رجال ۳۰۸. + معجم الاحادیث
۱۶۹/۱-۱۹۷. + تحریف و تاویل اصول راهنما از سوی اسماعیلیه: ابویعقوب سجستانی/
کشف‌المحجوب. چاپ هنری کربن. ص ۸۱-۸۳]. اهمیت عقیدتی - سیاسی این موضوع در
حدی است که رژیم عباسیان از آن سود برد و سپس به تحریف آن پرداخت. بنابراین
جریان حدیث در دوره حضور با چنین مشکلات و سرنوشتی روبرو بود. در دوره غیبت،
سرنوشت عقیدتی شیعیان امامیه با جریان حدیث ادامه یافت. آموزش‌های امامان در
چهارچوب اخبار و احادیث قطعی‌الصدور و عاری از هرگونه تحریف، منطقی‌ترین و
مقبول‌ترین خطی بود که می‌توانست رهبری عقیدتی شیعیان را به دست گیرد و به ارائه





→

اصول راهنما و زمان شمول امامان پردازد، چه آنان در دوره حضور مکرر توصیه می‌کردند که: «و علينا القاء الاصول و عليكم بالتفریع». بنابراین این خط چه برای آن بخش از شیعیانی که تشیع را به مثابه یک عقیده معترض با فلسفه سیاسی مشخص می‌دانستند و چه برای آن دسته از جناحی که به اعتزال سیاسی روی آورده و با نگاهی معنوی به تشیع امامیه می‌نگریستند قابل قبول بود، زیرا هر دو جناح در استدلال بر مواضع و عقاید خویش به احادیث روی می‌آوردند.

کلینی در ادامه کار محدثان دوره حضور از میان انبوه احادیث شیعی، دست به تالیف کتاب الکافی زده است. تالیف اصول الکافی آن گونه که از اسم و محتوایش پیداست بخشی از اعلام مواضع جدید عقیدتی شیعه است که انجام آن از چند جهت ضروری به نظر می‌رسید: ۱- پاسخ به سئوالات حاصله از بحران‌های عقیدتی مقطع پایانی پراضطراب دوره حضور. ۲- تعدیل رادیکالیسم دوره حضور که ادامه آن می‌توانست حق حیات را از شیعه سلب کند. ۳- نگرانی شدید محدثان از تنش‌های عقلی - کلامی - فلسفی آن مقطع که شبهات عقیدتی بسیاری برانگیخته بود.

شیوه کار کلینی سرآغاز فصل نوینی در بستر تدوین حدیث گردید و کتاب او توانست به رسمیت بخشیدن تشیع کمک کند و مذهب شیعه را در اذهان عامه از صورت یک مذهب معترض و سازش‌ناپذیر به یک مذهب معقول، منطقی و واقع‌گرا در کنار مذاهب اربعه تسنن معرفی نماید. و به همین منظور تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای به عمل آمد تا اعلام مواضع جدید که کلینی آغازگر آن بود، در میان شیعیان جا باز کند و لذا شایع شد که امام دوازدهم (که در غیبت صغری به سر می‌برد) این کتاب را امضا فرموده و گفته است که همین مواضع شیعیان ما را کفایت می‌کند [= الکافی کافٍ لشیعتنا. ر. ک: الکافی. مقدمه]. این شایعه بعدها در میان

←



عوام و خواص شیعه تأثیر بسزایی داشت. پس از اقتدار شیعه در عصر آل بویه، قداست بخشیدن مطلق به این کتاب افزایش یافت، اما در عین حال هر از چندگاه ابهاماتی را برمی‌انگیخت [ن.ک: مرتضی‌الرساله ج ۲/۲۸۲].

کلینی محدثی است بسط‌گرا، او کتابش را با مشخصه اساسی اسلام امامت آغاز می‌کند یعنی عقل و علم و ضد آن جهل و جور. و این نشان‌دهنده خط سیر جریان حدیث دوره حضور امامان است. جهت‌گیری و مشخصه‌ای که پس از دوره حضور امامان به تدریج به قشری‌گرایی و قبض‌اندیشی معتبدانه‌ای تبدیل شد و بر حوزه‌های علمی شیعه امامیه حاکمیت تام یافت. تکیه کلی کلینی در تالیف الکافی بر آن دسته از احادیثی است که عموماً توسط جناح علمی و عامیانه شیعه دوره حضور نقل شده است، هرچند که در موارد اساسی و ضروری به روایات اصولی‌ترین جناح اصیل اصحاب امامان شیعه دوره حضور نیز استناد کرده است [ن.ک: مشایخ کلینی در حدیث، سلیم بن قیس، ابن ابی عمیر و چهره‌هایی از این قبیل]. و با توجه به قداست و اعتبار حدیث و عدم احساس ضرورت و نیاز آن زمان، روش کلینی در شناخت احادیث بسیار محدود بوده است و حتی می‌توان گفت که او روشی در شناخت روایات (سند و متن) نداشته است. او کتابش را در ری تالیف کرده و بر صحت روایات کتابش شهادت داده است. الکافی مبین طرز تفکر مذهبی و جهان‌بینی محدثان مکتب ری و قم اواخر دوره حضور و مخصوصاً دوران غیبت صغری است و انتشار کتاب در بغداد به مثابه اعلام مواضع شیعه امامیه می‌باشد. کلینی در تدوین الکافی به پیش‌عقیدتی و تلقی خود از تشیع و ذائقه شخصی خود توجه داشته است.

کتاب اصول الکافی در ادوار غلبه جریان نیرومند اصحاب الحدیث [= بعدها: اخباریون] خدشه‌ناپذیر می‌نمود. با ظهور جریان نقاد و اصول‌گرای شیعه در اواسط قرن چهارم هجری





۳- محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (وفات ۳۶۰/۹۷۰) [مؤلف کتاب الغیبة]. وقتی شاگرد کلینی بود از شهر زادگاهش نعمانیه به بغداد رفت. او کتابی موسوم به کتاب الغیبة نوشت. او در این کتاب می‌کوشد تا از نظریه غیبت دوازدهمین امام با ارائه احادیثی از قول پیامبر اسلام و دیگر امامان شیعه دفاع کند. کتاب نعمانی از این بابت نیز مهم است که او نخستین عالمی بود که به تفسیر دو غیبت امام پرداخت که از آن پس به عنوان شرح شیعی بس مشخص این دو حادثه به شمار می‌رفت. امام دوازدهم در طول غیبت صغرایش که تا سال ۳۳۰/۹۴۱^(۵) ادامه داشت، به طور مستقیم با نمایندگانش در تماس بود. با مرگ چهارمین وکیل در این سال، غیبت کبری آغاز شد که بنا بر آن دیگر دسترسی به امام دوازدهم ممکن نبود. دلیل اصرار او بر نقل این گونه احادیث، روش توجیهی - تدافعی نعمانی در توجیه غیبت کبری است که می‌توان او را راهنمای

→

(و ادامه آن در اعصار بعد تا به امروز)، اعتبار و صحت مطلق احادیث الکافی زیر سؤال و به تدریج مورد نقادی متن و سند قرار گرفت. در عین حال این نقادی‌ها بسیار محتاطانه بوده و می‌باشد.

بنابراین کتاب اصول الکافی نمی‌تواند معرّف جامع و مانع عقاید اولیه تشیع امامیه باشد و یا دربر دارنده همه رهنمودها و اصولی که کادر منصوص امامت را مشخصاً معرفی کرده است. دستاویز قرار دادن اصول الکافی از سوی مؤلفان تلاش مذبحخانه‌ای است. مؤلفان سعی دارند تا مجموعه عقاید شیعه را در منابع رسمی دوره غیبت خلاصه کنند و در نتیجه نارسایی‌های آن را به حساب مذهب تشیع بگذارند. منابع شرح حال کلینی: طوسی/رجال ۴۹۵. + طوسی/الفهرست ۱۶۱. + نجاشی/رجال ۲۶۶. + نوری/مستدرک ۶۶۶/۳. + حلی/رجال ۷۱. + کلینی/الکافی ۱/مقدمه.



حدیث نامید.^۱

۱- محمد بن ابراهیم بن جعفر ابو عبدالله الکاتب النعمانی، معروف به ابن ابی زینب در ادامه نسل نخست محدثان صالح و اصول‌گرای شیعی آغاز دوره غیبت، شاگرد برجسته کلینی است. او تمام خصوصیات علمی - عقیدتی کلینی را دارا است با این تفاوت اساسی که نسبت به سرنوشت عقیدتی شیعه امامیه مسئولیت بیشتر و جدی‌تری احساس می‌کند. نعمانی به جناح صالح و منطقی رادیکال شیعه امامیه بسیار نزدیک است. درگیری عقیدتی او در موضوع امامت با فرقه اسماعیلیه، دلیل روشنی بر درستی راه و خط فکری او است. نعمانی تنها محدثی است که با وجود بحران شدید سیاسی - عقیدتی دوره پایانی عصر حضور، خود را نباخت و با شهادت تمام به مصادر عقیدتی اولیه شیعه امامیه که بایگانی و بایکوت شده بود مراجعه کرد و به تبیین اصل امامت و تبیین کادر منصوص آن پرداخت. چنین اقدامی جسورانه با توجه به خانه‌تکانی شیعه امامیه پس از دوره حضور و اعلام مواضع جدید، سخت تحسین‌انگیز می‌نماید. او با تکیه بر نخستین اثر و اساسی‌ترین و خطرناک‌ترین اصل عقیدتی شیعه امامیه یعنی اصل سلیم بن قیس که باید از آن به گزارش سرخ تعبیر کرد، خاطر نشان ساخت که: از آغاز تا انجام، تنها سند و پشتوانه عقیدتی و خط و مشی اسلام امامت اصل سلیم بن قیس است. نعمانی به اتفاق نظر شیعه دوره حضور تا زمان خودش بر این حقیقت تصریح می‌کند. او با تکیه بر همین سند خدشه‌ناپذیر و تاریخی در آن بحران هولناک عقاید و هیاهوی فرقه‌ها و تبلیغات خلافت غصب، توانست کادر منصوص امامت را از آغاز تا انجام تبیین کند. جای شگفتی است که در مصادر اولیه رجال شیعی از وی خبری نیست. تنها نجاشی است که در چند سطر از او یاد کرده و وی را ستوده است: «شیخ من اصحابنا، عظیم‌القدر، شریف‌المنزلة، صحیح‌العقیده، کثیر‌الحدیث» [ن.ک: نجاشی/رجال ۲/۲۷۱]. مصادر بعدی رجال شیعی به گفته نجاشی بسنده کرده‌اند [ن.ک: حلی/رجال ۸۹ + خویی/معجم ۲۲۱/۱۴].



۴- محمد بن علی بن بابویه (وفات ۳۸۱/۹۹۱) معروف و مشهور به ابن بابویه. اهمیت ویژه او در شخصیت او است. او یکی از بزرگترین و مشهورترین محدثان شیعه امامیه است. برجسته‌ترین تالیف او کتاب مشهور من لا یحضره الفقیه است.^(۶) ابن بابویه معرّف یک محدث پرشور در دفاع از عقیده امامیه پیرامون غیبت امام دوازدهم بود، آن گونه که در مواقع لزوم یک متکلم پرشور نیز بود. از جمله کتاب‌هایی که توسط او تالیف شده کتاب کمال الدین و تمام النعمه می‌باشد که در پاسخ به سئوالات تعدادی از شیعیان پس از پایان غیبت صغری نوشته است. در این کتاب ابن بابویه همچنین به ابهاماتی که توسط مخالفان امامیه پیرامون برخی مسایل برانگیخته شده بود پاسخ داد و به نقل احادیثی از پیامبر و امامان در جهت توجیه عقیده تشیع امامیه به غیبت امام دوازدهم پرداخت. اطلاعات موجود در کتاب کمال الدین ارزشمند است زیرا ابن بابویه بر منابعی که قبل از سال ۲۶۱/۸۷۴ نوشته شده بود اعتماد کرده



این گمنامی می‌تواند معلول درگیری‌های عقیدتی او و مسافرت‌های پی‌درپی وی باشد. ظاهراً در جوانی و به هنگامی که از نعمانیه به بغداد آمده است، شاگرد کلینی بوده. مصادر روایی او نشان می‌دهند که وی در کوفه نیز به سر برده است. به دلایلی مبهم او بغداد را ترک کرده و به شام رفته است. اما با توجه به فضای حوزه‌های علمی شیعه امامیه آن عصر و بحران‌های حاد عقیدتی - سیاسی و مرزبندی‌های جدید، هجرت نعمانی به شام را می‌توان توجیه کرد. حضور بخشی از جناح رادیکال شیعه امامیه در شامات می‌توانسته است تنهایی نعمانی را در بغداد برطرف کند. کتاب الغیبة او در موضوع امامت، مهدویت و غیبت آخرین امام از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مصادر عقیدتی شیعه به شمار می‌رود که در آن روزگار پراضطراب به صورت یک متن مستند عقیدتی دست به دست می‌گشته است و تسلی‌بخش بوده است. منابع شرح حال: نجاشی/رجال ۲۷۱. + نعمانی/الغیبة. مقدمه.



است. بنابراین ارجاعات روایی کتاب مذکور مکرراً به حسن بن محبوب، فضل بن شاذان، حسن بن سماعه، صفار و حمیری می‌رسد. ابن بابویه همچنین از پدرش حدیث نقل می‌کند. ابن بابویه کسی است که با سومین و چهارمین وکیل امام دوازدهم رابطه داشته است.^(۷)

۱- ابو جعفر محمد بن ابی الحسن علی بن حسین بن موسی القاسمی (۹۲۳-۱۰۰۱/۳۱۱-۳۹۱) معروف به بَابُوئِه [= بَابُوئِه؛ بنا به تحقیق سعید نفیسی ن. ک: دانشنامه ایران و اسلام ۴۳۱/۳. چاپ ۱۳۵۴. تهران]. بعد مشهور به صدوق شد [ن. ک: همان. + مقایسه کنید: مصادر بحار. جلد صفر. ۶۸-۷۵].

صدوق متولد مقیم و تعلیم یافته مکتب محدثان شیعی قم، از یک خانदान سرشناس و ثروتمند ایرانی [ن. ک: دانشنامه. همان] است. او محدثی پرشور بود که حوزه‌های حدیث شیعی در ری، نیشابور، بلخ، بغداد، کوفه، مکه و همدان را درنوردید و از مشایخ مکتب حدیث‌گرایان شیعه کسب فیض کرد. او شاگردان بسیاری داشت و آثاری بسیار آفرید که به سبب اثر می‌رسد. او در دولت شیعی - ایرانی آل‌بویه قدر و منزلتی بس عظیم داشت و از هم‌نشینان آل‌بویه مخصوصاً رکن‌الدوله دیلمی در ری بود.

صدوق نظریه پرداز رسمی شیعه آن عصر در کلام، فقه و حدیث بود. هرچند که او رگه‌هایی از گزارش‌های رادیکال دوره حضور را در آثار خود حفظ کرد، اما در ادامه کار کلینی آغاز دیگری است در روند حدیث‌گرایی دوره نخست عصر غیبت و رسمیت یافتن تشیع امامیه. او سرآغاز و پشتوانه جریان نیرومند مکتب حدیث‌گرایان شیعه است که در ستیز مطلق با منطق تعقلی و نقدگرایی شیعی، بر حوزه‌های علمی و عامیانه شیعه امامیه سایه افکند. سنگینی این سایه به حدی است که مشایخ خط اعتدال مفید و مرتضی با آن درافتادند. نقد دیدگاه‌های کلامی صدوق توسط مفید گواه روشنی بر این ستیز است.

صدوق در طلیعه اقتدار سیاسی خاندان ایرانی - شیعی آل‌بویه مشهور شد و به عنوان مرجع



محمد بن محمد بن نعمان (وفات ۴۱۳/۱۰۲۲) معروف و مشهور به شیخ مفید. او یکی از برجسته‌ترین متکلمان عصر خویش بود هر چند که در آغاز از شاگردان ابن بابویه به شمار می‌رفت، اما بعداً در یکی از آثارش به انتقاد بسیار از استادش پرداخت. سرانجام او رساله تصحیح الاعتقادات را نوشت.^(۸) در منابع امامیه آمده است که شیخ مفید تیزبین و تیزهوش بود و آمادگی آن را داشت تا با استدلال بر دشمنان مذهب امامیه غلبه کند.^(۹) شیخ مفید نیز به خاطر آثار علمی فراوانش مشهور است. او گفته است که بیش از دویست کتاب تألیف کرده است که بسیاری از آنها در ردّ مستدل عقاید ابراز شده علمای مذاهب مخالف

→

رسمی در سراسر قلمرو شیعی مقلدان بسیاری داشت. همه محدثان و علمای شیعی ادوار متاخر، آثار روایی او را «اصح الکتب الحدیثیه و اتقنها» معرفی کرده‌اند. و بدین سان بود که دیدگاه‌های کلامی و خط روایی او در حوزه‌های علمی و عامیانه شیعه امامیه جاودانه شد. صدوق محدثی است که برخلاف اسلاف خود راهی دیگر پیمود. روش نقل احادیث او به لحاظ سند و متن روایی، با کلینی اختلاف بسیار دارد. او به لحاظ خط روایی از جناح سوم حدیث‌گرای اصحاب امامان شیعه اخذ حدیث کرده است. او همه اسناد احادیث را حذف کرده و تنها بر اساس اعتقاد و ظن شخصی خود به انتخاب احادیث پرداخته است. بنابراین دیدگاه‌های کلامی - روایی صدوق معرّف تمامیت عقاید تشیع دوره حضور نیست. نقد تند کلامی مفید از آرای مبتنی بر حدیث صدوق بسیار قابل توجه و تأمل است؛ آرای صدوق تألیفی است ناهماهنگ از فراز و نشیب‌های کلامی دوره حضور در میان تیب عامی و علمی - انقلابی اصحاب امامان [ن.ک: مفید/تصحیح الاعتقاد. چاپ چرندابی. تبریز]. منابع شرح حال: نجاشی/رجال. + طوسی/رجال. + طوسی/الفهرست. + ابن‌ادریس/سرائر ۲۸۴. + منابع رجال شیعی دوره‌های متاخر. + مصادر بحار ۷۵-۸۴. + من لا یحضره الفقیه ۱/مقدمه.



نوشته شده است. آثار شیخ مفید گواه روشنی است بر انتقال تشیع امامیه به قالب‌های جدیدی از استدلالات تدافعی - کلامی عقاید شیعی در ضدیت با اشکال سنتی استدلال محض. این واقعیت توسط ابن ندیم در الفهرست مورد تایید قرار گرفته است: «شیخ مفید سرآمد علم کلام است و به گفته هم‌قطارانش در روشن‌گری سخت زیرک و تیزهوش می‌باشد. من او را به تازگی دیده‌ام، او را ملاقات کرده و بسیار برجسته و متشخص یافتم.»^(۱۰)

۱- محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام بن جابر نعمان معروف به ابن معلم و مشهور به مفید (۲۲/۱۰۲۲-۳۳۶-۴۱۳ یا ۳۳۸) بنیان‌گذار خط اعتدال در تشیع امامیه دوره غیبت می‌باشد. تلاش بی‌وقفه او در جهت تقریب فرقه‌های شیعه، سنی و... و کاستن از تنش‌های تند عقیدتی - سیاسی دوره حضور و رسمیت بخشیدن هرچه بیشتر به تشیع امامیه بسیار مؤثر بود. توفیق مفید در این زمینه مرهون اقتدار سیاسی خاندان ایرانی - شیعی آل بویه است. دوستی و روابط او با عضدالدوله دیلمی و ایجاد زمینه و شرایط مناسب برای حضور مفید در عرصه نبرد عقاید مبین این توفیق است.

می‌دانیم که پس از قم و ری، مکتب بغداد مهم‌ترین پایگاه علمی شیعه محسوب می‌شد. اما مکتب کلامی بغداد که ریاست بلامنازع آن با مفید بود، اختلاف اساسی با مکتب محدثان شیعی قم داشت. مفید قبل از هر چیز یک متکلم تعقل‌گرای متصلب است و بعد یک فقیه و محدث! او در همین راستا نبردی سخت با مشرب کلامی - روایی صدوق آغاز کرد. نقد و تصحیح عقاید کلامی - روایی صدوق نخستین اقدام رسمی این نبرد عقیدتی است. بدون شک چنین اقدامی جسورانه تنها از مفید ساخته بود. مفید با شیوه و محتوای دگماتیستی محدثان شیعی در افتاد و جناح صدوق را حشویه شیعه خواند [ن. ک: مفید/اوائل المقالات. چاپ چرندابی. تبریز. ۱۳۳۰ ش. ص ۶۶. + مقایسه کنید: مادلونگ/شیعه در حدیث دیگران. چاپ دکتر محقق. تهران. ۱۳۶۶. ص ۱۶، ۱۷]. او مکتب محدثان قم را متهم به



→

پیروی از خط غلو کرد و لذا با احتیاط برخی مصادر روایی صدوق را نقد و رد نمود. در همین جا باید اعتراف کرد که با وجود چنین نبرد نسبتاً جدی و ریشه‌داری، مفید و شاگردان او نتوانستند در جبهه داخلی بر جریان نیرومند اصحاب‌الحديث که صدوق و اسلاف و اخلاف او ایجاد کرده بودند فائق آیند، چرا که مبانی و تصورات مذهبی - کلامی عامه شیعیان امامیه با تعالیم و مشرب کلامی - روایی اصحاب‌الحديث شکل گرفته بود و مکتب محدثان در عرصه رهبری عقیدتی حضور فعال خود را حفظ کرده بود.

تلاش کلامی مفید در جبهه خارجی بسیار موفق و مؤثر بود. او در نبرد با اندیشه‌های کلامی معتزلی، زیدی و... بسیار موفق بود و به گفته خودش پشت حریفان را در زمینه‌های بسیاری به خاک مالید. [ن.ک: اوائل المقالات ۹۳، ۹۴].

نقادی‌های مفید نشان می‌دهد که او در پی اعلام مواضع جدید تشیع امامیه، نسبت به مواضع سیاسی - عقیدتی - اصولی تشیع دوره حضور با احتیاط روزپسندی برخورد کرده است. به عنوان مثال مفید در نقد این روایت مشهور: «ما منّا الا مقتول بالسيف او مسموم بالزهر» آن را به اخبار ارحاف ملحق کرده است یعنی جزء اخباری که توسط جناح رادیکال دوره حضور به قصد تحریک توده‌های شیعی برای قیام و انقلاب ساخته شده می‌باشد. او صادقانه توضیح می‌دهد که یقین به چنین باوری که همه یازده امام شیعه چنین سرنوشتی داشته‌اند ممکن نیست [ن.ک: اوائل المقالات. رساله تصحیح الاعتقاد ۲۳۹. + مفید/المقنعه. چاپ افست. قم. دآوری. ۷۱-۷۵. + مفید/الارشاد. جلد اول. چاپ آخوندی. تهران. زندگی امامان] و این برجسته‌ترین تعدیل سیاسی دوره نخست عصر غیبت به شمار می‌رود. در تلقی مفید این گزارش‌های سرخ که مبین استراتژی و سرنوشت امامان و جناح رادیکال شیعه امامیه دوره حضور است، می‌تواند در ادامه خط غلو تعبیر شود. اما شگفت آن که او

←



بر شهادت پیامبر (مسموم) تصریح می‌کند. مسئله‌ای که برای کودتای سقیفه و رژیم‌های تابعه آن غیر قابل‌گذشت است [ن.ک: المقنعه ۷۵، ۷۶. + الارشاد ۱/۲۴-۷۴]. مبانی استدلالی مفید با علم، عقل و حدیث توأم است. در تلقی کلامی او عقل نیازمند سمع است تا بتواند به شناخت دین نایل شود [ن.ک: اوائل المقالات].

در بحران‌های عقیدتی روزگار مفید، اساسی‌ترین سؤال و مشکل عقیدتی حل مسئله امامت بود و مفید برخلاف اسلاف در پاسخ به این سؤال اساسی از علم، عقل و حدیث استعانت جسته است. رسائل کلامی او نشان می‌دهند که تکیه مفید بر آن دسته از احادیثی است که در مصادر اولیه شیعه به صورت اصول کلی راهنما از پیامبر و امامان صادر شده است. او سعی دارد تا این اصول کلی را با ادله کلامی تفسیر کند. و این اقدام به معنای *Justifying* (توجیه‌گری) که مؤلفان گرفته‌اند نیست، بلکه پرهیز از حدیث‌گرایی است که شواهد بسیاری به همراه داشت.

مفید در پرهیز از این شواهد و در ادامه همان خط اعتدال و اعلام مواضع جدید، از مصادر روایی رادیکال شیعه که بارزترین ادله روشن امامت و کادر منصوص آن را دربر دارند دوری گزیده است. به عنوان مثال در سرتاسر آثار مفید ابداً ارجاعی به گزارش‌های مستند اصل سلیم‌بن قیس به عنوان تنها منبع دست اول تشیع اولیه دیده نمی‌شود. آن گونه که در جهت تثبیت خط اعتدال به کودتای سیاسی سقیفه اشاره‌ای نکرده است. او در کتاب الارشاد که مفصل‌ترین اثر عقیدتی - روایی - تاریخی او است پیشینه عقیدتی - سیاسی تشیع امامیه را از شرح حال امام علی بن ابی طالب علیه السلام شروع کرده است. کتاب الارشاد مفید سندی روشن بر چگونگی تلاش تعدیل‌گرایانه افراطی شیعه امامیه عصر غیبت است. مفید برخلاف صدوق پایگاه اشرافی ندارد. او از یک خانواده روستایی است که پدرش قربانی





۶- شریف مرتضی (علم الهدی) (وفات ۱۰۴۴/۴۳۶). شریف مرتضی شاگرد دانشمند شیخ مفید بود. او پس از مرگ مفید در سال ۴۱۳/۱۰۲۲ رهبری عقیدتی تشیع امامیه را بر عهده گرفت. بیشتر کارهای مرتضی آثار مدوّن کلامی هستند یعنی مبتنی بر ادله عقلی می باشند (همان شکل تشریحی - اثباتی مورد حمایت متکلمان نظری).^۱



منازعات فرقه‌ای شد. انگیزه‌های اعتدال‌گرایی او می‌تواند معلول حوادث زندگی و روزگار او باشد. و می‌دانیم که پیشینه خط اعتدال به اواسط دوره حضور می‌رسد که روندگان این خط جناح دوم و سوم اصحاب امامان بودند.

سعه صدر مفید و جهان‌بینی کلامی باز او ارادت جناح‌های کلامی - فرقه‌ای مختلفی را نسبت به او برانگیخت. مفید در مشرب فقهی نیز برخوردار از احتیاط‌آمیز و علمی با روایات دارد. او عمل به اخبار آحاد را به‌طور مشروط یعنی در صورت اثبات صداقت راویان تجویز می‌کرد [ن.ک: اوائل المقالات ۱۳۹]. بنابراین آثار او نمی‌تواند تنها منبع و مبنای امامت، مهدویت و غیبت امام دوازدهم باشد. منابع شرح حال: نجاشی رجال ۲۸۳-۲۸۸. + طوسی/الفهرست ۱۵۸. + ابن ندیم/الفهرست ۲۵۲، ۲۷۹. + دانشنامه ایران و اسلام ۶: مفید. + مصادر بحار. جلد صفر. ۱۰۴-۱۱۳. + Amine; Islamic shiite Encyclopedia. vol.I. pp.43-130. + نوری/المستدرک. خاتمه ۵۱۷/۳. + مفید/الرسائل. چاپ نجف. ۱۳۵۸. + اندیشه کلامی مفید: اوائل المقالات. چاپ چرندابی. به همراه: تصحیح الاعتقاد صدوق. + مفید/المقنعه. چاپ قم. دیدگاه‌های فقهی - روایی. + مفید/الارشاد. + مقایسه کنید: مادلونگ. آ. /تشیع امامیه و کلام معتزلی در مجموعه: شیعه در حدیث دیگران. چاپ دکتر مهدی محقق. تهران. ۱۳۶۶. ۱۲-۱۷.

۱- ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی معروف و مشهور به: سید مرتضی، شریف مرتضی،





علم‌الهدی (۱۰۴۴/۳۵۵-۴۳۶). شاگرد ویژه و برجسته مفید و ادامه‌دهندهٔ مکتب کلامی او، نقیب علویان [سادات] بغداد و پیشوای بلامنازع شیعهٔ امامیه در دولت آل‌بویه. پدرش نیز نقیب علویان بود و مورد احترام خلافت عباسی و سلطنت آل‌بویه. آثار کلامی - فقهی - روایی شریف مرتضی تا پایان قرن هفتم هجری بر حوزه‌های اصول‌گرایی شیعه امامیه حاکم بود [ن.ک: علامه حلی/ خلاصة الرجال ۶۹، ۷۰]. شریف مرتضی نخستین عالم روشن‌فکر شیعی امامی است که از مشایخ بزرگ معتزلی کسب فیض کرد. اندیشه‌ها و آرای کلامی او به مکتب معتزلی بغداد بسیار نزدیک است. در الهیات پیرو معتزلیان بغداد است و در مباحث امامت تابع دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای استادش شیخ مفید. او نیز چون مفید در تبیین اصل امامت از علم، عقل و حدیث بهره می‌گرفت، اما استدلال‌های کلامی مرتضی بر ارجاعات روایی او می‌چربد. می‌توان گفت که او نیز بسیار اندک به احادیث و نصوص امامت استناد جسته است. برخلاف پندار مؤلفان، چنین شیوه‌ای نوین ناشی از نارسایی‌های روایی نبود، بلکه همان دلایلی را داشت که مفید به چنان شیوه‌ای روی آورد [ر.ک: پاورقی ۱۳۴]. از طرفی علت روشن است: شریف مرتضی به تفاهم و تقریب فرقه‌ها می‌اندیشید و تلاش بسیاری در جهت تعدیل هرچه بیشتر مواضع عقیدتی - سیاسی تشیع امامیه داشت. او در ادامهٔ اعلام مواضع جدید و تثبیت خط اعتدال که به‌طور اصولی استادش مفید بنیان‌گذار آن بود، در طی مباحثات مفصل، رسمی، معقول و مکتوبی که با قاضی القضاة خلافت بغداد دارد، نشان می‌دهد که در تلقی جناح معتدل: کودتای سقیفه و خلافت غصب یک جریان مستمر و فلسفه سیاسی رژیم‌های عربی خلافت نیست، که یک حادثه تاریخی مقطعی بوده و گذشته است، و انتقادات شیعه امامیه تنها در شرح حال شخصی - علمی - سیاسی (سیره حکومتی) خلفای ثلاثه است. این مواضع دقیقاً نقطه مقابل





→

دیدگاه عقیدتی - سیاسی شیعه امامیه دوره حضور بود که در ستیز با خلافت غصب، آن را به عنوان یک جریان و فلسفه سیاسی مستمر در تاریخ نهضت‌های مردمی می‌دانست می‌باشد. در آموزش‌های امامان شیعه امامیه بر این مواضع تاکید بسیار رفته است [ن.ک: زیارات ائمه، مخصوصاً زیارات عاشورا در کامل‌الزیارات]. قاضی‌القضاة بغداد خاطر نشان می‌سازد که جناح معتدل شیعه امامیه در جهت تثبیت مواضع جدید، اصول رادیکال شیعه از جمله اصل سلیم بن قیس را بایکوت و نفی و نهی کرده‌اند. او می‌گوید از برخی مشایخ شیعه شنیده است که گفته‌اند: کتاب سلیم بن قیس جعلی و خودش چهره‌ای افسانه‌ای در تاریخ و رجال شیعه است. قاضی‌القضاة بغداد تصریح می‌کند که هنوز جناح رادیکال شیعه به این کتاب در ستیز با خلافت غصب استناد می‌کنند [ن.ک: ابن ابی‌الحدید / شرح نهج‌البلاغه ۱۵۵/۳. چاپ بیروت. مجموعه چهار جلدی].

هرچند که شریف مرتضی در دوره بحران عقاید شیعیان می‌زیست، اما در روزگار او خطوط، جبهه‌ها و جناح‌های شیعی امامی نسبتاً مشخص و تا حدودی از شدت بحران کاسته شده بود [ن.ک: شریف مرتضی / الرسائل جلد‌های ۱، ۲، ۳] و روزگار توجیه مواضع بود. شریف مرتضی به راستی یک عالم روشن‌فکر، فقیه و متکلم، ادیب و شاعر شیعی امامی بود. او دیگر دغدغه‌های ظریف و حساسیت‌های لطیف عقیدتی را نداشت چرا که شیعیان امامیه رهبری عقیدتی - سیاسی خویش را در دوره غیبت کبری بازیافته بودند و دیگر جای نگرانی نبود. تنها مسئولیت بزرگ علمای دوره غیبت پاسخ به حوادث مستحده (فقهی - کلامی) بود که شریف مرتضی به عنوان فقیه و متکلم بلامنازع از عهده این کار به خوبی برمی‌آمد. او بیشتر عمرش را صرف مباحثات کلامی، مناظرات علمی و شعر و ادب کرد و آثاری بجا گذاشت. شریف مرتضی با اصحاب‌الحديث نیز در ستیز بود و مکتب محدثان قم

←



را به شدت مورد حمله قرار داد. او محدثان قم را فاسدالمذهب نامید و آنان را به مشبهه و مجبّره تشبیه کرد. به نظر می‌رسد تنها علمای امامیه پس از دوره صفویه توانستند این ضربه کمرشکن شریف مرتضی را درمان کنند. گفته می‌شود که نیای صاحب جواهر الکلام [= محمد حسین نجفی] کتابی موسوم به تنزیه القمیین در مورد حمله‌های شریف مرتضی نوشته است. هرچند که اندکی بعد از شریف مرتضی در حوزه‌های علمی و عامیانه شیعه امامیه غلبه کلامی - روایی با جناح اصحاب الحدیث بود. شریف مرتضی از جمله کسانی بود که اخبار آحاد را به طور مشروط و به سختی می‌پذیرفتند. او کتابی بر ردّ حجّیت اخبار آحاد نوشت. لازم است بدانیم اتخاذ چنین موضعی در آن روزگار علاوه بر دلایل سیاسی یاد شده به خاطر وجود و غلبه خط غلو و لوّث شدن جریان اصیل و اصول‌گرای احادیث مستند بود. فاجعه‌ای که بسیاری از حقایق را قربانی فساد خویش نمود. شریف مرتضی ثروتمندترین فرد زمان خویش بود که پس از خود نقدینه و ثروتی هنگفت برجای گذاشت. او مالک هشتاد پارچه آبادی بود. و برادرش سیدرضی کسی که با نگاه ادبی و ذوق بلاغی بخشی از خطبه‌ها و سخنان امام علی بن ابی طالب علیه السلام را جمع‌آوری کرد [= نهج البلاغه]، مالک یک سوم زمین‌های زراعی عراق بود [ن.ک: محقق کرکی رساله خراجیه. مندرج در: کلمات المحققین. چاپ قم. ۱۴۰۲. مکتبه المفید. ص ۱۸۶، ۱۸۷. + مجلسی/ بحار الانوار. مصادر بحار. جلد صفر. شرح حال شریف مرتضی ۱۵۶-۱۷۰]. این دو برادر نیز از تقدّس خاصی برخوردارند. در شرح حال شریف مرتضی و برادرش سیدرضی آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام در عالم خواب دست این دو برادر را گرفته و به مکتب شیخ مفید آورده است. منابع شرح حال: نجاشی رجال ۱۹۲. + طوسی/ الفهرست ۹۹. + علامه رجال ۱۲۱. + نوری/ مستدرک ۴۹۰/۳، ۶۴/۷۰. + مصادر بحار. جلد صفر. ۱۵۶-۱۷۰. + رساله





۷. محمد بن حسن طوسی (وفات ۱۰۶۷/۴۶۰) معروف به شیخ طوسی. او متولد طوس بود. بعد به بغداد هجرت کرد و از شاگردان شیخ مفید گردید که پیداست این شاگردی تاثیر بسیار زیادی بر زندگی علمی طوسی گذاشت. پس از مرگ شریف مرتضی، طوسی جایگاه علمی او را گرفت و تا سال ۴۴۹/۱۰۵۷ رهبری شیعه را بر عهده داشت. طوسی به عنوان یک فقیه و متکلم بسیار محترم بود. دو کتاب طوسی به نام‌های التهذیب و الاستبصار بعلاوه کتاب الکافی تالیف کلینی و کتاب من لا یحضره الفقیه تالیف ابن بابویه، کتب اربعه شیعه امامیه محسوب می‌شوند. کتاب الغیبه طوسی به طور مستقیم به اثبات زندگی و توجیه غیبت کبری امام دوازدهم می‌پردازد. در عقاید استدلالی امامیه به نظر می‌رسد که طوسی توانسته به یک سازش ظریف بین ادله نقلی و ادله عقلی برسد. او از وقتی متوجه وجود اختلاف و تغایر میان احادیث و وجود روایات



خراجیه محقق کرکی ۱۸۶، ۱۸۷. + Amine; Islamic shiite Encyclopedia. vol.I. pp.43-134. + دیدگاه‌های کلامی: شریف مرتضی/الرسائل. چهار جلدی. چاپ دارالقرآن الکریم. قم. + تمهید الاصول. شرح رساله جمل العلم و العمل. چاپ دانشگاه تهران. + دیدگاه‌های تاریخی - عقیدتی: علاوه بر: رسائل شریف مرتضی. + مرتضی/الشافی ۱۸۲. + ابن ابی الحدید/شرح نهج البلاغه ۳/۱۴۰-۱۷۰ از مجموعه چهار جلدی. چاپ مصر. اقصی بیروت. + شریف مرتضی/القصیده الذهبیه. شرح قصیده سید حمیری. چاپ مصر. ۱۳۱۳ ق. مقایسه کنید دیدگاه‌های کلامی امامیه و معتزله. ن.ک: مقاله مادلونگ. پیشین. زندگی سیاسی - اجتماعی: فقیهی/آل بویه. نقش کلیدی مرتضی در تثبیت خط اعتدال. ن.ک: فزونی/النقض. + خط سیاسی او: مرتضی/الرسائل ۱/رسالة العمل مع السلطان. + دانشنامه ایران و اسلام ۱/آل بویه. حمله متصلبان اصحاب الحدیث به جناح شریف مرتضی. ن.ک: استرآبادی/الفوائد المدنیة ۳۰، ۳۱.



مشکوک و مجعول گردید، همه احادیث شایع و پراکنده را به دقت موشکافی کرد.^(۱۱) کتاب الغیة طوسی همین طور به شرح فعالیت‌های نواب اربعه پرداخته است که بنا به عقیده تشیع امامیه در طی دوران غیبت صغری از سال ۸۷۲-۲۶۱/۹۴۱-۳۳۰ نماینده امام بوده‌اند. سرتاسر تحقیقات طوسی به گونه‌ای است که رجوع به آثار او را برای علمای امامیه که می‌خواهند پیرامون غیبت کبرای امام دوازدهم به‌طور استدلالی به بحث پردازند، اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تا آنجا که علمای امامیه دوره‌های بعد از قبیل علامه مجلسی (وفات ۱۱۱۱/۱۶۹۹) به آثار طوسی ارجاع می‌دهند.^۱

۱- ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی معروف و مشهور به: شیخ طوسی، شیخ الطایفه (۳۸۵/۱۰۶۷-۴۶۰). تحصیلات اولیه‌اش در حوزه علمی شیعه امامیه خراسان بود. می‌دانیم که حوزه خراسان زیر تاثیر و نفوذ مکتب محدثان قرار داشت. وقتی ۲۳ سال داشت به بغداد آمد [۴۰۸ هجری] و از ملازمان مفید گردید و پنج سال در حوزه درس او حضور یافت. پس از مفید، به مدت ۲۳ سال در حوزه درس مرتضی شرکت کرد و از شاگردان برجسته و ممتاز او گردید که بیشترین هزینه تحصیلی را دریافت می‌کرد. پس از درگذشت مرتضی زعامت عقیدتی - علمی جامعه شیعی را بر عهده گرفت. حوزه درس او اذهان را در مراکز علمی به خود معطوف داشت. او نیز چون اساتیدش سعه صدر و صبغه روشن فکری داشت و با موافق و مخالف در ارتباط بود. تعداد اساتید غیر شیعی طوسی به بیش از پنجاه نفر می‌رسد. او نیز شاگردان بسیاری از شیعه و سنی پرورش داد.

کتاب فقهی الخلاف او تلاش مجدانه وی در ادامه خط اعتدال است. طوسی در مشرب کلامی دقیقاً تابع دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای کلامی دو استادش مفید و مرتضی بود، اما در تبیین عقاید شیعی مخصوصاً اصل امامت به رهنمودهای مرویه از امامان تمایل و توجه بیشتری نشان می‌داد، چرا که بحران‌های عقیدتی در دوره زعامت او اوج گرفت و او



→

استدلال‌های کلامی صرف را کارساز نمی‌دید.

طرح مسئله امامت، مهدویت و غیبت امام دوازدهم که با هیاهوی تند فرقه‌های واقفیه مواجه بود، در طوسی دغدغه‌های عقیدتی بسیاری برانگیخت. او در ادامه کار نعمانی کتاب الغیبة را تالیف کرد که با مایه‌های روایی بسیار و استدلال‌های کلامی اندک همراه است. این کتاب تسلی‌بخش بسیاری از شیعیان و پاسخگوی بسیاری از اشکالات مخالفان شد.

طوسی در فقه نیز شیوه خاص خود را دارد و در راستای همان گرایش حدیثی، برخلاف دو استادش اخبار آحاد را حجت می‌داند. کار روایی او در فقه، کتاب تهذیب الاحکام و الاستبصار است. کتاب تهذیب او شرح روایی کتاب فقهی المقنعه مفید است.

طوسی در تثبیت خط اعتدال کوشید. به دستور خلیفه عباسی [عبدالله بن احمد = القائم بامرالله] صاحب کرسی کلام در دانشگاه مستنصریه بغداد شد. او زیرکانه به تبیین دیدگاه‌های اصولی - عقیدتی شیعه امامیه دوره حضور و نقد دیدگاه‌های کلامی معتزله و فرقه‌های مخالف پرداخت.

مباحث کلامی طوسی خشم خلیفه را برانگیخت. این حرکت شیخ نیز نشان‌دهنده گرایش‌های او به جریان اصولی حدیث‌گرای شیعه امامیه است. به همین دلیل در جدال‌های فرقه‌ای بغداد در سال ۴۴۸ هجری، خانه‌اش مورد تهاجم بانده خلافت قرار گرفت و کتابخانه‌اش به آتش کشیده شد و خودش به نجف گریخت و در آنجا حوزه علمیه نجف را تاسیس کرد. او دوازده سال آخر عمرش را صرف راه‌اندازی این حوزه کرد.

به‌طور کلی شیخ طوسی طراح و مدون دیدگاه‌های فقهی - کلامی و روایی - رجالی خط اعتدال است. مکتب فقهی - کلامی او حضور و اقتدار تاریخی خود را همچنان حفظ کرده است. او در تثبیت هرچه بیشتر خط اعتدال شگفتی‌های بسیاری آفرید. یکی از این هنرها

←



بنابراین هر پژوهشی که بخواهد به ترسیم تحوّل عقیده مهدویت امام دوازدهم پردازد و خواسته باشد به بررسی حوادث پرسروصدای غیبت امام برخیزد، باید به منابع دست اول یاد شده مراجعه کند که همگی در مقطع دویست ساله پس از مرگ امام حسن عسکری تالیف شده است. می‌توان ادعا کرد که این منابع مبین بی‌کانه‌ترین کوشش‌های این بخش از علمای امامیه است که متضمّن بقا و دوام مذهب امامیه در حوزه پر فراز و نشیب سنیان است. این منابع مبین کوشش‌های اولیه این بخش از علماست که عقاید روشن اجتماعی - سیاسی مساوات‌طلبانه تشیع امامیه در عصر ظهور و حکومت مهدی موعود را حفظ کردند.^۱



مختصر و مفید کردن کتاب معرفة الناقلین موسوم به رجال کشی [ابوعمر و محمد بن عبدالعزیز کشی معاصر کلینی، بغداد] تنها مصدر جامع روایی - رجالی شیعه امامیه دوره حضور می‌باشد. آثار رجالی طوسی نشان می‌دهد که خط اعتدال در بایکوت ساختن بخشی از راویان جناح رادیکال شیعه در عرصه مسایل عقیدتی - اقتصادی - سیاسی و... بسیار موفق بوده است. کتاب فقهی الخلاف شیخ طوسی که در جهت تقریب و تفاهم بین المذاهب نوشته شده، اساسی‌ترین شعار عقیدتی - سیاسی شیعه امامیه دوره حضور (یعنی شهادت بر امامت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام)، در ستیز بی‌امان و نفی مطلق خلافت غصب در طول تاریخ) را از تنش انداخته است [ن.ک: طوسی/الخلاف ۶۶]. اقدامات خط اعتدال به تثبیت تشیع امامیه و رسمیت یافتن آن در کنار مذاهب رسمی اربعه تسنن انجامید، و علمای شیعه امامیه حق حیات اجتماعی یافتند. منابع شرح حال: نجاشی/رجال ۲۸۷. + حلی/رجال ۷۲. + مصادر بحار ۹۱-۱۰۴. + الاستبصار ۱/مقدمه ۴-۳۵. + تهذیب ۱/مقدمه ۱۷-۳۴. + نوری/مستدرک ۳/۵۱۰. + طوسی/الفهرست. مقدمه.

۱- برخلاف نظر مؤلفان از میان منابع یاد شده تنها دو منبع یعنی کتاب الغیبة تالیف نعمانی



و کتاب الغیبة تالیف طوسی می‌تواند مبنایی برای بحث درباره امامت، مهدویت و غیبت دوازدهمین امام [عج] باشد. تاکید مؤلفان و محصور نمودن منابع عقیدتی تشیع امامیه در این چند منبع یاد شده، تلاش ناموفقی است که می‌خواهد نظریه‌ای ذهنی و متزلزل را اثبات کند. در پاورقی‌های بعدی پوشالی بودن این نظریه روشن خواهد شد.



پاورقی‌های بخش اول

۱- در این پژوهش، عقیده آن فرقه از تشیع امامیه مورد بحث است که معتقد به ادامه امامت از نسل حسین بن علی و قایل به مرگ امامان تا امام حسن عسکری است و سپس اظهار می‌دارد که امام حسن عسکری از خود فرزند پسری به جانشینی‌اش گذاشته که در پرده استتار به سر می‌برد.

2- Sachedina; A treatise on the occultation of the Twelfth Imamite Imam in Studia Islamica (heteafter cited as SI). vol.48.1978.p.109.

۳- جاسم حسین متخصص تاریخ اسلام است. او دکترایش را در دانشگاه ادینبرگ تمام کرده و از آن پس مشغول اتمام دوره فوق دکترای خود در بخش مطالعات اسلامی و خاورمیانه‌ای دانشگاه ادینبرگ است.

۴- عبدالعزیز ساشادینا در حال حاضر استاد بخش مطالعات مذهبی دانشگاه ویرجینیای شهر چارلتسویل است.

۵- برای دریافت جزئیات درباره این وکلا به بخش اول این پژوهش مراجعه کنید.

6- A.Fyzee; The Greed of IbnBabawayhi, Journal of Bombay university. 1943.p.70.

7- Hussain; The occultation of the Twelfth Imam (Cambridge. 1982) p.7.

۸- برای دریافت برخورد علمی شیخ مفید و ابن بابویه ن.ک:

Fyzee; The Greed... J.B.university. 1943.p.70-86.

۹- آثار مشخص شیخ مفید به ۱۷۲ تالیف رسیده است. برای دریافت جزئیات ن.ک:

The Theology of shaikh al.mufid (Beirut. 1978)



p.27-40.

۱۰-ن.ک: ابن ندیم/الفهرست. ترجمه انگلیسی. دانشگاه کلمبیا. ۱۹۷۰. ص

۴۴۳

11- A.Sachedina; A treatise... SI.vol.48.p.116.

۱

دیدگاه

دکتر جاسم حسین

پیرامون رویدادهای غیبت امام
دوازدهم تشیع امامیه



است. از این رو جاسم حسین منابع اولیه تحقیقش را در مورد مسئله غیبت به سه بخش تقسیم کرده است:

۱- منابع تالیف شده قبل از سال ۲۶۱/۸۷۲ هنگامی که امام حسن عسکری درگذشت.

۲- منابعی که بین سال‌های ۸۷۲-۲۶۱/۹۴۱-۳۳۰ نوشته شده است (دوران غیبت صغری).

۳- منابعی که پس از سال ۳۳۰/۹۴۱ نوشته شده است.

در مورد منابعی که قبل از سال ۲۶۱/۸۷۲ نوشته شده است، جاسم حسین می‌گوید اصول اربعه (کتب چهارصدگانه شیعه) توسط علمای امامیه در دوران زندگی یازده امام نوشته شده است. او اظهار می‌دارد احادیثی که در طی این دوران متداول شدند، تصریح و تعیین نمی‌کنند که امام دوازدهم باید یک دوران غیبت داشته باشد.^۱ این دیدگاه هیچ ارزشی ندارد، زیرا طبیعت دوگانه احادیث پیرامون مهدی می‌توانست باعث دل‌گرمی و تقویت عقیده پیروان گوناگون امامان شود که پس از مرگ آنان به وجود مهدی موعود اعتقاد داشتند. از این رو اندکی بعد خود جاسم حسین توضیح می‌دهد که فرقه ناووسیه معتقد بودند که امام جعفر صادق (وفات ۱۴۵/۷۶۵) نمرده است و واقفیه به مرگ امام کاظم (۱۸۳/۷۹۹) باور نداشتند. هر دو فرقه ناووسیه و واقفیه اظهار داشتند که پیشوایان مذکورشان در غیبت به سر می‌برند و بازگشتشان را انتظار می‌برند. نکته شایان توجه این که علمای امامیه متقدم نظیر کلینی برای توجیه عقیده‌شان مبنی بر غیبت امام دوازدهم، از احادیثی استفاده می‌کردند که توسط علمای اولیه

۱- ن.ک: کَشی/رجال ۴۷۶، ۴۷۷ حدیث ۹۰۴: از امام صادق و امام رضا علیهما السلام: «ان صاحب هذا الامر یعنی «القائم» فیه شبه من خمسة انبیاء؛ یُخسَدُ کما حسد یوسف و یغیبُ کما غاب یونس...». + ۲۵۸-۲۶۳ حدیث ۴۷۷.



شیعه حفظ شده بود. و این نشان می‌دهد که عقیده به مهدی به عنوان خصوصیت برجسته تشیع اولیه، همیشه راه را برای تفسیر آن بر اساس تمایلات عالم شیعی باز گذاشته است.^۱ احتمالاً این دیدگاه می‌تواند به این صورت مورد تایید قرار گیرد که شیعیان، امامان پس از امام محمد باقر را به عنوان مهدی موعود تلقی می‌کردند.

جاسم حسین همچنین تعدادی از اصحاب معاصر امامان را مورد توجه قرار می‌دهد که پیرامون عقیده به غیبت چیزهایی نوشته‌اند. افرادی از قبیل علی بن مهزیار اهوازی، حسن بن محبوب (۲۲۴/۸۳۸) و فضل بن شاذان نیشابوری (وفات ۲۶۰/۸۷۳).

از آنجا که این آثار امروز موجود نیستند، لذا نمی‌توانیم نقطه نظرهای شان

۱- همان‌گونه که گفته شد پیدایش فرقه‌های واقفیه در تشیع امامیه ناشی از قوت و شدت عقیده به مهدی موعود در ادامه کادر امامت منصوص بود. مؤلفان به دلیل بی‌اطلاعی از تاریخ اسلام امامت و سرنوشت منابع و مصادر مهدویت در دوره حضور به مجهولات خود استدلال کرده‌اند. از طرفی فرقه‌های واقفیه و... واژه‌ها و اصطلاحات خاص مهدی، قائم، غیبت، قیام، ظهور و... را به کار می‌گرفته‌اند و این خود نشان می‌دهد که این اصطلاحات در فرهنگ عقیدتی شیعه امامیه وجود داشته است.

برخلاف پندار مؤلف، علمای اولیه امامیه تا کلینی، نعمانی و طوسی در رابطه با مسئله مهدویت و غیبت امام هیچ‌گونه تمایل خاصی نداشتند تا روایات مهدویت را بر اساس تمایلات شخصی خود تفسیر کنند. در آن مقطع زمانی مسئله مهدویت و عقیده به وجود امام غایب از دیدگاه خلافت حاکم جرم و ممنوع بود. کار مشایخ اولیه یک درد عقیدتی صرف بود که با وجود خطرات فراوان به تدوین احادیث مهدویت از روی مجموعه‌های روایی اصحاب امامان پرداختند [ن.ک: شرح حال مشایخ شیعه + پیشینه تاریخی مهدویت در متن نوبختی. مقدمات مترجم].